مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

جنگ‌های صلیبی

علی رضا کریمی

بسم الله الرحمن الرحیم

جنگ های صلیبی

نویسنده:

علیرضا کریمی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

جنگ های صلیبی

مشخصات کتاب

جنگک های صلیبی

کد:۶۲۸

ناشر و تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

نویسنده: علی رضا کریمی

چاپ و صحافی: نگارش

لیتوگرافی: سروش مهر

شمارگان: ۱۵۰۰

نوبت چاپ: دوم / ۱۳۸۲

بهاء: ۱۰۰۰ تومان

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

تلفن: ۲۹۳۵۸۰۳ و ۲۹۱۰۶۰۲ نمابر: ۲۹۳۳۸۹۲

پست الکترونیکی: Email: IRC@IRIB.COM

ص:۱

اشاره

فهرست مطالب

دیباچه

دیباچه

اساسا لازمه داشتن یک نگرش همه جانبه به آینده، شناخت کامل از حال و گذشته است.

تاریخ، آشنایی با تجربه های گذشتگان است. این آشنایی می تواند چونان چراغی پرفروغ ما را از افتادن در اشتباهات دیگران باز دارد و آینده درخشان را فراراه مان قرار دهد.

در این میان تاریخ جهان اسلام و فراز و نشیب هایی که مسلمانان داشته اند بسیار عبرت آموز است. آنها که روزگاری بر جهان تفوق علمی و فرهنگی داشتند، با سیاست های نادرست داخلی و نیرنگ های خارجی، به ورطه انحطاط افتادند و امروزه در میان قدرت های مستکبر هر روز به سویی کشیده می شوند. گذار از این مرحله و دست یابی به استقلال، بازنگری در تاریخ و عبرت آموزی از آن را می طلبد. در این میان بررسی جنگهای صلیبی اهمیت فراوان دارد. آنچه که در این حادثه تأمل برانگیز است، اهداف سردمداران صلیبی از این جنگ ها، روش های آنان در کشاندن مردم به جنگ، نحوه جنگ و برخورد آنان با اسرا و مردم غیر نظامی و مقایسه آن رفتار مسلمانان با اسرای صلیبی است، آثار و پی آمدهای جنگ های صلیبی بی شک زمینه ساز رنسانس علمی و فرهنگی در غرب و آغاز اُفول شعله های

پیشرفت مسلمانان بوده است که به نوبه خود جای بررسی فراوان دارد.

اینک پس از گذشت قرن ها از آن حوادث ناگوار، بار دیگر شیپور جنگ های صلیبی به گونه ای دیگر نواخته می شود و مسلمانان را به چالش فرا می خواند.

در این مقطع حساس زمانی مسلمانان باید با اتحاد و هوشیاری بار دیگر زیر پرچم پرافتخار و با صلابت اسلام و سردارانی چون صلاح الدین ایوبی ها انسجام یابند و از عزت و آزادگی خود دفاع کنند و در پایان ضمن قدردانی از تلاش های محققانه پژوهشگر ارجمند جناب آقای علیرضا کریمی که با قلم شیوای خود این پژوهش را نگاشتند، امید است مورد استفاده برنامه سازان ارجمند قرار گیرد.

انّه ولی التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیش گفتار

پیش گفتار

رویارویی ملت های دنیا با یکدیگر، تاریخی طولانی دارد. از زمانی که انسان ها خود را در میان گروه های اجتماعی شناختند، جنگ های قبیله ای و دسته جمعی را تجربه کردند. انسان ها در آغاز، بیش تر برای به دست آوردن سود مادی به جنگ می پرداختند، ولی هرچه پیشرفته تر شدند، نتوانستند به راحتی و بدون دلیلِ به ظاهر قانع کننده و عوام فریبانه، به چنین جنگ های تجاوزکارانه ای اقدام کنند. از این رو، بهانه هایی مانند: به دست آوردن میراث گذشتگان و پیروی از دستورهای دینی مورد توجه متجاوزان قرار گرفت. جنگ های صلیبی یکی از این گونه رویارویی های توسعه طلبانه بود که اروپاییان به راه انداختند. هیچ کدام از دین های آسمانی، پیروان خود را به تجاوز و وحشی گری سفارش نکرده است؛ زیرا ادیان الهی برای رستگاری انسان ها آمده اند، نه برای کشتن و از میان بردن آن ها.

از این رو، هرگز عقل و منطق، این ادعای پاپ و دستگاه کلیسا را نمی پذیرد که وظیفه مسیحیان، رهایی اورشلیم از دست مسلمانان است. به ویژه اگر این رهایی به قیمت کشتار و وحشی گری علیه ساکنان بیت المقدس و شهرهای پیرامون آن اعم از یهودی و مسلمان نشین باشد. روشن است که این امر چیزی جز سوء استفاده از مذهب برای رسیدن به سود شخصی و

گروهی نیست. در جنگ های صلیبی، دست پاپ و روحانیان بلند پایه کلیساهای اروپا به همراهی فئودال های ستمگر در این سوءاستفاده از مذهب، آشکارا دیده می شود.

شروع و دوام جنگ های صلیبی به مدت دویست سال از سوی اروپاییان که به بهانه های مذهبی صورت گرفت، چیزی جز غارتگری و تجاوز علیه ساکنان بی گناه شام و شمال آفریقا نبود. کم نبودند اروپاییانی که با توهّم تکلیف دینی و جهاد، در این پیکارها گام نهادند، غافل از آن که فریب دستگاه پاپی و فئودالیسم در حال فروپاشی غرب را خورده اند. بسیاری از شرکت کنندگان در جنگ های صلیبی را جنایت کاران، فرصت طلبان، بی کاران و بندگان فئودالیسم قرون وسطایی تشکیل می دادند که امتیاز دادن ها، بهشت بخشی ها و وعده های آزادی آفرین پاپ، آنان را به قلمروهای مسلمانان کشانده بود. گفتنی است درگیری های داخلی میان کلیسای بیزانس و کلیسای واتیکان و رقابت ها و زد و خوردهای شاهان اروپا با یکدیگر و در مواردی پاپ با برخی شاهان، زمینه ساز اعلان شعار مذهبی جهاد علیه مسلمانان شد.

مسیحیان در مدت دویست سال جنگ، نُه تهاجم بزرگ به سرزمین های اسلامی انجام دادند که در کشاکش این جنگ ها، مسلمانان زیادی کشته و مجروح یا اسیر شدند، دارایی های آنان به غارت رفت و سرزمین هایشان اشغال شد. در این جنگ ها بیش ترین آسیب بر مسلمانان وارد شد؛ زیرا صلیبی ها دور از خانه و کاشانه خود می جنگیدند، ولی مسلمانان در خانه و کاشانه خود دفاع می کردند. از این رو، خسارت های جانی و مالی بیش تری

به آنان وارد شد.

در طول جنگ های صلیبی، اروپاییان از دانش و فرهنگ و تمدن پربار مسلمانان نکته ها آموختند که همین آموزه ها، زمینه ساز دگرگونی های آینده در تمدن غرب شد. نوع رفتار مسلمانان با عالمان اسلامی، جایگاه پاپ و اربابان کلیسا را در میان مسیحیان بیش تر به خطر انداخت. گسترش دانش های پیشرفته روز مانند: پزشکی، نجوم، ریاضیات، هندسه و فنون دریانوردی مانند ساخت کشتی و ابزارهای دریانوردی مانند قطب نما در میان مسلمانان، اروپاییان را متأثر ساخت. آن ها با یادگیری دانش ها و مهارت های فنی مسلمانان، دانشگاه ها و مراکز علمی و پژوهشی و نظام های اجتماعی خود را توسعه بخشیدند. مسیحیان با دیدن فرهنگ و تمدن مسلمانان، پیش فرض نادرست خود را نسبت به مسلمانان اصلاح و دانش مسلمانان را وارد زندگی خود کردند. رنسانس در اروپا، تا اندازه زیادی از این مسأله تأثیر پذیرفت.

گفتنی است اروپاییان در طول جنگ، غیر از قتل، غارت، تجاوز و بی رحمی، اثر دیگری بر جای نگذاشتند. تاخت و تاز مسیحیان در سواحل مدیترانه، امنیت این مناطق را به خطر انداخت و خواب را از چشم مردم ربود. همین مسأله به فرار دانشمندان و بازرگانان از این منطقه ها انجامید. البته مردمان این سرزمین ها به مقاومت و رویارویی با متجاوزان اروپایی می پرداختند و در این ایستادگی ها، تجربه های بسیار می آموختند. از میان این مردم، خاندان های بزرگ و قدرتمندی مانند: زنگی ها، ایوبی ها و مملوکان ظهور کردند که توانستند مقاومت های خستگی ناپذیری را در برابر اروپاییان

صلیبی سازمان دهی کننـد. شایـد در اثر همین تجربه انـدوزی های نظامی بود که بعضـی سواحل مدیترانه به ویژه مصـر از شـرّ مغولان وحشی در امان ماند.

رویـارویی شـرق و غرب یـا به عبـارتی تمـدن اسـلامی و مسـیحی، در جنـگ های صـلیبی شـکل گرفت. چنـدان نگـذشت که اروپاییان پس از انجام برخی تغییرهای زیربنایی و روبنایی در تمامی زمینه ها، به تجاوزهای خود علیه قلمروهای اسلامی، شکل اسـتعماری دادنـد. آنـان بـا این روش، سـال ها سـرنوشت مسـلمانان را در اختیار گرفتنـد و سـرمایه های مادی و معنوی آنان را غـارت کردنـد. امروزه، این تلاش برای غـارت مسـلمانان، به شـکل پیچیـده تری دنبال می شود که نظریه هاییماننـد برخورد تمدن ها از سوی هانتینگتون و جنگ های صلیبی ازسوی رییس جمهور امریکا نمونه هایی از این دست هست.

اکنون وظیفه مسـلمانان سنگین تر از تاریخ گذشته آنان است؛ زیرا دشمن امروزی بسیار پیچیده تر و تواناتر از گذشته عمل می کنـد. در گذشـته، اروپاییـان در میـدان مبارزه نظامی و فرهنگی از مسـلمانان شـکست خوردنـد. و با دفاع قدرتمنـد مسـلمانان، مجبور شدند بیت المقدس و دیگر نواحی اشـغالی را بازپس دهند، ولی امروزه می کوشند با بهره گیری از توان فرهنگی خود، نخست پایگاه های فرهنگی مسلمانان را فتح کنند و سپس با ضربه نظامی، آنان را از پای درآورند. از این رو، مسلمانان باید با تکیه بر فرهنگ، سنت و ارزش های بنیادین شان، این حربه خطرناک دشمن را ناکارآمد کنند.

خوانـدن این کتاب که درباره تاریـخ جنگ های صـلیبی است، در تقویت حافظه تاریخی مسـلمانان می توانـد تأثیرگذار باشد. این کتاب بیانگر این

حقیقت است که تجاوزها و تهاجم های اروپاییان که در گذشته به شکل جنگ های صلیبی صورت می گرفت، امروزه به شکل های دیگری ادامه دارد. از آن جا که تاریخ آموزنده است، مسلمانان می توانند از آن، تجربه ها و درس های فراوان بگیرند و در رشد و توسعه فرهنگ و تمدن خود تأثیرگذار باشند.

بخش اول در آستانه جنگ های صلیبی

اشاره

بخش اول در آستانه جنگ های صلیبی

زیر فصل ها

فصل اول: جهان اسلام در آستانه جنگ های صلیبی

اشاره

فصل اول: جهان اسلام در آستانه جنگ های صلیبی

پیش از آن که به علت ها و زمینه های آغاز جنگ های صلیبی بپردازیم، لازم است وضع جهان اسلام و قدرت های بزرگ آن عصر، بررسی شود.

نیروی معنوی و مادی عباسیان

نیروی معنوی و مادی عباسیان

خلافت عباسیان به دلیل نداشتن پایگاه اعتقادی ریشه دار در میان مردم، رو به ضعف نهاد. از سوی دیگر، عباسیان که به کمک ایرانیان به خلافت رسیده بودند، در میان عرب ها چندان اعتباری نداشتند. آنان که برای اداره قلمرو گسترده امپراتوری اسلامی، به توان دیوان سالاری ایرانیان نیازمند بودند، به شدت به خاندان های بزرگ ایرانی روی آوردند و بعدها به آنان وابسته شدند.

پیدایش قدرت های محلی در ایران، چه قدرت هایی که به نیروی شمشیر ایجاد شده و چه قدرت هایی که از همان آغاز به تأیید خلیفه عباسی شکل گرفته بودند، در فروپاشی و زوال تدریجی قدرت خلفای عباسی مؤثر افتاد. حتی برخی دولت های ایرانی مانند: صفاریان و آل بویه، خسارت های سنگینی بر پیکره معنوی خلفای عباسی وارد آوردند. پیدایش قدرت های محلی ایرانی مانند: طاهریان، صفاریان، سامانیان و آل بویه یا قدرت های ترک هم چون: غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان در بی اعتبارکردن خلفای

عباسی مؤثر افتاد، ولی فروپاشی جدی عباسیان وقتی آغاز شد که آن ها ترکان را به عنوان عنصر جای گزین برای عرب ها و ایرانیان برگزیدند.

معتصم ـ خلیفه عباسی ـ نخستین خلیفه ای بود که به طور گسترده از ترکان در دربار و سپاه خود بهره گرفت و اداره استان های بزرگ امپراتوری عباسی را به ایشان سپرد و آنان را بر ایرانیان و عرب ها برتری داد. او در سال ۲۲۱ ه . ق شهر سامرا را برای ترکان بنا کرد و آن ها را به آن شهر انتقال داد. پس از آن که معتصم، مرکز خلافت را نیز از بغداد به سامرا برد، نفوذ ترکان در دستگاه خلافت افزایش یافت. این نفوذ روزافزون به آن جا رسید که ترکان، هرگاه وجود خلیفه ای را به زیان قدرت خود می دیدند، وی را از خلافت عزل می کردند و شخص دیگری را به جای او می نشاندند.

قدرت روزافزون ترک ها سبب گردید که خلفای عباسی در اداره امور، هیچ دخالتی نداشته باشند. قدرت طلبان ترک هر کدام در ناحیه ای برای خود حکومتی تشکیل دادند و به پشتیبانی و تأیید معنوی خلیفه، سلطه خود را بر مردم آن منطقه گسترش دادند. آنان برای گسترش قلمرو حکومتی خود، جنگ هایی را با گروه های هم نژاد و همسایه خود به راه انداختند. بنابراین، گرچه خلیفه به عنوان قیّم امت اسلامی، حضور داشت، ولی وی قدرت واقعی نداشت و جهان اسلام بیش تر گرفتار درگیری های داخلی و زد و خوردهای فراوان اجتماعی بود.

این زمینه ها هر دشمن جهان گیر و قدرت طلبی را متوجه فرصت پیش آمده می کرد. رفته رفته دولت های مستقل کوچکی نیز جدا از خلافت عباسی تشکیل شدند. برای مثال، در مراکش، دولت شیعی ادارسه (۱۷۲ ـ ۳۶۴ ه . ق)، در تونس دولت سنی اغالبه (۱۸۳ ـ ۲۹۶ ه . ق) و دولت

فاطمیـان در شـمال آفریقا (۲۹۷ _ ۳۵۸ ه . ق) پـایه گـذاری شدنـد و حتی قـدرت فاطمیـان تـا سوریه گسترش یـافت و دولت اخشیدی (۳۵۸ _ ۳۲۳ ه . ق) در مصر، قلمرو خود را تا جزیره العرب پیش برد.

بیش تر دولت های مسـتقل و نیمه مستقل مسلمان که همواره تضعیف به یکدیگر می پرداختند، از قدرت معنوی خلیفه استفاده می کردند. به این ترتیب، از یک سو، توان جهان اسـلام و از سوی دیگر، نفوذ و اعتبار معنوی خلیفه عباسـی در میان مسلمانان رو به ضعف نهاد.

اروپا در آستانه جنگ های صلیبی

اروپا در آستانه جنگ های صلیبی

امپراتوری بزرگ روم در سال ۳۹۵ م. به دو بخش غربی و شـرقی تقسیم شد. روم غربی شامل ایتالیا، بخشی از فرانسه، آلمان و اتریش و بخشـی از آفریقای شمالی بود و روم شرقی نیز آسیای صغیر، سوریه، فلسطین و مصر و شبه جزیره بالکان را شامل می شد.

روم شـرقی از لحاظ فرهنگ و بازرگانی، پیشـرفته تر از روم غربی بود، ولی پیوسـته از سوی شـرق، مسلمانان و از سوی غرب، اقوام وحشی ژرمن و اسلاو و بلغار با آنان درگیر بودند. این جنگ های پی در پی، لطمه های اجتماعی و مادی فراوانی به روم شرقی وارد آورد.

روم غربی نیز پیوسته با ژرمن ها، اسلاوها و هون ها درگیر بود و به شدت ضعیف شده بود. در این زمان، در اروپا نظام ملوک الطوایفی یا فئودالیسم حاکم بود. پایه اقتصاد اروپا بر کشاورزی اسـتوار بود. و مردم سـتم دیده در زمین های فئودال ها کار می کردند. فئودال ها در اروپا همه کاره بودند و پادشاهان اروپا تنها نامی از پادشاهی را با خود داشتند. جمعیت

شهرهـای اروپـا نیز انـدک بود و ارتش به گروهی از شوالیه هـا محـدود می شـد. هر فئودال شـماری از شوالیه هـا را در اختیار داشت که هنگام جنگ از نیروی آن ها بهره می گرفت.(۱)

همپای فئودال ها، روحانیان مسـیحی بودند که زمین های بسـیاری در اختیار داشـتند و از بزرگان به شمار می آمدند. روحانیان مسـیحی، شـاگردان مـدرسه هـای دینی را مسلّح کرده و از آن هـا در راسـتای هـدف هـای خـود بهره می گرفتنـد. پـاپ همه روحانیان را رهبری می کرد و به آن ها دسـتور می داد. زمام داران دولت های اروپایی نیز به ناچار از پاپ پیروی می کردند و می کوشـیدند همواره او را از خود راضـی نگه دارنـد. نه تنهـا پـاپ املاـکی در ایتالیـا داشت، بلکه دیگر اربابـان کلیسا ماننـد: آرشوک هـا، اوک هـا و رییسـان دیرها نیز املاکی را در قبضه گرفته بودنـد. آنان به انجام تکلیف فئودالی به ویژه شـرکت در جنـگ هـا به سود کسـی که تیول به آن هـا داده بود، مجبور می شدنـد. مقام های بلنـدپایه روحانی ویژه اعضای خانـدان های بزرگ بود، در صورتی که کشیشان و راهبان از میان افراد عادی برگزیده می شدند.(۲)

۱- تاریخ جنگ های صـلیبی، رنه گروسه، برگردان: ولی الله شادان، تهران ۱۳۷۷، نشر و پژوهش فروزان روز، صص ۹ _ ۱۳؛ تاریخ جهانی، ش. دولاندلن، برگردان: احمد بهمنش، ج ۱، انتشارات دانشگاه تهران، صص ۳۸۹ _ ۴۰۰.

۲- تاریخ جهانی، دولاندلن، ج ۱، ص ۴۰۰.

فصل دوم: زمینه ها و انگیزه های آغاز جنگ های صلیبی

اشاره

فصل دوم: زمینه ها و انگیزه های آغاز جنگ های صلیبی

علت نام گذاری این جنگ ها به صلیبی، آن بود که این جنگ ها به نام دین مسیح و از سوی دستگاه کلیسای مسیحی سازمان دهی شد که مردم اروپا را به شرکت در این جنگ علیه مسلمانان فرا می خواند. مسیحیان، صلیب را نماد این جنگ ها قرار دادند و این جنگ ها را برای کمک به دین مسیح برپا کردند. جنگ های صلیبی که نزدیک به چهارقرن یعنی از اواخر قرن ــ یازده تا اواخر قرن پانزده میلادی ــ به طول انجامید، زمینه ها و انگیزه هایی داشت که در ادامه به آن ها می پردازیم.

نقش مذهب

نقش مذهب

کارشناسان در این مورد که مذهب در برانگیخته شدن جنگ های صلیبی چه اندازه نقش داشته است، اختلاف نظر دارند. برخی آن را عامل اصلی بروز جنگ های صلیبی دانسته اند و برخی دیگر عوامل اقتصادی ــ سیاسی را عامل اصلی و مذهب را عامل فرعی شمرده اند. به نظر نگارنده، درگیری صلیبیون و مسلمانان نمی توانست اساسا مذهبی باشد؛ زیرا قرن ها بود که کلیسا مردم تهی دست را استثمار می کرد و در آن دوره، دوران سیطره مذهب رو به پایان بود. از این رو، عملکردهای کلیسا دیگر محبوبیتی برای کلیسا باقی نگذاشته بود تا بتواند بانی رویدادهای خطیری درآینده باشد.

شاید کلیسا که خود را روز به روز، منزوی تر از گذشته می یافت، می خواست با بهره گیری از این فرصت پیش آمده، خود را مطرح کند؛ فرصتی که پیش تر نه فراهم بود و نه کلیسا چندان نیازی به آن داشت. کلیسا کوشید با این کار مردم را به سوی خود بکشاند و محبوبیتی برای خود دست و پا کند؛ زیرا بسیاری از آگاهان مسیحی از جنگ های گذشته میان مسلمانان و مسیحیان و شکست های پی در پی مسیحیان و امپراتوران روم مسیحی از مسلمانان، ناخشنود بودند. گفتنی است بیش از همه جنگ ملازگرد که به فرماندهی سلطان آلب ارسلان سلجوقی در ۱۷ اوت ۱۰۷۱ م. رخ داد و در پی آن، دیوژن ــ امپراتور روم ــ به اسارت مسلمانان درآمد، مسیحیان را رنج می داد. آنان در پی فرصتی بودند تا این شکست ها را جبران کنند. از این رو، کلیسا با فراهم شدن این فرصت، مردم را به شرکت در جنگی فرا خواند که آن را جهاد می نامید.

مردم خسته و دل زده از ستم کلیسا، هرگز به جنگیدن در رکاب روحانیان یا زیر پرچم کلیسا علاقه ای نداشتند و آن را آرزو نمی کردند، ولی کلیسا بهانه مناسبی بود تا اروپاییان زیر نقاب آن، خواسته های دنیایی خود را برآورده سازند. پیدایش رنسانس و دگرگونی های اساسی در اروپا، فاصله زیادی با جنگ های صلیبی ندارد. این امر به خوبی گواه این ادعا است که مردم در جنگ با مسلمانان، هدف مذهبی نداشته اند.

به باور یکی از نویسندگان، نخستین هدف جنگ صلیبی، کمک به کلیسای مسیحی شرق بود، نه نجات بیت المقدس. پاپ اربان در سخنرانی معروف ۱۸ نوامبر ۱۰۹۵ م. (۲۰ ذی القعده ۴۸۸ ه .ق)، هرگز واژه

بیت المقدس را در کلرمون به کار نبرد.(۱) بنابراین، حتی اگر ادعای پیشین را بپذیریم، به این نتیجه می رسیم که هدف مسیحیان در آغاز کار، آزادسازی بیت المقدس از دست مسلمانان نبوده است.

به باور نویسنده ای دیگر، در سده های ده و یازده میلادی، جنبش بزرگ احیای مذهب در جهان غرب آغاز شد و در پی آن، کلیسا قدرتمند گردید. بدین ترتیب، رشد علقه های مذهبی در میان مردم، به واکنش خواسته های مذهبی و در نتیجه، به تلاش برای آزادی بیت المقدس انجامید.(۲)

همان گونه که گفته شد، از نزدیکی فاصله زمانی رنسانس و پیدایش پروتستانیزم در اروپا با جنگ های صلیبی، می توان دریافت که غلیان مذهبی در کار نبوده است؛ زیرا عملکردهای غلط کلیسا موجب تنفر بسیاری از مردم از ارباب کلیسا شده بود. از سوی دیگر، به نظر نمی رسد که غلیان مذهبی در اروپا، به انگیزه دخالت مسیحیان در سرزمین های اسلامی، از جمله بیت المقدس ربطی داشته باشد؛ زیرا به گفته همین نویسنده، اروپاییان در کاروان های بزرگی حتی گاه با هفت هزار نفر به زیارت بیت المقدس رهسپار می شدند و با هیچ مزاحمتی از سوی مسلمانان روبه رو نمی شدند.(۳) بنابراین، دلیل مذهبی هرگز نمی تواند علت اصلی یورش مسیحیان به سرزمین های اسلامی باشد.

گفته شده است که یکی از علت های بروز جنگ های صلیبی، حمله

۱- جنگ های صلیبی، هانس ابرهارد مایر، برگردان: عبدالحسین شاهکار، انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۷۱، ص ۱۴.

۲- جهاد مسلمانان در جنگ های صلیبی، فاید حماد محمد عاشور، برگردان: عباس عرب، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳، ص ۱۰۲.

۳- جهاد مسلمانان در جنگ های صلیبی، فاید حماد محمد عاشور، برگردان: عباس عرب، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳، ص ۱۰۲.

ترکان مسلمان به قسطنطنیه _ مرکز مسیحیت ارتدکس _ بود،(۱) ولی با توجه به اختلاف های شدیدی که میان مذهب کاتولیک و ارتدوکس بود، این امر نمی توانست عامل اصلی برانگیخته شدن کلیسای کاتولیک و سپس مسیحیان اروپا علیه مسلمانان باشد. شاید کلیسای کاتولیک غرب از حمله مسلمانان به قسطنطنیه خوشحال هم بود، ولی چون این حمله و سقوط قسطنطنیه می توانست آغاز فتح تمام اروپا باشد، برای کلیسای کاتولیک و مردمان اروپا مطلوب نبود. چنان چه فتح قسطنطنیه از سوی مسلمانان عملی می شد، به گمان کلیسای کاتولیک، دیگر سرزمین های اروپایی هم از دست می رفت. از سوی دیگر، وقتی کلیسای بیزانس از کلیسای غرب تقاضای کمک کرد، کلیسای کاتولیک این را فرصتی مناسب تشخیص داد تا کلیسای شرق و غرب را یکی کند و بر قدرت خود بیافزاید. از این رو، دستور آغاز جنگ علیه مسلمانان را صادر کرد.

همان گونه که گفته شد چنان چه این ادعا تا اندازه ای هم درست باشد، مبیّن نگرانی ارباب کلیسا است، نه مردم. از سوی دیگر، می دانیم که خیلی پیش تر از عصر جنگ های صلیبی، مسلمانان در سال ۹۲ ه . ق، اندلس (اسپانیا) را تا فرانسه به تصرف درآوردند و چندین قرن بر آن جا تسلط داشتند. با این حال، نتوانستند مسیحیت را از اروپا ریشه کن یا مسیحیان را نابود کنند؛ زیرا مسلمانان هیچ گاه قصد نابودی مسیحیت یا مسیحیان را نداشتند. افزون بر آن، مقاومت ملت های اروپایی در برابر مسلمانان، اجازه پیشروی بیش تر را به آنان نداد. بنابراین، مردم اروپا که از پیشینه صلح

۱- جهاد مسلمانان در جنگ های صلیبی، فاید حماد محمد عاشور، برگردان: عباس عرب، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳، ص ۱۰۳.

جویانه مسلمانان آگاه بودند، نگرانی چندانی از جانب مسلمانان نداشتند. به ویژه آن که مسیحیان پی برده بودند که دیگر آن اتحاد و هماهنگی جهان اسلام در قرن نخست هجری ــ یعنی زمان فتح اندلس ــ وجود ندارد. از این رو، وقتی مسلمانان در قرن اول نتوانستند تمام اروپا را فتح کنند، آن گاه که دنیای اسلام از نظر سیاسی و اجتماعی بسیار پراکنده تر شده و بخش هایی از آن دچار تضاد و دشمنی آشکار گشته بود، چگونه می توانست با مسیحیت و مسیحیان اروپا درافتد.

انگیزه های اقتصادی و اجتماعی

انگیزه های اقتصادی و اجتماعی

در آستانه جنگ های صلیبی، به دلیل بیگاری ها و مالیات های سنگینی که اربابان از مردم می گرفتند، مردم خسته و از نظر مالی، ناتوان شده بودند. هم چنین مردم در گرفتاری های اربابان خود در جنگ ها و رقابت ها، با فئودال های همسایه شریک بودند و هنگام گرفتاری های طبیعی و روزانه هیچ پشتیبانی نداشتند. آنان حتی هنگام قحطی، از شدت گرسنگی، به خوردن گوشت هم نوعان خود روی می آوردند.(۱) در نتیجه این دشواری ها و گرفتاری های بسیار، مردم در پی یافتن فرصتی برای رهایی از این سختی ها بودند که جنگ های صلیبی این فرصت را در اختیار آن ها قرار داد.

از سوی دیگر، بر اساس رسم و قانون وراثت در اروپا، تنها فرزند پسر ارشد می توانست وارث تمامی املاک و سرمایه های پدر گردد. در نتیجه، فرزندان دیگر بی چیز و فقیر می شدند و حمله به سرزمین های اسلامی در

۱- علل و آثار جنگ های صلیبی، عبدالله ناصری طاهری، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۶۵.

شرق، می توانست زمین ها و املاک فراوانی را برای این گروه فراهم آورد.

کمبود غله در اروپا و فراوانی نسبی آن در شرق، توجه اروپاییان را به شرق و سواحل مدیترانه جلب کرد و آن ها را برانگیخت تا برای به دست آوردن منابع غله در شرق و رهایی از قحطی، جنگ هایی را با مسلمانان ترتیب دهند. بلکه بتوانند در زندگی خود تحوّلی ایجاد کنند.

شهرهای تجاری اروپا در هنگامه جنگ های صلیبی، نقش تأمین کننده مالی صلیبیّون را بر عهده داشتند. آن ها از این که شکست مسلمانان، تجارت آن ها را رونق خواهد داد و ثروت بیش تری را روانه اروپا خواهد کرد، خوشحال بودند. تاجران اروپایی از این که بتوانند بندرهای دریایی مدیترانه را در اختیار بگیرند و حتی بر بندرهای سواحل شمال آفریقا دست یابند، خشنود بودند.(۱)

با در نظر گرفتن دوران حاکمیت بورژوازی تجاری بر اروپا و هنگامه جنگ های صلیبی در می یابیم که با توجه به این نزدیکی زمانی، عامل اقتصادی و اجتماعی در جنگ های صلیبی نقش اساسی داشته اند. مدت ها بود که مردم از محیط بسته اجتماعی ــ اقتصادی قرون وسطی به تنگ آمده و خواهان گشایشی در آن بودند. بنابراین، هم انگیزه های مادی فئودالیستی و هم انگیزه های مادی بورژوازی نوپای تجاری، می توانست پذیرای این جنگ ها باشد. در واقع، این جنگ ها مقدمه توسعه طلبی اروپای کاپیتالیست در سده های آینده است.

۱- موسوعه التاریخ الاسلامی و الحضاره الاسلامیه، احمد شلبی، چ ۲، ۱۹۷۵ م، مکتبه النهضه المصریه، ج ۵، ص ۴۳۰.

بخش دوم دوره های جنگ های صلیبی

اشاره

بخش دوم دوره های جنگ های صلیبی

زیر فصل ها

فصل اول: مرحله نخست جنگ های صلیبی

اشاره

فصل اول: مرحله نخست جنگ های صلیبی

گفته اند که نخستین مرحله جنگ های صلیبی از ماجرای پطرس ـ راهب مسیحی ـ آغاز شد. هنگامی که او برای زیارت قبر مسیح به بیت المقدس رفته بود، حضرت مسیح را در خواب می بیند که به وی مأموریت می دهد تا مسیحیان اروپا را به باز پس گیری آرامگاه مسیح از دست مشرکان تشویق کند. پطرس راهب نیز در شهرهای اروپای غربی به راه افتاد و مردم را برای حمله به قلمرو مسلمانان، به ویژه بیت المقدس تشویق کرد.

پاپ اربان که تصمیم گرفته بود فرمان جهاد علیه مسلمانان را صادر کند، در ۱۵ آگوست ۱۰۹۵ م. در کلرمون برای ۲۵۰ اسقف و ۱۴ بطریق و ۴۰۰ راهب و هزاران نجیب زاده سخنرانی کرد(۱) و گفت:

ای یاران مسیح! آن سرزمین مقدس که از برکت وجود مخلص (عیسی مسیح) تبرک یافته؛ آن دخمه ای که از آن نجات دهنده ما است؛ آن کوهستانی که عیسی به سبب نجات ما در آن به سر برد و سختی کشید؛ آن مزاری که در آن دفن گردید، اینک در تصرف دشمن است و میراث مشرکان شده است. آن کلیساهای مقدس، آن اماکن فروزانی که جهان را تابناک کرده بودند، اکنون در مغاک تاریکی فرورفته اند و از نظرها ناپدید شده اند. به طوری که در سراسر آن سرزمین پهناور، حتی یک وجب

۱- الحروب الصلیبیه فی المشرق والمغرب، محمد العروسی المطوی، بیروت، دارالمغرب، ۱۹۸۲ م، ص ۴۸.

خاکی که در آن برای خدا عبادت شود، باقی نمانده است. همان بیت المقدسی که مایه افتخار ما بود، اینک به دست مسلمانان افتاده و به غیر از آثار دینی مسلمانان، چیز دیگری در آن نمانده است.

انسیس (انطاکیه) و نیسه (نیقیه) به تصرف مسلمانان درآمده و ترک ها تا نزدیکی هالیطوس، بلکه تا پشت دروازه قسطنطنیه رسیده اند و نزدیک است که تمام کشورهای اروپایی را تسخیر کنند.

آن گاه رو به سوی نمایندگان پادشاهان کرد و گفت:

آیا سزاوار است که با دیدن چنین اوضاعی، باز شور و هیجان دوست داران پاکدل عیسی را فرو نشانیده و آب خاموشی بر احساسات آتشین آنان بریزید؟

سپس خطاب به مردم فرانسه گفت:

ای دلاوران فرانسه! ای بندگان گرامی خدا! چشم امید کلیساهای مسیح تنها به سوی شما است. من تقوا و میزان دین مداری شما را خوب سنجیده ام. به همین جهت، نشیب و فراز کوه آلب را پیموده و به نزد شما رو آورده ام تا سخنان خدا را تنها به شما ابلاغ کنم.

پس از آن به شرح دلاوری های سواران فرانسه پرداخت و درباره آن چنان داد سخن سر داد که شنوندگان تحت تأثیر قرار گرفتند و یک صدا فریاد برآوردند:

خشنودی خدا در همین بود. خشنودی خدا در همین بود.

همین که پاپ شدت هیجان مردم را دید، فریاد زد:

ای دلاوران عزیز! آن شمشیری را که تاکنون بر سینه یکدیگر فرو می بردید و در برابر اهانتی کوچک، با برادران دینی می جنگیدید، اکنون باید به سینه دشمن فرو برید. شما که به خاطر اهانتی ناچیز، به روی عزیزترین دوستان خود شمشیر می کشید، چگونه این همه اهانت ها را که از سوی دشمنان

(مسلمانان) بر آرامگاه مسیح وارد می شود، تاب می آورید. امروز هنگام آن شده است که به جبران آن اهانت ها برخیزید و با دشمنان حق بجنگید و در راه خدا جهاد کنید.

این جهادی که امروز باید رهسپار آن شوید، تنها برای فتح بیت المقدس نیست، بلکه باید تمامی اقلیم پردرآمد آسیا و سرمایه های بی شمار آن را به دست آورید. باید به سوی بیت المقدس بروید و تمام آن سرزمین ها را از دست غاصبان گرفته و خود وارث آن ها شوید. سرزمین های بیت المقدس و شام، همان گونه که تورات می گوید، سرزمین شیر و انگبین است.

ای دلاوران! با این شمشیری که به جهاد مقدس می روید، خزاین آسمان ها از آن خود خواهید کرد. اگر در این جنگ پیروز شدید، تمام کشورهای مشرق زمین از آن شما می شود و اگر کشته شدید، به شرافتی بس بزرگ رسیده اید؛ یعنی در جایی شهید شده اید که عیسی در آن شربت شهادت نوشیده است.

سرانجام سخنرانی پاپ با این جمله ها به پایان رسید:

از خویشتن بگذر

صلیب برگیر

در پی من بیا.(۱)

با شنیدن این سخنان و فرمان پاپ که فردای آن روز صادر شد، تهی دستان به گشایشی که در انتظار آن بودند، رسیدند. پاپ در فرمان خود به شرکت کنندگان در جنگ علیه مسلمانان، بخشش گناهان گذشته و آینده شان را وعده داد و آن ها را از پرداخت مالیات و صدقه های دینی معاف کرد. هم چنین امنیت و آسایش دارایی ها و خانواده های آنان را بر عهده

۱- جنگ های صلیبی، محمد رشاد، ج ۱ و ۲، نشر اندیشه، ۱۳۷۳، ص ۷۳؛ تاریخ قرون وسطی، پروفسور کاسینسکی، برگردان: صادق انصاری و محمدباقر مؤمنی، نشر اندیشه، ۱۳۵۳، ص ۸۴.

گرفت.

مردمانی که تا این زمان، پیوسته زیر ستم اربابان و فئودال ها بودند، فرصت پیش آمده را نه تنها برای رهایی خود از ستم، بلکه برای به دست آوردن دارایی و شخصیت مغتنم شمردند. افراد آزادی که نتوانسته بودند برای خود پایگاه مالی و اجتماعی بیابند، این سخنان را گشایشی برای خود دانستند. اراذل و اوباش و راهزنان و نظامیان و شوالیه ها از این سخنان استقبال کردند تا در جنگ با مسلمانان، به ثروت و بزرگی برسند.

پیش از آن که این هجوم ها به شکل منظم درآید، گروه های تهی دست و بی تجربه رهسپار جنگ با مسلمانان شدند. سپاه مسیحیان بی چیز، در دسته های نامنظم و گاه بی سلاح به سوی رودخانه دن به راه افتادند. حتی دهقانان موقعیت جغرافیایی اورشلیم را نمی دانستند و هنگامی که به رودخانه دن رسیدند، در آستانه دروازه هر شهری می پرسیدند: «این جا اورشلیم نیست؟» بیش تر آنان به دلیل گرسنگی، خستگی، بیماری و جنگ با گروه های دیگر مسیحی در راه از پای درآمدند. بلغارها و مجارها که از هجوم آن ها بیمناک بودند به صلیبی ها حمله ور شدند و بسیاری از آنان را کشتند.

سرانجام شماری از صلیبی ها به قسطنطنیه رسیدند.(۱) امپراتور قسطنطنیه از آن ها خواست به وفاداری و اطاعت از او سوگند یاد کنند. آن ها تعهد کردند که همه سرزمین های بیزانس را از مسلمانان بازپس گیرند و به دولت بیزانس بسپارند. امپراتور بیزانس نیز متعهد شد که به صلیبی ها در عملی شدن هدف هایشان کمک های شایانی کند و خود نیز در جنگ های صلیبی

۱- تاریخ قرون وسطی، ص ۸۶.

شرکت داشته باشد.(۱)

فتح نیقیه (نیکیا)

فتح نیقیه (نیکیا)

وقتی صلیبی ها در سال ۴۹۰ ه . ق وارد آسیای صغیر شدند، نخست به راحتی کنترل شهر نیقیه را به دست گرفتند؛ زیرا حاکم آن منطقه قلج ارسلان ــ امیر سلجوقی ــ به سبب درگیری با دیگر امیران مسلمان، در شهر حضور نداشت. البته وقتی قلج ارسلان خبر محاصره شهر را شنید، رهسپار آن جا شد، ولی نتوانست کاری از پیش ببرد و به ناچار شهر را به دست دشمن سپرد.(۲)

این پیروزی، صلیبی ها را که به پیروزی در بر ابر مسلمانان امید زیادی نداشتند، بیش از پیش امیدوار کرد. وقتی خبر این پیروزی به اروپا رسید، جنگجویان صلیبی بیش تری به سوی آسیای صغیر و دیگر سرزمین های اسلامی گسیل شدند. شوالیه ها و فئودال ها یکی پس از دیگری به سوی قلمروهای اسلامی رهسپار می شدند و به دلیل انبوهی لشکریان صلیبی، تلاش مسلمانان برای دفع حمله آن ها بی نتیجه ماند؛ زیرا:

۱ ــ کمک های روزافزون و بی شمار نظامی و مالی به صلیبی ها می رسید.

۲ ــ ارامنه مسیحی که در قلمروهای اسلامی پراکنده بودند، به هرشکلی صلیبی ها را یاری می دادند. برای نمونه، آنان اطلاعات نظامی مربوط به توان مسلمانان و جغرافیای منطقه را به صلیبی ها می دادند و حتی کمک های مالی

۱- حضاره العرب، گوستاو لوبون، برگردان به عربی: عادل زعیر، چ ۳، قاهره، داراحیاء الکتب العربیه، ۱۳۶۴، ه .ق ۱۹۴۵ م، ص ۳۱۹.

۲- النجوم الزاهره فی ملوك مصر و قاهره، جمال الدین ابوالمحاسن یوسف بن تغری بردی الاتابکی، وزاره الثقافه و الارشاد القومی، قاهره، ج ۵، ص ۱۴۶.

فراوانی به آن ها می کردند.(۱)

تصرف انطاکیه

تصرف انطاکیه

حاکم انطاکیه، یاقی سیان نام داشت که از سوی آلپ رضوان سلجوقی _ حاکم حلب _ بر آن جا حکم می راند. این شهر یکی از مهم ترین شهرهای قلمرو اسلامی بود. صلیبی ها نخست از محاصره کامل شهر ناامید بودند؛ زیرا شهر بسیار گسترده بود. بنابراین، نخست بخش شمال غربی شهر را به دست گرفتند. به سبب اختلافی که یاقی سیان با فرمانروای خود _ آلپ رضوان؛ سلطان حلب _ داشت، نمی توانست به رسیدن کمک از سوی او امید داشته باشد. اهالی دمشق کوشیدند که به محاصره شدگان کمک رسانند، ولی در جنگ با صلیبی ها شکست خوردند. هم چنین اهالی حلب به یاری اهالی انطاکیه شتافتند، ولی آنان نیز از صلیبی ها شکست خوردند.

پس از مدت ها جنگ، صلیبی های ناتوان، خسته و وازده، به قحطی دچار شدند. فرمانده صلیبی ها برای آن که به سپاه خود روحیه بدهد و روحیه مسلمانان را ضعیف کند، فرمان داد تا برای تغذیه سپاه خود، از گوشت اسیران مسلمان، کباب درست کنند.(۲) گفتنی است کمبود آذوقه با سرمای شدید زمستان همراه شده بود. ترکان مسلمان نیز اطراف انطاکیه را از آذوقه خالی کرده بودند و حتی علوفه ای برای چهارپایان صلیبی ها باقی نمانده بود.

پس از ژانویه ۱۰۹۸ م. (صفر ۴۹۱ ه . ق) کم کم صلیبی ها دست به فرار زدند، ولی فراریان دستگیر و بازگردانده شدند. با این حال، آنان توانستند

۱- الحرکه الصلیبیه، سعید عاشور، چ ۳، ۱۹۷۲، کتاب خانه انگلیسی _ مصری قاهره، ج ۱، صص ۱۶۱ _ ۱۶۳.

۲- تاریخ جنگ های صلیبی، صص ۳۰ _ ۳۳.

محاصره را تکمیل کنند. کیتوبوغا موصلی (فوت: ۴۹۵ ه .ق؛ ۱۱۰۲ م.) با سپاهیان انبوهی برای رهایی انطاکیه حرکت کرد. از این رو، صلیبی ها کوشیدند پیش از رسیدن او به انطاکیه، شهر را فتح کنند. بوهمون ــ فرمانده صلیبی ها ــ کوشید تا از راه ارتباط با برخی بزرگان داخل شهر به هدف خود برسد.(۱)

بی خردی حاکمان شهر و وحشت مردم از صلیبی ها سبب شد او به هدف خود برسد. یاقی سیان ــ حاکم شهر ــ نتوانسته بود شهر را استحکام بخشد و انبارهای آذوقه را پر کند. مردم شهر هم از شنیدن وحشی گری های صلیبی ها، وحشت زده شده بودند. گروهی از اهالی شهر که از ستم و بدرفتاری فرمانروای شهر خسته بودند، به طور پنهانی توطئه کردند و در تسلیم کردن شهر به صلیبی ها هم داستان شدند. آنان به صلیبی ها خبر دادند که در کنار شهر برجی قرار دارد که می توانند با استفاده از آن به شهر حمله کنند. در نتیجه، صلیبی ها شهر را در دست گرفتند.(۲)

شخصی از اهالی انطاکیه به نام فیروز که ارمنی تازه مسلمانی بود و از ترکان مسلمان توهین دیده بود، تصمیم گرفت صلیبی ها را به داخل شهر راه دهد. بوهمون به طور پنهانی با فیروز نقشه کشیدند و برای جلب توجه محاصره شدگان، مانوری نمایشی ــ نظامی در کنار رودخانه اجرا شد. سپس شب هنگام افراد سپاه از راه برج مهم شهر بالا رفتند و دیگر برج ها را گرفتند. بامدادان، شهر پس از نه ماه محاصره، به تصرف کامل صلیبی ها

۱- جنگ های صلیبی، ص ۶۶.

۲- النجوم الزاهره، ص ۱۴۶؛ تاریخ جنگ های صلیبی، احمد بن علی الحریری، برگردان: عبدالله، طاهری، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹، ص ۶۵.

درآمد.(۱)

صلیبی ها وارد شـهر شدند و تنها ارامنه تازه مسلمان از مرگ در امان ماندند؛ چون آن ها صلیبی ها را به داخل شهر راه داده و از آن ها اسـتقبال کرده بودند. مدافعان قلعه و حصار هم زمان با سقوط شهر، فرار کردند و دیگران به کهن دژ (ارک) رفتند و در آن جا به مقاومت خود ادامه دادند. حاکم شهر در حال فرار کشته شد و بخشی از شهر به آتش کشیده شد. آن هایی را که زنده مانده بودند، به بالای حصارها و برج های شـهر راندند تا از شـهر در برابر سپاهیان مسلمان که شهر در محاصره آنان بود، دفاع کنند.

قوام الدین کیتوبوغا از غلامان ترکمان که در دسـتگاه سلجوقیان رشد یافته و به امارت موصل رسیده بود، قصد داشت انطاکیه را نجات دهد، ولی وقتی به شهر رسید که شهر به دست صلیبی ها افتاده بود. وی شهر را محاصره کرد. شهر که کاملاً از آذوقه تهی شده بود، به قحطی دچار شد. بوهمون بارها کوشـید تا مسلمانان را شکست دهد، ولی نتوانست. سرانجام تصمیم گرفت با کیتوبوغا مذاکره کند. کیتوبوغا که غرق در باده غرور بود، پیشنهاد بوهمون را نپذیرفت.

اختلافات داخلی صـلیبی ها به سود مسلمانان تمام می شد که ناگاه کشیشی به مردم گفت حضرت مسیح در خواب بر او ظاهر شده و نشانی نیزه ای را که بر بدن او فرو رفته، داده و گفته است: چنان چه این نیزه را همراه داشـته باشـند و به مسلمانان حمله برند، پیروز خواهند شد. این خبر برای صلیبی های ناامید، نویدبخش بود. از این رو، آنان نقطه ای را که مسیح

۱- تاریخ جنگ های صلیبی، ص ۳۶.

وعده داده بود، کندند و با کشف نیزه، روحیه صلیبی ها تقویت شد. آنان از دروازه شهر، به سپاه مسلمانان حمله ور شدند. به واسطه بی تدبیری با گذشتن فرمانده سپاه مسلمانان که شهر را در محاصره داشتند. آن گاه مدافعان پیروز شدند و به تعقیب مسلمانان پرداختند و قتل عام گسترده ای را به راه انداختند.(۱)

پس از این پیروزی، صلیبی ها به سوی معره ــ از شهرهای سوریه ــ پیشروی کردند و آن جا را به اشغال خود درآوردند. صلیبی ها با سنگ دلی و بی رحمی تمام، صدهزار نفر از اهالی آن شهر را از دم تیغ گذراندند.(۲)

هرگاه شهری به تصرف در می آمد، فرماندهان صلیبی با یکدیگر برای دراختیار گرفتن آن درگیر می شدند. همه این ها به خوبی گواه آن است که صلیبی ها و به ویژه فرماندهان شان که از طبقه نجیبان بودند، برای خشنودی مسیح نمی جنگیدند، بلکه برای سود دنیایی خود می کوشیدند. هرچه صاحب منصبان دینی کوشیدند تا از درگیری های آنان جلوگیری کنند، نتوانستند. حتی نجیبان مسیحی به سوگندی که با امپراتور بیزانس داشتند، وفا نکردند. آن ها متعهد شده بودند که در مقابل کمک های امپراتور، هرگاه شهری از مسلمانان را که پیشتر از آنِ بیزانس بود، تصرف کردند، به امپراتور تحویل دهند، ولی برخلاف عهد خویش، انطاکیه و معره را به بیزانس ندادند و اختیار این دو شهر را خود در اختیار گرفتند.

۱- جنگ های صلیبی، صص ۱۱۲ ــ ۱۱۴؛ تاریخ جنگ های صلیبی، رنه گروسه، صص ۳۷ و ۳۸؛ تاریخ جنگ های صلیبی، (حریری)، ص ۶۷.

۲- تاریخ جنگ های صلیبی، حریری، ص ۶۶؛ الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، دار صادرللطباعه و النشر، بیروت، ۱۹۶۶ م، ج ۱۰، ص ۲۷۸.

ابوالمحاسن، نویسنده النجوم الزاهره بر این باور است که این امر یک تبانی میان روحانیان مسیحی و نجیبان بود که فرماندهی را در اختیار داشتند.(۱)

پیشروی صلیبی ها به طرف بیت المقدس

پیشروی صلیبی ها به طرف بیت المقدس

در نتیجه اختلاف های داخلی مسلمانان و پشتیبانی نکردن از یکدیگر، بسیاری از امیران شهرهای اسلامی که در مسیر پیشروی صلیبی ها قرار داشتند، مجبور شدند قراردادهایی با صلیبی ها ببندند که بر اساس آن می بایست به جنگ جویان صلیبی کمک می کردند.

صلیبی ها پس از پانزده ماه از معره به سوی بیت المقدس حرکت کردند. در این زمان، امیران عرب تبار شهرهای کوچک که در مسیر پیشروی صلیبی ها در سواحل مدیترانه بودند، به تنهایی، توان ایستادگی در برابر صلیبی ها را نداشتند. آن ها در شهرهایی مانند حمص، طرابلس و شیزر با صلیبی ها کنار آمدند. برای مثال، حاکم شیزر متعهد شد که با صلیبی ها درگیر نشود، غذا و راهنما برای صلیبی ها فراهم کند و دیگر نیازمندی هایشان را برآورده سازد.(۲)

شاید یکی از علت های همکاری خاندان های عرب با صلیبی ها، رقابت دیرین آن ها با ترکان سلجوقی بود، ولی ناتوانی نظامی آن ها در مقابل صلیبی ها را نیز نباید نادیده گرفت. نکته دیگر این که این خاندان ها که خاستگاه بومی و عربی داشتند، در رقابت شدید با یکدیگر به سر می بردند

۱- النجوم الزاهره، ج ۵، ص ۱۴۸.

۲- الحرکه الصلیبیه، ج ۱، صص ۲۲۰ _ ۲۲۱.

و همکـاری نظـامی آن هـا دور از انتظـار بود. به هر حال، در نداشـتن شـناخت کافی آن ها از اوضاع و شـرایط جنگ و روحیه صلیـبی هـا تردیـدی نیست؛ زیرا چنـان چه از انـدک شـناختی در این زمینه برخـوردار بودنـد، پیش بینی این که از لحـاظ سود شخصـی نیز منافع آن ها دیر یا زود مورد تهدید صلیبی ها قرار خواهد گرفت، کار مشکلی نبود. حال آن که اگر اندکی هم به آینـده جهان ا سـلام می اندیشـیدند و دغدغه آن را داشـتند، هرگز با صـلیبی ها کنار نمی آمدند و منافع دیگر مسـلمانان را به خطر نمی انداختند.

صلیبی ها در مسیر خود با حاکم مصیاف قرارداد بستند (۴۹۲ ه . ق ــ ۱۰۹۹ م.) و همان سال دژ اکراد را به زور گشودنـد و با فرسـتادگان حاکم حمص صلح کردند. هم چنین با حاکم طرابلس به شرط پرداخت پول به صلیبی ها و فرمان برداری از آن ها کنار آمدند. سـپس شـهر عرقه را تصـرف کردند، ولی پس از چهار ماه تلاش بی نتیجه، ناگزیر آن را رها کردند. آن گاه بندر طرطوس را گرفتنـد و به شـهر جبله حمله ور شدند، ولی قاضـی جبله با آن ها کنار آمد و پرداخت پول، اسب و جزیه را به آن ها پذیرفت. آن ها در همین سال، شـهرهای بیروت، صور و صـیدا و عکا را گرفتند. صـلیبی ها پس از اشـغال رمله رهسپار بیت المقدس شدند. گروهی از آنان بیت اللحم را گرفتند و مسیحیان آن جا با دیدن صلیبی های فرنگی از آنان استقبال کردند.(۱)

صلیبی ها در سال ۴۹۲ ه . ق (۱۰۹۹ م.) بیت المقدس را محاصـره کردند. مسـلمانان چاه های آب اطراف شهر را پر یا مسموم کرده بودند. محاصـره نزدیک به یک ماه طول کشـید، ولی سرانجام صلیبی ها به کمک برج های بلند چوبی که ساخته بودند، وارد شهر شدند. آنان با ورود به شهر، دیوانه وار به

۱- الحرکه الصلیبیه، ج ۱، صص ۳۴۴ ــ ۳۷۸.

هرگـونه جنـایتی دست زدنـد. هر مرد و زن و کودکی را که یافتنـد، کشـتند. بسـیاری از یهودیـان شـهر را که به کنیسه بزرگ پناهنـده شـده بودند، قتل عام کردند. آنان کنیسه را آتش زده و بر سـر پناهندگان فرو ریختند و آن هایی را که برای رهایی از شعله های آتش، بیرون می گریختنـد، با شمشـیر کشـتند. آنان هم چنین مسـلمانانی را که به مسـجد قبه الصـخره پناهنـده شـده بودنـد، قتل عام کردند. گفته اند این قتل عام و جنایت تنها در شب فتح شـهر روی داد و روز هنگام جسدهای دوازده هزار تن در کوچه هـا و پرسـتش گـاه هـا بر زمین افتـاده بود. در روزهای بعـد، شـمار کشـتگان به هفتاد هزار تن رسـید. در این کشـتار وحشیانه، عالمان، عابدان و زاهدان بسیاری کشته شدند.

صلیبی ها زنان بسـیاری از مسلمانان را به اسیری گرفتند و هر کاری که توانستند کردند. کودکان را مثله کرده و گوشت کباب کرده آن ها را خوردند. نوشـته اند آنان شـکم مرده ها را پاره می کردند به امید آن که شاید در شکمشان چیزی قیمتی بیابند. پیران و بیماران و ناتوانان را می کشـتند و زنان و دختران و کودکان و جوانان را اسـیر کرده، به عنوان برده برای فروش به بازار شهرهای دیگر می فرسـتادند. آنان بسـیاری از مسـلمانان را زنده زنده در آتش سوزاندند و تنها در مسـجد عمر، ده هزار نفر از مسلمانان را قتل عام کردند.(۱)

با مطالعه این همه جنایت، این پرسـش به ذهن می آید که چه چیزی سـبب شد مسـلمانان به اندازه ای گرفتار رخوت و سـستی شونـد که نتواننـد از مال و جان و ناموس خود دفاع کنند. حتی با در نظر نگرفتن قوانین شـرع مقدس اسـلام مانند جهاد نیز این همه سستی و اهمال، پذیرفتنی نیست؛

۱- حضاره العرب، صص ۳۲۴ _ ۳۲۷؛ الکامل، ج ۱۰، صص ۲۸۳ _ ۲۸۴؛ تاریخ مختصر الدول، ابن العبری، بیروت، ۱۹۵۸ م، ص ۱۹۷.

چون آزادگی و شرافت انسانی با چنین اموری موافق نیست. شاید مسلمانان در آن دوره طولانی برخورداری از آرامش نسبی، تمامی شایستگی های جنگی خود را از دست داده بودند. شاید آنان برای دفاع، انگیزه کافی نداشتند و مرعوب وحشی گری های صلیبی ها شده بودند. شاید هم گرفتار اندیشه تاریخی جبرگرایی و تقدیرگرایی شده و تلاش خود را برای دفاع، بیهوده می پنداشتند. به همین دلیل، باید درباره این مسأله بررسی های جدّی صورت پذیرد.

در این جنگ ها، رهبران دینی و فرمانروایان دنیایی مسلمانان مقصرند؛ زیرا در گذشته سهم فرمانروایان در پیشرفت یا پسرفت کشورها بسیار بوده است. فراموشی مسؤولیت ها، ناتوانی نظامی و گرفتاری روزافزون آن ها در رقابت های نژادی و خانوادگی، آلودگی شدید به فساد اخلاقی، خوش گذرانی، ستم های بی اندازه بر مردم در بیگاری کشیدن و گرفتن مالیات های سنگین، از عوامل فروپاشی قدرت آنان بوده است.

صلیبی ها پس از فتح بیت المقدس، قصد تصرف دیگر بخش های فلسطین را داشتند که ترس از لشکرکشی فاطمیان مصر تا اندازه ای توسعه طلبی آن ها را محدود کرد. تا این که پس از چندی، در نبرد عسقلان، صلیبی ها توانستند فاطمیان را شکست سختی بدهند و به این ترتیب، راه کشورگشایی خود را هموار کنند. داستان این شکست بدین قرار بود که پس از تصرف بیت المقدس به دست صلیبی ها، گروهی از فاطمیان در میانه راه یافا و رمله به دست صلیبی ها اسیر شدند و فاش کردند که سپاه بزرگ مصر به فرماندهی افضل در راه عسقلان است. تنکرد یکی از فاتحان صلیبی از گودفری در بیت المقدس کمک خواست و در جنگی که میان فاطمیان و

صلیبی ها در ۴۹۲ ه . ق درگرفت، افضل شکست خورد و عسقلان فرمان بردار صلیبی ها شد. با این حال، ده هزار نفر از اهالی عسقلان قتل عام شدند.(۱)

به این ترتیب، آخرین مناطق فاطمی در شامات از دست شان خارج شد و به دست صلیبی ها افتاد. تنها وزیر فاطمی که لطمه هایی کوچک، ولی پیاپی بر صلیبی ها وارد می آورد، طلائع بن رزیک بود که او نیز سرانجام به این نتیجه رسید که مصر بدون کمک مسلمانان دیگر مناطق نمی تواند با صلیبی ها بجنگد. از این رو، از نورالدین زنگی کمک خواست، ولی این فرمانروای سنی اتابکی به علت تعصب دینی اش، اتحاد با فرمانروای شیعی (فاطمی) را به مصلحت ندانست. نتیجه این شد که دیگر فاطمیان با صلیبی ها در نیفتادند و کوشیدند وضع موجود را حفظ کنند.

واکنش دیگر حاکمان مسلمان در برابر صلیبی ها

واکنش دیگر حاکمان مسلمان در برابر صلیبی ها

صلیبی ها پس از فتح بیت المقدس کوشیدند تا مسأله فلسطین، سوریه و حتی عراق کنونی را فتح یا ناامن کنند. این سبب شد که دیگر حاکمان مسلمان که اندکی روحیه شجاعت در آن ها باقی مانده بود، ایستادگی کنند. عمادالدین زنگی _ حاکم موصل _ توانست حلب را از محاصره صلیبی ها رها سازد و در سال ۵۲۴ ه . ق قلعه اتارب را فتح کند.

قلعه اتارب در مسیر حلب _ موصل قرار داشت و صلیبی ها از آن جا

۱- التعامل الحنفا باخبار الائمه الفاطمیین الخلفاء، محمد حلمی محمد احمد، قاهره المجلس الاعلی للشؤون الاسلامیه، ۱۳۷۸ _ ۱۳۹۳، ج ۳، ص ۲۰۹؛ ذیل تاریخ دمشق، ابن قلانسی، سهیل زکّار، دمشق، دارحسّان، ۱۹۸۳م، ص ۴۹۷.

کاروان های تاجران مسلمان را غارت می کردند. عمادالدین زنگی با سپاهیانش به سوی آن قلعه حرکت کرد. وقتی صلیبی ها از این لشکرکشی باخبر شدند، از صلیبی های دیگر شهرها مانند حاکم اروفه کمک خواستند. سپاه صلیبی ها نیز به شمار چندین برابر سپاه مسلمانان به منطقه رسید. با این حال، عمادالدین به شدّت جنگید و توانست صلیبی ها را شکست دهد و قلعه را بازپس بگیرد. وی از آن جا به قصد قلعه حارم ـ در نزدیکی انطاکیه ـ رفت، ولی صلیبی ها با او کنار آمده و صلح کردند.

در سال ۵۳۰ ه . ق یکی از سرداران اتابک عمادالدین با مهارتی تمام و استتار کامل، شبیخون پیش بینی نشده ای را به شهر لاذقیه ـ از بندرهای لبنان که در دست صلیبی ها بود ـ سازمان دهی کرد و پس از کشتار بسیار و گرفتن هفت هزار نفر اسیر و شمار زیادی غنیمت، به حلب بازگشت.

سپس اتابک، قلعه بعرزین را پس از چندین حمله به تصرف خود درآورد. امپراتور قسطنطنیه با سپاهی برای رهایی قلعه، لشکرکشی کرد و شیزر(۱) را به محاصره درآورد، ولی اتابک او را درمانده و وادار به عقب نشینی ساخت. اتابک قلعه عرقه را نیز از چنگ صلیبی ها خارج و بعدها قلعه الرها (اُدِسا) و سپس اروفه را پاک سازی کرد. از این رو، در سال ۵۴۰ ه . ق، بخش گسترده ای از سرزمین اشغالی از سوی صلیبی ها را به دامان مسلمانان بازگرداند. وقتی اتابک شب هنگام به دست مخالفان داخلی به قتل رسید، نورالدین زنگی حرکت های پدر را پی گرفت.(۲)

۱- Shizar.

۲- الحرکه الصلیبیه، ج ۲، صص ۵۶۵ ـ ۶۱۵؛ الحروب الصلیبیه والاسره الزنکیه، شاکر احمد ابوبدر، الجامعه اللبنانیه، ۱۹۷۲؛ الکامل، ج ۱۰، صص ۶۴۷ ـ ۶۷۵، ج ۱۱، صص ۵ ـ ۶۲ و ۱۱۰؛ الروضتین فی اخبار الدولتین، شهاب الدین ابی محمد ابوشامه، محمد حلمی محمد احمد، قاهره، کمیته تألیف و ترجمه و نشر، ج ۱؛ مفرج الکروب فی اخبار بنی ایوب، جمال الدین محمد (ابن واصل)، جمال الدین الشیال، مطبوعات اداره احیاء التراث القدیم، قاهره ۱۹۵۷ م، ج ۱، صص ۳۶ ـ ۱۰۲.

ترکان سلجوقی که از همان آغاز، هدف هجوم صلیبی ها قرار داشتند، پیشاپیش جبهه مقاومت قرار گرفتند. نخستین واکنش رسمی سلجوقیان هنگامی بود که حرّان به محاصره صلیبی ها درآمد. در آن جنگ، معین الدین لقمان و شمس الدین جگرمش که با هم دشمنی داشتند، متحد شدند و صلیبی ها را شکست دادند و از صلیبی ها نزدیک به دوازده هزار کشته شد.(۱)

مودود، اتابک موصل و طغتکین، حاکم دمشق نیز در برابر صلیبی ها مقاومت ها کردند، ولی نخست به دلیل بی اعتمادی به یکدیگر نتوانستند با صلیبی ها بجنگند. البته آنان در ادامه کار، با هم متحد شدند و توانستند صلیبی ها را در ناحیه طبریه به سختی شکست دهند و اسیران و غنیمت های فراوانی از آن ها بگیرند.(۲) این اتحاد پیروزی های بزرگی برای مسلمانان به بار آورد، ولی بار دیگر توطئه کارگر شد و مودود غازی به دست یکی از فداییان اسماعیلی کشته شد.(۳)

البته روند مبارزه با صلیبی ها، در خاندان سلجوقی تا زمان اتابک زنگی چندان چشم گیر نبود.

۱- الکامل، ج ۱۰، صص ۳۷۴ _ ۳۷۵.

۲- الکامل، ج ۱۰، صص ۴۸۷ _ ۴۸۸، مرآه الزمان، سبط بن الجودی، چ هند، ۱۳۵۱ ه .ق، صص ۵۴۶ _ ۵۴۷؛ الحرکه الصلیبه، چ ۱، صص ۴۶۵ _ ۴۵۶.

۳- الکامل، ص ۴۹۶.

فصل دوم: دومین مرحله جنگ های صلیبی

اشاره

فصل دوم: دومین مرحله جنگ های صلیبی

زیر فصل ها

علت آغاز جنگ های دوم صلیبی

آغاز جنگ های دوم صلیبی

سرانجام مرحله دوم جنگ های صلیبی

علت آغاز جنگ های دوم صلیبی

علت آغاز جنگ های دوم صلیبی

گفتیم که اتابک زنگی ــ امیر قدرتمند موصل ــ توانست بسیاری از قلعه های مسلمانان را از دست صلیبی ها خارج کند و حتی الرها (ادسا) را آزاد سازد. پس از آن که وی به دست توطئه گران داخلی کشته شد، قلمرو حکومتش میان دو فرزند پسرش تقسیم شد؛ موصل به الغازی رسید و حلب از آن نورالدین گردید.

در این زمان، الرها که به دست اتابک زنگی تصرف شده بود، به محاصره ژوسلن دوم درآمد. پس از این دگرگونی های سیاسی در حکومت زنگی، ارامنه شهر الرّها (ادسا) توطئه کردند و دروازه های شهر را به روی سپاهیان ژوسلن گشودند. در نتیجه، شهر به تصرف سپاهیان صلیبی درآمد. سپاهیان اندک ترک به دژ شهر پناه برده و مقاومت کردند. نورالدین با سپاهی از حلب برای بازپس گیری الرها حرکت کرد. شهر به محاصره درآمد و محاصره شدگان صلیبی از دو سو هدف تیرها قرار گرفتند. از یک سو، ترکان درون و از سوی دیگر، سپاه بزرگ نورالدین که بیرون قلعه شهر، آن ها را محاصره کرده بودند. سرانجام ژوسلن و سپاهیانش محاصره را شکستند و فرار کردند، ولی با تعقیب ترکان به خسارت های سنگینی دچار

شدند.

ساکنـان ارمنی که در این توطئه دست داشـتند، قتـل عـام شدنـد و بـاقی مانـدگان به عنوان برده در بـازار حلب فروخته شدنـد. نورالدین به سوی انطاکیه پیشـروی کرد و قلعه ها و سـرزمین های تصـرف شده را یکی پس از دیگری، بازپس گرفت. سقوط الرّها سبب شد که در اروپا، مجالس خطابه برای برانگیختن مسیحیان به جنگ گسترش یابد.

فرمانـدهان صـلیبی که از این پیشـروی ها بیمناک شده بودند، در بیت المقدس گردهم آمده و برای یافتن راه چاره به مشورت پرداختنـد. آن ها هیأتی را برگزیـده و به اروپا فرسـتادند تا از پاپ و حاکمان اروپا کمک بخواهنـد. این هیأت ارمنی به حضور پاپ اورنیوس سوم (۵۴۸ _ ۵۴۰ ه.ق) که به تـازگی جای پاپ درویتربو را گرفته بود، رسـیدند. آن ها به پاپ گفتنـد که اگر کمک کافی از اروپا نرسد، به زودی حتی بیت المقدس نیز به دست مسلمانان خواهد افتاد. پاپ نامه ای به سن برنارد _ رییس دیر کلرو _ نوشت و از او خواست تا پادشاهان اروپایی را به شرکت در این جهاد برانگیزد.

سن برنـارد پس از دریافت نامه پاپ اوژان سوم بی درنگ به دیـدار پادشاه فرانسه رفت و او را به جهاد تشویق کرد. سن برنارد که در فرانسه به سـر می برد و رییس فرقه رهبانان سیسترسـی نیز بود، شخصـیتی برجسته، محترم و مقدس برای مردم مسیحی به شمار می آمـد. وی بسـیار پرشور و متعصب بود، به گونه ای که بارها می گفت احساسات خود را بر قضاوتش مقدم می دارد. او تصمیم گرفته بود که جنگ صلیبی دوم را به راه اندازد و هرکار ممکنی را در این راه انجام می داد.

برنارد، اجتماعی بزرگ در فرانسه مرکزی ترتیب داد که در آن

شخصیت های بزرگ مذهبی، نظامی و سیاسی فرانسه و حتی خود لویی هفتم _ پادشاه فرانسه _ گردهم آمده بودند. در آن انجمن، نامه پاپ خوانده و از آن ها خواسته شد که به فرمان پاپ عمل کنند.

پاپ منشورهایی به تمام نقاط اروپا فرستاد که بر اساس آن ها شرکت کنندگان در جنگ های دوم صلیبی از پرداخت هرگونه عوارض معاف می شدند و خانواده و دارایی های آن ها از حمایت کلیسا برخوردار می گشت. پاپ به مردم وعده داده بود که چنان چه در مرحله ای از جهاد شرکت کنند، تمامی گناهان گذشته و حال و آینده آن ها بخشوده خواهد شد.

پادشاه فرانسه که پیش از فرمان پاپ قصد داشت سفری زیارتی به اورشلیم انجام دهد با نامه پاپ در تصمیم خود جدی تر شد. برنارد نمایندگانی به مناطق مختلف فرستاد و از آن ها خواست تا همه مردم را برای شرکت در مرحله دوم جنگ صلیبی تشویق کنند و فرمان بخشودگی پاپ را برای آنان بخوانند. او نامه ای به مردم انگلیس نوشت و آن ها را به جنگ تشویق کرد.(۱)

برنارد در این نامه نوشت:

اکنون به سبب گناهانمان، دشمنان توهین کننده به صلیب، دست به کار شده اند تا حضور خود را نشان دهند. شمشیرهای آنان انتقام ویرانگری از سرزمین موعود می گیرد. شما مردان نیرومند و شجاع چه می کنید؟ شما

۱- الحرکه الصلیبیه، ج ۲، صص ۶۲۱ _ ۶۲۳؛ الحروب الصلیبیه، سالم محمد الحمیده، الجزء الثالث، طباعه و نشر دارالشؤون الثقافیه العامه، الطبعه اول ۱۹۹۳ _ صص ۲۱ _ ۲۲؛ الصلیبیون فی الشرق، میخائیل زابوروف، ترجمه به عربی: الیاس شاهین، دارالتقدم، مسکو، ۱۹۸۶، صص ۱۷۰ _ ۱۷۷؛ تاریخ الحروب الصلیبیه، سهیل زکّار، دارالفکر، الجز الثانیه، صص ۷۵۸ _ ۷۵۹.

خدمت گزاران صلیب چه می کنید؟ آیا آن چه را که مقدس ترین است، پیش سگان خواهید انداخت؟

... عیسی مسیح شما را می آزماید. او از آسمان به فرزندان قوم می نگرد تا ببیند کسی را می یابد که آگاهانه از آن چه در زمین روی داده است، غمگین شده باشد. او به زیان شما نمی کوشد؛ او می خواهد شما را بالا ببرد... خداوند می خواهد با بخشودن گناهان، عمل کسانی را که به خاطر او سلاح برگرفته اند، تلافی کرده و به آن ها افتخار بی پایانی ارزانی دارد.(۱)

برنارد به آلمان رفت و دوک نشین های آلمانی را به جنگ برانگیخت. او توانست کنراد هوهنشتافن ـ امپراتور آلمان ـ را به جنگ صلیبی برانگیزد، به گونه ای که وی خود پیشاپیش سپاهی رهسپار جنگ های صلیبی شد. هم چنین برنارد نامه ای به اسپانیا فرستاد و پادشاهان و بزرگان آن جا را به شرکت در جنگ های صلیبی فرا خواند. فرستاده برنارد توانست پادشاه اسپانیا را نیز به جنگ صلیبی تشویق کند.

شاید یکی از علت هایی که پاپ، سپاهیان پادشاهان اروپا را به لشکرکشی علیه مسلمانان برانگیخت، این بود که با این بهانه، از نیروی آن ها برای سرکوبی مخالفانش بهره بگیرد که او را از رم بیرون کرده بودند و او اکنون در ویتربو می زیست. علت دیگر آغاز مرحله دوم جنگ های صلیبی، رقابت پادشاهان اروپا با یکدیگر و پیش دستی هرکدام در بهره مندی بیش تر از سرمایه های فراوان سرزمین های اسلامی شرق بود. آن هایی هم که در جنگ های مرحله اول صلیبی امکان حضور نداشتند و اکنون در حسرت

۱- جنگ های صلیبی، هانس ابرهارد مایر، صص ۱۱۷ ـ ۱۱۹.

غنیمت های مادی و افتخارات دینی و اجتماعی مانده بودند، برای شرکت در یک لشکرکشی بزرگ به سرزمین های اسلامی آمادگی داشتند.برای کنراد ــ امپراتور آلمان ــ بیش از آن که برای جنگ با مسلمانان اقدام کند، مبارزه با اسلاوهای کافر مهم بود؛ زیرا اسلاوها بیش تر از مسلمانان برای او خطر داشتند و فاصله آلمان با اسلاوها بسیار کم تر از سرزمین مسلمانان بود. وی در کرانه های مدیترانه مصالحی داشت که بیش تر به ایتالیا مربوط می شد. هم چنین او در قبال وعده دریافت تاج امپراتوری از دست پاپ که تمام آرزویش بود، قول داده بود در برابر راجر دوم ــ شاه سیسیل ــ و رومیان مرتد از پاپ پشتیبانی کند. افزون بر این، وی هنوز در آلمان، بر تاج و تخت خود ایمن نبود و با وجود فتح واینزبورگ، دشمنی هواخواهان دودمان ولف را هنوز پیش روی خود داشت. از سوی دیگر، دسیسه گری های برادر خوانده و خواهر خوانده هایش در سرزمین های شرقی حکومتش، همواره فتنه برمی انگیخت.(۱)

بنابراین، پشتیبانی پاپ از او و جنگ های صلیبی می توانست به سودش باشد. از سوی دیگر، به گفته رانسیمان، مردم آلمان در آن سال که برنارد مشغول برانگیختن مردم برای جنگ های صلیبی بود، دچار کمبود محصول بودند. از این رو، اورشلیم را خوان گسترده ای می دانستند که می تواند همه آن ها را بی نیاز کند.(۲) خود پاپ نیز به فرانسه رفت و لویی هفتم را به جنگ

۱- جنگ های صلیبی، استیون رانسیمان، برگردان: منوچهر کاشف، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۲۹۵.

۲- جنگ های صلیبی، استیون رانسیمان، برگردان: منوچهر کاشف، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۲۹۶.

صلیبی فرا خواند.(۱)

آغاز جنگ های دوم صلیبی

آغاز جنگ های دوم صلیبی

ارتش آلمـان به قصـد جنـگ های صـلیبی به سوی مجارسـتان و بالکان حرکت کرد. در قلمرو بیزانس، لشـکر پیاده آلمانی ها یـک شـعبده بـاز یونـانی را به اتهام جادوگری گرفتنـد و خواسـتند که او را بسوزاننـد. مردم شـهر در پشتیبانی از شـعبده باز، با سپاهیان کنراد جنگیدند. در پی این درگیری، شهر به تاراج رفت و در آتش سوخت. آلمانی ها در ادامه مسیر، پیوسته با اهالی محل درگیری هایی داشتند. حتی در نزدیکی قسطنطنیه، صومعه ای سوزانده شد و راهبان آن به قتل رسیدند.

در این حـال، مانوئـل ــ امپراتور بیزانس ــ تصـمیم گرفت که اجـازه ندهـد آن ها از قسـطنطنیه بگذرنـد. امپراتور آلمان زیربار نرفت و خود را به قسـطنطنیه رسانیـد. کنراد بـا هفتاد هزار نفر نیروی نظامی نخست تصـمیم گرفت علیه امپراتور بیزانس بجنگد که مانع ورود آن ها به قسطنطنیه می شد، ولی سرانجام با هم کنار آمدند و قرار شد که هر آن چه صلیبی ها بخواهند به آن ها بدهند، ولی وارد شهر نشوند.

کنراد از بُسـفر گذشت و وارد آسـیای صـغیر شد. در این هنگام، پادشاه فرانسه نیز به قسطنطنیه رسید. امپراتور بیزانس با پادشاه فرانسه رفتاری دیگر داشت. از او استقبال گرمی کرد و وی را به داخل شهر فراخواند.

مانوئل با قلیچ ارسلان سلجوقی ــ حاکم بخشی از آسیای صغیر ــ قرارداد

۱- جنگ های صلیبی، استیون رانسیمان، برگردان: منوچهر کاشف، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۲۹۸.

صلح ۱۲ ساله امضا کرده بود. از این رو، برای کمک به آلمان ها علاقه ای نداشت؛ زیرا:

۱ ــ صلیبی ها در جنگ های مرحله اول، بر خلاف تعهّد خود، شهرهای آسیای صغیر را که پیش تر از آن امپراتور بیزانس بود، پس از بازپس گرفتن از مسلمانان به بیزانس باز پس نداد.

۲ ــ گفته می شد که فرانسوی ها قصد کمک به دشمن سیسیلی او را دارند. از این رو، اتحاد با قلیچ ارسلان سلجوقی هم مایه اطمینان او از سوی مسلمانان آسیای صغیر بود و هم پشت گرمی خوبی در برابر دشمنان اروپایی بود. بنابراین، مانوئل نمی خواست که متحد مسلمان خود را بی دلیل از دست بدهد.

به سبب این دوستی، مانوئل اطلاعاتی را درباره صلیبی های آلمانی و فرانسوی به ترکان سلجوقی داد و همین سبب گردید که بعدها مسلمانان در برابر آلمانی ها و فرانسوی ها پیروز شود. به هر حال، وجود رقابت میان پادشاهان آلمان و فرانسه سبب شد که آن ها نخست به مسلمانان حمله نکنند. مسلمانان نیز با توجه به شناختی که از قلمرو خود داشتند، از کمین گاه ها بر سر آلمانی ها و فرانسوی ها ریختند و آنان را قتل عام کردند. بدین ترتیب، از سپاه بزرگ آلمانی و فرانسوی اندکی بیش باقی نماندند و آن ها که گریختند از گرسنگی و تشنگی در امان بودند. این گروه به سختی خود را به بیت المقدس رساندند و برای حمله به دمشق آماده شدند.

سرانجام کنراد سوم و لویی هفتم ــ پادشاهان آلمان و فرانسه ــ و نیز بودئن سوم ــ پادشاه صلیبی ــ در سال ۵۴۳ ه .ق، رهسپار دمشق گشتند. دمشق در آن زمان در دست اتسز ــ وزیر و قیّم یکی از نوادگان طغتکین ــ بود. شهر به محاصره سپاهیان صلیبی در آمد. حاکم شهر از سیف الدین ــ

حاکم موصل ــ و نورالدین ــ حاکم حلب ــ یاری خواست. آنان با سپاهیان انبوهی راهی دمشق شدند. صلیبی ها که در خود توان ایستادگی نمی دیدند، محاصره را رها کرده و بازگشتند.(۱)

سرانجام مرحله دوم جنگ های صلیبی

اشاره

سرانجام مرحله دوم جنگ های صلیبی

برخلاف تصور صلیبی ها، محاصره چهار روزه دمشق به سرعت شکسته شد. آنان ابزار و وسیله های لازم را برای ویران کردن قلعه و دژ و باروهای شهر نداشتند. افزون بر این، در میان خود صلیبی ها بر سر انتخاب حاکم آینده شهر پس از تصرف، اختلاف بود. به هر حال، پس از پایان جنگ و عقب نشینی صلیبی ها هرکدام از شاهان به سویی رفتند. کنراد ــ امپراتور آلمان ــ سرخورده و دست خالی به کشورش بازگشت. لویی هفتم نیز مدتی در اطراف اورشلیم و انطاکیه ماند و پس از مدتی به فرانسه بازگشت.

این شکست سنگین، صلیبی ها را نزد مسلمانان رسوا کرد. مسلمانان روحیه گرفتند و فهمیدند که می توانند با اتحاد خود، پادشاهان مسیحی و صلیبی ها را شکست دهند. آنان متوجه شدند که صلیبی ها در درون، اختلاف های اساسی دارند و اگر بتوانند یکپارچه باشند و فکر خود را به کار اندازند، می توانند با شدت بخشیدن به اختلاف های میان آنان، به پیروزی های بزرگی برسند.

این شکست، دشمنی و اختلاف های داخلی صلیبی ها را تشدید کرد. صلیبی های شکست خورده برای توجیه شکست خود کوشیدند گناه

۱- العلاقات السیاسیه بین الامپراتور الرمانیه المقدسه و الشرق الاسلامی، قاهره، مکتبه مدبوگی، ۱۴۰۹ ه.ق، ص ۵۱؛ تاریخ جنگ های صلیبی، حریری، صص ۸۲ ــ ۸۳؛ الکامل، ج ۱۱، صص ۱۳۰ ــ ۱۴۱؛ ذیل تاریخ دمشق، صص ۲۹۸ ــ ۲۹۹.

شکست را به گردن متحدان پیشین خود بیندازند و این به افزایش دشمنی آن ها با یکدیگر انجامید. در پایان جنگ، آلمان ها همان قدر از فرانسوی ها متنفر شدند که پیش تر از بیزانسی ها نفرت داشتند و فرانسوی ها سرسختانه بر این باور شدند که خطر بیزانسی ها برای جهان مسیحیت، بیش تر از مسلمانان است و پیش از آغاز جنگ صلیبی دیگری، نخست باید قسطنطنیه را به دست گیرند.

پیروزی های مسلمانان پس از شکست صلیبی ها

پیروزی های مسلمانان پس از شکست صلیبی ها

پس از شکست صلیبی ها، نورالدین زنگی نیرو و جرأت بیش تری یافت. او کوشید حوزه قدرت و نفوذ خود را از حلب به درون شام ببرد. ژوسلین، سردار و حاکم صلیبی که الرّها (ادسا) را مدتی در اختیار داشت، به لشکرگاه نورالدین رفت و از او امان خواست، ولی گرفتار زندان شد. نورالدین زنگی به انطاکیه حمله ور گشت و لشکر ریموند را در بغراس شکست داد و سپس دژ انب را به محاصره درآورد. در نبردی که در سال ۵۴۴ ه . ق (۱۱۴۹ م) بیرون دژ روی داد، لشکر ریموند کاملاً نابود و خود ریموند نیز به دست یکی از سرداران نورالدین کشته شد. کاسه سر شاهزاده انطاکیه را سیم اندود کردند و امیر نورالدین آن را به پیشگاه خلیفه هدیه کرد.

نورالدین قلعه های ارزغان و تل کشفهان را تصرف کرد و پادگان های حارم و ارتاح را نیز باز پس گرفت. وی اطراف انطاکیه را کاملاً به تصرف درآورد، ولی برای تصرف انطاکیه اقدام فوری نکرد؛ چون انطاکیه شهر بزرگی بود و محاصره آن کار ساده ای نبود. از سوی دیگر، پس از مرگ ریموند آن شهر از لحاظ سیاسی هنوز با ثبات بود؛ زیرا بطریق آیمری ــ نایب السلطنه ــ شهر را به دست گرفته بود تا بوهموند سوم ــ فرزند پنج ساله ریموند ــ بالغ شود.

نورالدین، افامیا را نیز گرفت و قرارداد صلحی با صلیبی های انطاکیه بست که بر اساس آن صلیبی ها متعهد شدند به قلمروهای مسلمانان تجاوز نکنند. از سوی دیگر، عسقلان _ شهری که در دست فاطمیان بود _ به تصرف صلیبی ها درآمد. نورالدین هم با بودن دمشق نتوانست کاری برای آن جا بکند. از این رو، دمشق را گرفت که در دست مجیرالدین بود.(۱)

پس از آن که پادشاه صلیبی بیت المقدس، بودوئن در گذشت، پسرش آموری جای او را گرفت. او مدت ها از اختلاف سیاسی _ اعتقادی میان فاطمیان مصر و نورالدین زنگی برای استحکام قدرت خود سود جست، ولی طمع اشغال مصر، ارتباط سیاسی او را با هر دو قدرت مسلمان تیره کرد؛ زیرا او در اتحادی با امپراتور بیزانس تصمیم گرفت به مصر حمله کند. از این رو، در سال ۵۶۵ ه . ق (۱۱۶۹ م) دمیاط را محاصره کرد.(۲)

در این زمان، صلاح الدین ایوبی مصر را در اختیار داشت. صلاح الدین دژ و محافظان دمیاط را بیش تر کرد و از نورالدین زنگی که صلاح الدین، کارگزار و امیر او بود، کمک خواست. ناوگان دریایی بیزانس کارگر نبود و استحکام قلعه و شهر نیز سبب شد که محاصره به طول انجامد. در نتیجه، قحطی در اردوی بیزانس راه یافت. با رسیدن کمک از سوی شام به وسیله نورالدین زنگی، دیگر برای صلیبی ها امیدی نماند. محاصره پس از پنجاه روز تلاش بی نتیجه، به پایان رسید و صلیبی ها شکست خورده، برگشتند.(۳)

۱- الکامل، ج ۱۱، صص ۱۳۸ _ ۱۵۰ و ۱۵۴ _ ۱۶۲ و ۱۹۷ _ ۱۹۸ و ۲۲۷ _ ۲۲۸.

۲- الکامل، ج ۹، ص ۳۴۶.

۳- الکامل، ج ۹، صص ۳۵۱ _ ۳۶۵.

ظهور صلاح الدین ایوبی و اخراج صلیبی ها از قلمرو مسلمانان

ظهور صلاح الدین ایوبی و اخراج صلیبی ها از قلمرو مسلمانان

صلاح الدین ایوبی که کرد نژاد بود، به راهنمایی عمویش، به خدمت نورالدین زنگی درآمده بود. عموی صلاح الدین، اسدالدین شیرکوه از سرداران نورالدین در حلب بود. نورالدین، مناطق حمص و رحبه را به کمک شیرکوه به دست آورد. شیرکوه برادری به نام نجم الدین داشت که از سوی نورالدین در دمشق حکومت می کرد.

شیرکوه از سوی نورالدین مأمور تصرف مصر گردید. وی سه بار به مصر لشکر کشید و در این لشکرکشی ها برادرزاده اش ــ صلاح الدین ــ را نیز با خود برد. پس از آن که سرانجام فاطمیان پذیرفتند که به جای نزدیکی با صلیبی های بیت المقدس، به نورالدین نزدیک شوند، شیرکوه توانست در مصر قدرت برتر به شمار آید. وی صلاح الدین را به وزارت دولت فاطمی رسانید.(۱)

صلاح الدین پس از مرگ عمویش، سرانجام در ۵۶۴ ه .ق (۱۱۶۹ م.) به خواست خلیفه فاطمی ــ العاضد ــ به جای عمویش به وزارت نشست. صلاح الدین کوشید پایه های حکومتش را پیوسته استوار دارد و دشمنانش را از میان ببرد.(۲)

در این هنگام، صلیبی ها و بیزانس ها دمیاط را محاصره کردند، ولی کوشش های نظامی و توانایی صلاح الدین، صلیبی ها را وادار به عقب نشینی

۱- سناالبرق الشامی، قوام الدین الفتح بن علی البنداری، پژوهشگر: رمضان ششن، دارالکتاب الجدید، بیروت، ۱۹۷۱ م، ص ۸۰.

۲- تاریخ الدول و الملوک، ناصرالدین محمد بن عبدالرحیم، پژوهشگر: قسطنطین زریق، الجامعه الامیرکیه فی بیروت، ۱۹۴۲ م، ج ۱، صص ۵۷ ــ ۶۵.

کرد و این سبب شد که صلاح الدین بیش از پیش مشهور شود.

صلاح الـدین در ۵۶۷ ه . ق (۱۱۷۱ م) علیه خلیفه فـاطمیه _ اسـماعیلی کودتـا کرد و او را برکنـار سـاخت و خود پرچم سـیاه عباسـیان را در مصـر برافراشت. صلاح الدین دستور داد دیگر به نام فاطمیان خطبه خوانده نشود. این گونه عملکردهای صلاح الدین بدان سبب بود که:

۱ _ او خود یک سنی تعصبی بود؛

۲ _ وی می کوشـید با یکپارچه کردن قلمرو اسـلامی از چند دسـتگی ها جلوگیری کند تا جهان اسـلام بتواند بهتر و مؤثرتر با صلیبی های سوریه بجنگد. البته نباید حس قدرت طلبی و توسعه جویی صلاح الدین را نیز نادیده گرفت.

به هر حال، آخرین خلیفه فاطمی پس از برکناری چنـدان عمر نکرد و هوادارانش نیز همه گرفتار شدنـد.(۱) البته صلاح الدین پس از قدرت یابی، بی درنگ مبارزه با صلیبی ها را آغاز نکرد؛ زیرا پیش از آن که در برابر صلیبی ها رسالت دینی حسّ کند و از آن ها بیمناک باشـد، برای حفظ قـدرت خود در مصـر، از نورالـدین بیم داشت. از این رو، کوشـید نخست اقتـدار خود را حفظ کند و سـپس آن را به سـمت قلمرو نورالدین گسترش دهد و آن گاه به صلیبی ها بپردازد. او با احتیاط، از فرمان برداری نورالدین سـرباز می زد، ولی از رویارویی مسـتقیم خودداری می کرد؛ زیرا به قدرت نورالدین آشنایی داشت و می دانست که نورالدین می تواند قدرت وی را در مصر از میان ببرد. وقتی نورالدین در ۵۶۹ ه . ق (۱۱۷۴ م) درگذشت، صلاح الدین برای

۱- الکامـل، ج ۹، صـص ۳۶۴ _ ۳۶۵؛ النوادر السـلطانیه و المحاسن الیوسـفیه، بهاءالـدین بن شـدّاد، پژوهشـگر: جمال الـدین الشیال، مکتبه الخانجی، القاهره، ۱۹۹۴، ص ۸۶.

فتح قلمرو او آماده شد.(۱)

صلاح الـدین نخست در کشورگشایی جدّی نبود؛ زیرا یمن در جزیره العرب منطقه ای کلیدی برای تجارت به شـمار می آمد. از سـوی دیگر، او که اسـماعیلیه را در مصـر برانـداخته بود، هنوز بازمانـدگان آن هـا را در مصـر می دیـد و نگران تهدیـدهای احتمالی اسـماعیلیان یمن در آینده بود. از این رو، برادرش، توران شاه را با سـپاه بسـیاری از راه مکه به یمن فرستاد. توران شاه توانست در ۵۶۹ ه . ق (۱۱۷۴ م.) همه شهرهای یمن را تسخیر کند و اسماعیلیه و دیگر گرایش ها را به کلی برچیند.(۲)

پس از درگـذشت نورالـدین، پسـرش ــ اسـماعیل ــ یـازده ساله بود و توانایی اداره قلمرو گسترده پـدر را نـداشت. از این رو، سرداران نورالدین برای کسب مقام اتابکی او با یکدیگر درگیر شدند. صـلاح الدین فرصت را مغتنم شـمرد و به بهانه پشتیبانی از اسماعیل ــ فرزند نورالدین ــ که وی از خادمانش بود، به سوریه لشکر کشید. پنج ماه پس از مرگ نورالدین، صلاح الدین به شام حمله کرد. او نخست به دعوت مردم دمشق در سال ۵۷۰ ه . ق (۱۱۷۴ م.) به آن جا رفت، ولی سپس حمص و حلب را به زور از سرداران نورالدین گرفت. وی هم چنین حماه و بعلبک را نیز گرفت(۳) و حتی موصل را در سال ۵۷۸ ه . ق (۱۱۸۲ م) محاصره کرد.(۴) پس از آن، سنجار را

۱- الکامل، ص ۳۶۷؛ التاریخ الباهر فی الدوله الاتابکیه فی الموصل، عبدالقادر طلیمات، القاهره، ۱۹۶۳ م، صص ۱۵۸ ــ ۱۵۹؛ النوادر السلطانیه، ص ۸۸.

۲- الکامل، ج ۹، صص ۳۸۸ ــ ۳۹۰.

۳- الکامل، ج ۲۹، صص ۴۰۴ ــ ۴۰۸.

۴- الکامل، ج ۲۹، ص ۴۶۴.

تصرف کرد(۱) و در سال ۵۷۹ ه . ق (۱۱۸۳ م) آمِد و بعدها اخلاط و میافارقین را نیز به تصرف خود درآورد.(۲)

جنگ های صلاح الدین ایوبی با صلیبی ها و فتح بیت المقدس

اشاره

جنگ های صلاح الدین ایوبی با صلیبی ها و فتح بیت المقدس

بودوئن چهارم ــ پادشاه صلیبی ها ــ در سال ۵۷۹ ه . ق (۱۱۸۳ م) درگذشت. پس از مرگ او بر سر جانشینی اش میان ریموند ــ حاکم طرابلس ــ و گوی ــ شوهر جدید بیوه بودوئن چهارم ــ که بر بیت المقدس حکم می راند، درگیری هایی روی داد. ریموند کوشید که با نزدیک شدن به صلاح الدین، حریف را شکست دهد. صلاح الدین نیز از این نزدیکی استقبال کرد؛ زیرا به این ترتیب، اختلاف میان صلیبی ها تشدید می شد. این درگیری ها بیش از پیش صلیبی ها را ناتوان و ضعیف کرد.(۳)

صلاح الدین در سال ۵۸۳ ه . ق، با سپاهیان زیادی به کرک و سپس به شوبک رهسپار شد تا در آن جا دیگر سپاهیانش به او بپیوندند. پسر صلاح الدین، الملک الافضل، در ناحیه طبریه با صلیبی ها درگیر شد و خسارت های سنگینی به آنان وارد کرد. از سوی دیگر، صلاح الدین نیز به منطقه طبریه رسید. وی به شهر طبریه حمله کرد و آن را گرفت. صلیبی ها نمی خواستند به راحتی از کنار این شکست بگذرند. بنابراین، گوی، سران صلیبی را به بیت المقدس فرا خواند و از آنان تشکیل یک لشکر متحد علیه صلاح الدین را درخواست کرد.

۱- الکامل، ج ۲۹، ص ۴۶۴.

۲- الکامل، ج ۱۰، صص ۷ ــ ۹.

۳- السلوک المعرفه دول الملوک، محمد عبدالقادر عطا، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۹۹۷، ج ۱، صص ۱۸۵ ــ ۱۸۷.

سپاه صـلیبی که از سپاهیان برخی حاکمان آن مناطق از جمله ریموند و خود گوی تشکیل می شد، به سوی طبریه رهسپار شد. صلاح الـدین که فرمانـده ای کارکشـته بود، اصول نظامی پیچیده ای را در جنگ در نظر گرفت. از این رو، در نبردی که میان دو لشـکر روی داد، ریموند با سـپاهش از میدان مبارزه گریخت و گوی نیز به همراه سپاهش به تپه حطین پناه برد، ولی صلیبی ها نخست به محاصـره درآمدند و سـرانجام به ناگزیر تسـلیم شدند. مسـلمانان، اسیران را با خود به عقب بردند. گوی _ پادشاه صلیبی _ و رانود _ حاکم قلعه کرک _ نیز در میان اسیران بودند. خود صلاح الدین سر رانود را از تن جدا کرد؛ زیرا پیش تر به صـلاح الـدین خبر داده بودنـد که وی به پیغمبر اسـلام توهین کرده است. زن ریمونـد نیز در میـان اسـیران بود، ولی صـلاح الدین او را با احترام فراوان به طرابلس _ مرکز حکومت شوهرش _ فرستاد. دیگر اسیران نیز در نابلس زندانی شدند.(۱)

یک زایر مسیحی که برای زیارت بیت المقدس به آن جا رفته و از روی اتفاق در این جنگ نیز شرکت کرده است، می گوید: لشـکر صلیبی اردوگاه صفوریه را در صبح روز سوم ژوئیه ترک کرد. امیر طرابلس با سواران خود، پیشاپیش لشکر حرکت می کرد. در سـمت راست و چپ لشکر چندین گروه به فرماندهی بارون ها و امیران سرزمین مقدس حرکت می کردند و گروهی از برگزیدگان سپاه، صـلیب راستین را در میانه لشکر می بردند. پادشاه اورشلیم که نجیبان جنگ جو و برادران دینی وابسته به فرقه های صومعه داران و خسته خانه داران به گرداگردش بودند، فرماندهی عقبه لشکر را بر

۱- الکامل، ج ۱۰، صص ۲۳ _ ۲۶؛ النوادر السلطانیه و المحاسن الیوسفیه، صص ۱۲۶ _ ۱۲۸ و صص ۱۰۷ _ ۱۰۹.

عهده داشت. مسیحیان که به سمت طبریه در حرکت بودند، به دهکده ای در سه مایلی شهر رسیدند. در آن جا مسلمانان را آماده نبرد دیدند، در حالی که خودشان از تشنگی و گرمی هوا در سختی بودند؛ چون برای رسیدن به کنار دریاچه جلیله، باید از گردنه های تنگ و باریک و از جاهای پرسنگ و صخره می گذشتند. گی دولوزینیان _ پادشاه اورشلیم _ قصد داشت خود را به کناره های دریاچه جلیله برساند که به ناگاه ترکان [مسلمانان]بر عقبه لشکر ریختند. این حمله چنان شدید بود که صومعه داران و خسته خانه داران تارومار شدند. آن گاه شاه که دیگر توانی نداشت، فرمان داد تا در همان جا خیمه بزنند؛ در حالی که فریاد می زد: «دریغا و دردا که همه چیز تمام شد! ما فردا خواهیم مرد و پادشاهی مان از دست خواهد رفت!»

ترکان به دور آنان حلقه زدند و تیغ زارهای دشت را آتش زدند. مسیحیان تمام شب از شعله های آتش و دود و تیرها و نیزه ها در امان نبودند و از گرسنگی و تشنگی رنج می بردند. فردا صبح، سپاهیان صلیبی آماده شدند تا از گردنه ها و از بلندی های پرسنگلاخ گذشته و خود را به دریاچه جلیله برسانند؛ چون در آن جا می توانستند نیرو بگیرند و شمشیرهایشان را به کار اندازند. سپاهیان امیر طرابلس به سمت تپه ای پیش رفتند که ترکان پیش تر آن جا را اشغال کرده بودند. با نزدیک شدن مسلمانان، پیادگان مسیحی خود را به قله تپه رساندند و سواران را تنها گذاشتند. وقتی پادشاه و اسقف ها و سران لشکر، پیادگان را دیدند که دور می شوند، به آنان دستور بازگشت دادند تا از صلیب راستین دفاع کنند، ولی پیادگان نپذیرفتند؛ چون از فرط تشنگی، نیروی جنگیدن برای آنان نمانده بود.

افراد وابسته به گروه های صومعه داران و خسته خانه داران، دلیرانه

می جنگیدند، بی آن که نبردشان نتیجه ای داشته باشد. هر لحظه بر شمار کشتگان افزوده می شد. وقتی از زیادی لشکر مسلمانان به ستوه آمدند، پادشاه را به یاری خواستند. وقتی پادشاه دید که لشکر پیاده نظامش نمی خواهند برگردند و در برابر تیراندازان ترک بی دفاع مانده است، دستور داد تا دوباره خیمه ها را برافرازند تا بدان وسیله از هجوم بی امان مسلمانان در امان بماند. وقتی امیر طرابلس پراکندگی صلیبی ها و هجوم بی امان وحشیان بربر و نیز تنهایی خود را دید، از میان لشکر ترکان راهی برای خود گشود و با سواران جلودارش از آن مهلکه گریخت. از هر سو، مسلمانان خود را رسانده و مسیحیان را قتل عام می کردند.

اسقف عکا که صلیب منجی بزرگ را حمل می کرد، زخم مهلکی برداشت و صلیب مقدس را به دست اسقف لیدا سپرد، ولی مدتی نگذشت که مسلمانان همه را کشتند یا اسیر کردند. کشیش نابلس و آنانی که جان سالم به در برده بودند، از روی نعش کشتگان گذشتند و گریختند. سپس لشکریان ترک به سمت صلیب مقدس و پادشاه اورشلیم شتافتند.(۱)

این داستان که با تعصّب های مذهبی گزارش کننده مسیحی درآمیخته است، گویای روحیه صلیبی ها در جنگ با مسلمانان است. فرماندهی حساب شده صلاح الدین، توانست پیروزی بزرگی را نصیب مسلمانان کند. این پیروزی همان گونه که برای مسیحیان تلخ بود، برای مسلمانان نویدبخش بود. نویسندگان مسیحی هرگاه از شکست های صلیبی ها در این جنگ ها سخن می گویند، سخنانشان را با توهین به مسلمانان بیان می کنند،

۱- صلاح الدین ایوبی، اکبر شاندور، برگردان: محمد قاضی، انتشارات زرین، ۱۳۷۵، صص ۲۵۶ _ ۲۵۹.

غافل از این که جنایت های صلیبی ها در قلمروهای تصرف شده اسلامی، قابل تصور و بیان نیست. برای نمونه، در این جنگ، صلیب مقدس مسیحیان به دست مسلمانان افتاد. صلیبیان که از آن به عنوان عاملی نیروبخش بهره می گرفتند، حال ناکارآمدی آن را به چشم می دیدند. این پیروزی مسلمانان و شکست مسیحیان، هوشمندان مسیحی را به حقیقت رهنمون شد و آنان را از خواب غفلت بیدار کرد.

صلاح الدین پس از این پیروزی به عکا رفت. مردمان عکا که از قدرت مسلمانان به هراس افتاده بودند، تسلیم صلاح الدین شدند. صلاح الدین آنان را در ماندن یا رفتن در کمال امنیت، آزاد گذاشت. سپس شهر را به پسرش الافضل سپرد و خود به همراه سرداران دیگرش برای فتح دیگر مناطق فلسطین رهسپار شد. شهرهای قیساریه، حیفا، صفوریه، معلیا، شقیف، فوله، یافا، سبطیه، نابلس، صرفند و صیدا یکی پس از دیگری با جنگ یا صلح تسلیم مسلمانان شدند. صلاح الدین شهر بیروت را نیز در سال ۵۸۴ ه . ق تصرف کرد. این شهر پس از بیت المقدس مهم ترین پایگاه نظامی و تجاری صلیبی ها بود و فتح آن می توانست نویدبخش فتح بیت المقدس باشد. سپس مسلمانان قلعه جبیل و پس از آن شهر مهم عسقلان را تصرف کردند. صلاح الدین اهالی شهر را در رفتن یا ماندن آزاد گذاشت. در ادامه، شهرهای رمله، داروم، غزه، مشهدابراهیم، بیت اللحم، بیت جبرئیل و نطرون نیز به تصرف مسلمانان درآمد. چیزی نگذشت که با فتح بیت المقدس، مهم ترین هدف مسلمانان نیز عملی شد و این سرزمین مقدس از لوث

وجود صلیبیان پاک گردید.(۱)

در این زمان، پادشاه بیت المقدس در دست صلاح الدین اسیر بود؛ چون وی در نبرد حطین شکست خورده و اسیر شده بود و به جای او بالیان دوم بر شهر حکم می راند. مسیحیان چندان روحیه ای برای ایستادگی و جنگ نداشتند؛ زیرا خبرهای پیاپی از پیروزی های مسلمانان، آن ها را از شرکت در هرگونه جنگی باز می داشت. از سوی دیگر، مهاجرانی که از شهرهای فتح شده به دست مسلمانان، به آن جا کوچ کرده بودند، روحیه ساکنان بیت المقدس را تضعیف کرده و سبب کمبود نیازمندی های زندگی در آن جا شده بودند. بالیان امید زیادی برای پیروزی نداشت. با این حال ساکنان شهر را مسلح کرد و منجنیق ها را به کار گرفت. صلاح الدین به بالیان دوم پیغام فرستاد که:

من نمی خواهم در حریم این مکان مقدس خون ریزی کنم و ساحت پاک آن را با خون آلوده سازم. پس بهتر است که شما خود را بدون جنگ تسلیم کنید و در عوض هر مبلغی پول یا هر مقداری زمین که بخواهید، می توانید برای خود بردارید، یا به هرجا که خواستید بروید.

بالیان پیغام فرستاد:

ما نمی توانیم شهری را به شما تسلیم کنیم که خدایمان، عیسی مسیح در آن وفات یافته است و نمی توانیم آن را به شما بفروشیم.

صلاح الدین به صلیبی های شهر پیغام داد که:

روزی خواهد آمد که به این خیره سری هایتان لعنت فرستید و با التماس رحم و بخشایش مرا بخواهید، ولی دیگر آن هنگام دیر شده است. من تا چند روز دیگر وارد اورشلیم می شوم و آن وقت دیگر نخواهم توانست

۱- النوادر السلطانیه، صص ۱۳۱ _ ۱۳۳؛ الکامل، ج ۱۰، صص ۲۸ _ ۳۳.

جلو فاتحان مسلمان را بگیرم و نگذارم به جان مسیحیان بیفتند و همان بلایی را به سر آن ها بیاورند که شما مسیحیان در سال ۴۹۲ ه .ق وقتی وارد بیت المقدس شدید، بر سر مسلمانان آوردید. به یاد بیاورید که سر هفتاد هزار مسلمان را در مسجد الاقصی از بدن جدا کردید.(۱)

حمله نخستین مسلمانان در ۱۵ رجب ۵۸۳ ه .ق از سمت شمال غربی و میانه دروازه دمشق و برج داوود روی داد، ولی بی نتیجه بود. سپس جنگ تن به تن آغاز شد. در این جنگ، صلیبی ها عقب نشستند. جنگ نزدیک به یک هفته ادامه داشت. صلیبی ها که ناتوانی خود را دیدند، از صلاح الدین تقاضای صلح کردند، ولی صلاح الدین نپذیرفت و گفت:

من قدس را به شمشیر خواهم گرفت؛ همان گونه که شما یازده سال پیش چنین کردید.(۲)

مسلمانان حفره هایی در پی دیوار شهر کندند و سپس نقب های به درون شهر ایجاد شد. خود بالیان به همراه گروهی از رجال و بزرگان شهر به اردوگاه صلاح الدین رفت و از او خواست که صلح را بپذیرد. بالیان گفت که اگر صلح را نپذیری، پنج هزار زندانی مسلمان را که داخل شهر هستند، خواهد کشت و شهر را نابود می سازد و اماکن مقدس اسلامی و مسیحی را می سوزاند. صلاح الدین با شنیدن این تهدیدها، صلح را با شرایطی پذیرفت.(۳)

بر اساس قرارداد، محاصره شدگان باید شهر را تسلیم سپاه صلاح الدین

۱- صلاح الدین ایوبی، ص ۲۹۱؛ المفصل فی تاریخ القدس، عارف العارف، بیت المقدس، دارالاندلس، ۱۳۰۸ ه .ق، ص ۱۷۲.

۲- خطط الشام، محمد کرد علی، المکتبه النوری، ۱۴۰۳ ه .ق، ج ۲، ص ۵۶.

۳- صلاح الدین ایوبی، ص ۲۹۷.

کننـد و در عوض اگر بخواهند از اسـیری رهایی یابند، باید به ازای هر مرد؛ ده دینار؛ هر زن، پنج دینار و هر کودک، دو دینار فدیه بپردازند. بدین ترتیب، شـهر بیت المقدس در صبح جمعه ۲۷ رجب ۵۸۳ ه . ق (۲ اکتبر ۱۱۸۷ م.) پس از یک قرن اشغال شهر از سوی صلیبی ها، به دست مسلمانان افتاد.(۱)

عبرت های جنگ

عبرت های جنگ

فتـح بیت المقـدس درس های ارزشـمندی می تواند داشـته باشد. استیون رانسـیمان از نویسـندگان غربی که درباره جنگ های صلیبی تا حدودی منصفانه به نگارش پرداخته است، می نویسد:

مردان پیروز [مسـلمانان] افرادی شـریف و جوان مرد بودنـد. درست در همان جایی که هشـتاد و هشت سال پیش، فرنگی ها از دریای خون گذشـتند، حتی یک خانه به یغما نرفت و به یک جاندار آسـیب نرسـید. امیر صـلاح الدین، سـربازان، خیابان ها و دروازه هـا را زیر نظر گرفت و از هر گونه دست انـدازی احتمالی به جان و مال مردم جلوگیری کرد.(۲) حال آن که مسیحیان هنگام فتح بیت المقدس، بسیاری از مردم شهر را کشتند و خون های بسیاری جاری ساختند. هم چنین از چگونگی جنگیدن و کشت و کشـتار مسـیحیان می فهمیم که بزرگان صـلیبی حتی بزرگان دینی شان این جنگ ها را به خاطر مسیح ایجاد نکردند، بلکه به سبب وسوسه ها و خواسته های دنیایی شان آن همه خونریزی کردند.

هرکس در تلاش برای فراهم کردن فـدیه خویش بود [بسـیاری توان پرداخت فدیه خود را نداشـتند]، ولی بطریق و یارانش جز به خود نمی اندیشیدند. وقتی مسلمانان دیدند که بطریق تنها ده دینار فدیه خود را

۱- الکامل فی التاریخ، پژوهشگر: علی شیری، ج ۵، صص ۲۳۷ و ۲۵۵.

۲- تاریخ جنگ های صلیبی استیون رانسیمان، ج ۲، ص ۵۴۴.

پرداخت و بـا بار گرانی از سـیم و زر، پیشاپیش بارکش ها و گاری های پر از فرش و ظرف های گران بها، شـهر را رها کرد و رفت، شگفت زده شدند. اگر کلیسا اندکی بیش تر سخاوت به خرج می داد، هزاران نفر از مسیحیان آزاد می شدند.(۱)

صلاح الدین با وجود این که بر اساس قرارداد عمل می کرد، با این حال، به هر بهانه ای بسـیاری از اسـیران صلیبی را بخشید و هزاران نفر را به درخواست برادرش، العـادل رهـا کرد. گـاه زنانی که فـدیه آنان پرداخت شـده بود، به نزد وی رفته و بخشـش شوهر و برادرانشان را از او می خواستند و او نیز آنان را می بخشید.

مهربانی و دلسوزی این مرد درست نقطه مقابل نامردمی هایی بود که از نخستین فاتحان صلیب سر زد.(۲)

گذشت و بخشـش مسـلمانان بسیار بیش تر از مسـیحیان بود؛ در حالی که آن ها تجاوزگر بودند و باید با آنان برخورد سخت گیرانه ای می کردند و از خون ریزی های صـلیبی ها انتقام می گرفتند، ولی مسـلمانان نه کسی را به آتش افکندند و نه دستور قتل عام دادند.

۱- تاریخ جنگ های صلیبی استیون رانسیمان، ج ۲، ص ۵۴۵.

۲- تاریخ جنگ های صلیبی استیون رانسیمان، ج ۲، ص ۵۴۵؛ درباره چگونگی فتح بیت المقدس نک: الکامل، ج ۱۰، صص ۳۳ _ ۳۶؛ النوادر السلطانیه، ص ۱۳۴.

فصل سوم: مرحله سوم جنگ های صلیبی

اشاره

فصل سوم: مرحله سوم جنگک های صلیبی

با آن چه در سوریه روی داد، شـکل گیری جنگک صلیبی دیگری قابل پیش بینی بود. علت دومین تهاجم صلیبی ها به فلسطین، پیروزی مسـلمانان در جنگک و بازپس گیری الرّها (ادسا) بود. اکنون که نه یک شـهر، بلکه شـهرها و قلعه های بسـیار و از همه مهم تر، بیت المقدس از صلیبی ها بازپس گرفته شده بود، آغاز سومین تهاجم گسترده اروپاییان عادی می نمود.

علت های آغاز مرحله چهارم جنگ های صلیبی

علت های آغاز مرحله چهارم جنگک های صلیبی

بازپس گیری بیت المقدس از سوی مسـلمانان، برای کلیسا و بیش تر غربی ها بسـیار ناگوار بود. این خبر می توانست مسیحیان متعصب و فرصت طلبان اروپایی را علیه مسلمانان برانگیزاند. پیش از آن که این خبر به طور رسمی به مقام های اروپایی برسد، از راه های گوناگون مانند فراریان از جنگک، به غرب رسیده بود.

ناکامی صـلاح الدین در تصرف صور و برخی دیگر از سرزمین های صلیبی نشین مانند انطاکیه، به جرأت گرفتن صلیبیان مقیم آسـیا و امیـدواری مسـیحیان اروپایی انجامید تا به بازپس گیری سـرزمین های از دست رفته چشم طمع بدوزند. اهالی صور که پس از مدت ها ایستادگی و پافشاری، محاصره کنندگان مسلمان را خسته کرده و آنان را به ترک محاصره وادار

ساخته بودند، اسقف اعظم شهر را برای یاری خواستن، به نزد پاپ و پادشاهان اروپایی فرستادند. هم زمان با آن، بازماندگان فرقه های نظامی نیز در نامه هایی، خبرهای ناگوار روزگارشان را به هم قطاران خود در سراسر اروپا رسانیدند.

از سوی دیگر، نسل جدید پادشاهان و مردمان اروپا که خود ناکامی لشکریانشان را در مرحله دوم جنگ های صلیبی از نزدیک ندیده بودند، گمان می کردند آنان، این بار نتیجه ای دیگر خواهند گرفت و با فتح تمامی آسیا ثروتمند خواهند شد. پاپ برخی را وا داشت تا مردم سراسر اروپا را به جنگ تشویق کنند. موعظه جنگ صلیبی در شمال آلپ، به سر اسقف ژوسیوس صوری و کاردینال هانری آلبانویی، نماینده پاپ و یک راهب سیسترسین واگذار شد که در امور سیاسی مهارت زیادی داشت.

این خبرها نخست به پاپ اوربان سوم رسید، ولی وی پیش از آن که کاری بکند، درگذشت. جانشینش، پاپ گره گور هشتم بود که زمینه های جنگ صلیبی سوم را فراهم آورد. وی مسیحیان را به شرکت در جنگ صلیبی تشویق می کرد. او دستور داد همه روزه بگیرند و همه با هم دعا بخوانند. برای آن که تمام توان نیروهای مسیحی، در مبارزه با مسلمانان به کار رود، وی جنگ شاهان و حاکمان غربی را با یکدیگر حرام کرد. کاردینال ها برای برانگیختن مردم نذر کردند تا وقتی بیت المقدس دوباره به دست مسیحیان بیفتد، تنها از صدقه گذران زندگی کنند. آنان تصمیم گرفتند تا آن زمان، دیگر بر اسب سوار نشوند و با پای پیاده و صلیب در دست، کشورهای اروپایی را بپیمایند.

دو ماه از آغاز دوره پاپی گره گور هشتم نگذشته بود که وی در گذشت

و کلمان سوم به جای وی نشست. او مانند پاپ های پیشین، در زمان جنگ های اول و دوم صلیبی، گناهان گذشته و حال و آینده مسیحیان شرکت کننده در جنگ صلیبی را بخشید و واعظان او در شهرهای اروپا می گشتند و مردم را علیه مسلمانان می شوراندند. آن ها نقاشی هایی می کشیدند و در آن ها بی حرمتی و اهانت سپاهیان مسلمان را به آرامگاه حضرت عیسی نمایش می دادند یا نقاشی هایی به مردم نشان می دادند که در آن ها، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم در حال کتک زدن حضرت مسیح علیه السلام بود. آنان با گفتن داستان هایی از درد و رنج های مسیحیان آسیا، می کوشیدند احساسات مسیحیان اروپا را علیه مسلمانان برانگیزانند.(۱)

این گونه رفتارها نشان می دهد که چگونه کلیسا با دروغ پردازی و تهمت زدن ها، می کوشید تا به هدف دنیایی خود برسد. آن ها با نمایش چهره ای دروغین از اسلام و مسلمانان، در جهت خواسته های مادی خود می کوشیدند. اربابان کلیسا، مردمان کوچه و بازار را بیش تر از آن روی برمی انگیختند که آنان مالیات بیش تری به کلیسا و حاکمان بپردازند؛ مالیات هایی که اکنون به بهانه جنگ برای آیین مسیح، گوناگون و چندین برابر شده بود.

پادشاهان آلمان و فرانسه که شکست و ناکامی گذشتگانشان را در جنگ دوم صلیبی از یاد برده بودند، آرزوی فتح شرق را در سر می پروراندند و فرمان پاپ را فرصتی برای عملی کردن این آرزو می دانستند. هم چنین پادشاهان فرانسه و انگلستان که مدت ها بر سر زمین های اختلافی، درگیر بودند، شرکت در جنگ های صلیبی را فرصتی برای به دست آوردن

۱- صلاح الدین ایوبی، صص ۳۳۳ _ ۳۳۵؛ تاریخ جنگ های صلیبی رانسیمان، ج ۳، صص ۷ _ ۱۵؛ جنگ های صلیبی (هانس ابرهارد مایر)، صص ۱۵۹ _ ۱۶۲.

محبوبیت بیش تر نزد دستگاه کلیسا و مردم می پنداشتند.

فردریک بارباروس، امپراتور آلمان، در شهر مایانس مجمعی تشکیل داد و بزرگان دینی، نظامی و سیاسی ایتالیا و آلمان را بدان جا فرا خواند. در این مجمع که به خواست اسقف بزرگ شهر صور تشکیل شده بود، خود امپراتور آلمان نیز شرکت داشت. اسقف صور سخنرانی پرهیجانی برای حاضران ایراد کرد و آنان را برای شرکت در یک جنگ صلیبی دیگر برانگیخت. خود امپراتور، صلیب را از دست اسقف صور گرفت و از حاضران خواست که خود را برای جنگ آماده کنند. از سوی دیگر، فیلیپ آگوست، پادشاه فرانسه و ریچارد معروف به ریچارد شیردل، پادشاه انگلستان نیز در نورماندی گرد هم آمدند. آنان زیر پرچم صلیب با یکدیگر صلح کردند و سوگند خوردند که برای رهایی بیت المقدس، فداکاری کنند و از هرگونه کوششی دریغ نورزند. در همان جلسه، زمان حرکت مشخص شد و به نظامیان و نیروهای مسلح دستور آماده شدن ابلاغ شد.(۱)

آغاز مرحله سوم جنگ های صلیبی

آغاز مرحله سوم جنگ های صلیبی

آلمان ها آغاز کننده این دوره از جنگ های صلیبی به قلمرو مسلمانان بودند. فردریک، امپراتور آلمان با یک صد هزار سرباز و صاحب منصب نظامی به سوی شرق رهسپار شد. وی در ۱۱ ماه مه سال ۱۱۸۹ م. (۲۳ ربیع الاول ۵۸۵ ه . ق) از راتیسبون به حرکت در آمد. حتی پسران امپراتور هم چون فردریک سوابیایی، پدر ۶۵ ساله خویش را همراهی می کردند. او از

۱- جنگ های صلیبی هانس مایر، صص ۱۶۲ _ ۱۶۳؛ صلاح الدین ایوبی، صص ۳۳۶ _ ۳۴۱.

سرزمین های یوگسلاو و بلغار گذشت و به قلمرو بیزانس وارد شد. ایزاک آنجلوس، امپراتور وقت قسطنطنیه در برخورد با آلمان ها همان کاری را کرد که امپراتوران پیشین بیزانس در دوره های اول و دوم لشکرکشی های صلیبی ها، با آنان انجام داده بودند. او لشکر امپراتور آلمان را توقیف کرد و به ارتش خود دستور داد که از عبور نیروهای صلیبی جلوگیری کنند. هم چنین وی پیکی را نزد صلاح الدین فرستاد و او را از وضعیت سپاه آلمان آگاه ساخت.

وقتی امپراتور آلمان از عملکرد ایزاک آگاه شد، شهرها و آبادی های مسیر خود را غارت کرد و از ا ین راه، نیاز سپاهیانش را برآورده ساخت. هنگامی که ایزاک از رفتار سپاهیان آلمان آگاهی یافت، مجبور شد با امپراتور آلمان همکاری کند. وی ۱۵۰ کشتی و قایق در اختیار آلمان ها قرار داد تا به سمت آسیا عبور کنند. آنان از داردانل گذشتند و در آسیای صغیر به سمت قونیه حرکت کردند. سپاهیان سلجوقی در نبرد با آلمان ها شکست خوردند و در نتیجه، قونیه به تصرف فردریک درآمد. سپس آنان از سمت کوه های توروس، به خاک ارمنستان وارد شدند. از آن جا به سوی انطاکیه به راه افتادند و در ساحل رودخانه قره سو اردو زدند. فردریک برای شست و شو و نظافت وارد رودخانه شد، ولی در رودخانه غرق شد. با مرگ او، لشکرکشی آلمان ها بی نتیجه ماند. بخشی از سپاه به آلمان بازگشتند و بخش دیگر به انطاکیه رفتند که بعدها به کمک محاصره شدگان شهر عکا شتافتند.(۱) آلمان های بسیاری نیز در نتیجه حمله مسلمانان یا بیماری کشته شدند.

۱- الکامل، ج ۱۰، ص ۷۰؛ تاریخ جنگ های صلیبی رانسیمان، ج ۳، صص ۱۷ _ ۲۲.

سپاهیان آلمان بسیار منظم و آموزش دیده بودند و با توجه به این که فردریک در لشکرکشی کنراد در مرحله دوم جنگ های صلیبی شرکت داشت و از آن جنگ ها، تجربه های بسیار آموخته بود، می کوشید نتیجه خوبی به دست آورد. با این فرجام نامبارک که گریبان گیر آلمان ها شد، صلیبیان سوریه تنها به سپاهیان انگلستان و فرانسه امیدوار شدند که پس از آلمان ها به آسیا رهسپار شده بودند.

فیلیپ آگوست، پادشاه فرانسه با سپاهیانش از نژاد ژن و ریچارد شیردل، پادشاه انگلستان نیز با سپاه خود از نژاد مارسی در بندر میسینا در جزیره سیسیل به هم پیوستند، ولی میان پادشاه انگلستان و پادشاه سیسیل برای به دست گرفتن زمین هایی از آن منطقه، جنگ در گرفت. پادشاه فرانسه که در برانگیختن این جنگ بی تأثیر نبود، با سپاهیانش زودتر از انگلیسی ها به سمت آسیا رهسپار شد.

فیلیپ آگوست و سپاهیانش در دوم ربیع الاول ۵۸۷ ه . ق (۳۰ مارس ۱۱۹۱ م.) از میسینا به راه افتادند، حال آن که انگلیسی ها در سیزدهم ربیع الاول همان سال (دهم آوریل) از میسینا به سوی قلمروهای اسلامی حرکت کردند. در این زمان، شهر عکا از سوی گی دولوزینیان که صلاح الدین به تازگی او را آزاد کرده بود، در محاصره قرار داشت. این محاصره که از آخرین روزهای رجب ۵۸۵ ه .ق آغاز شده بود، فشار سختی بر مسلمانان شهر وارد می آورد. البته صلاح الدین هم با کشتی و قایق به مسلمانان کمک می رساند و از سوی دیگر، محاصره کنندگان را در محاصره قرار داده بود. محدود بودن منطقه جنگی سبب شده بود که سپاهیان صلاح الدین نتوانند محاصره را بشکنند؛ زیرا این شهر که مانند جزیره ای بود، تنها

از یک راه باریک به سوی خشکی داشت. محاصره شهر دو سال به طول کشید. مدافعان پادگان عکا، پشت دیوار شهر می جنگیدند و صلیبی ها پشت سنگرهای خود، هم با مردم شهر و هم در پشت سرشان با سپاه صلاح الدین می جنگیدند.

ورود فرانسوی ها به میدان نبرد عکا، کار را بر مسلمانان سخت تر کرد، ولی این سختی تا زمان ورود انگلیسی ها قابل تحمل بود؛ زیرا موازنه ای برابر میان دو طرف درگیری وجود داشت.

گفتنی است فرانسوی ها در انتظار ورود انگلیسی ها بودند تا جنگ تمام عیار خود را از سر بگیرند. هم چنین وجود خندق عمیقی بر گرداگرد شهر، از عبور قلعه کوب های فرانسوی جلوگیری می کرد. با آمدن فرانسوی ها و سپس انگلیسی ها محاصره شهر عکا از سمت دریا نیز تکمیل شد. از این رو، محاصره شدگان از هر سو زیر آتش دشمن بودند. صلاح الدین دیگر نتوانست از سمت دریا به محاصره شدگان آذوقه و اسلحه برساند. هم چنین وی نمی توانست کشتی های صلیبیان را در ساحل عکا زیر فشار قرار دهد.

صلیبی ها بارها کوشیدند تا با فشار همه جانبه شهر را به دست گیرند، ولی هربار که حمله آنان شدت می گرفت، صلاح الدین از پشت سر به آن ها می تاخت و توجه آنان را به سپاه مسلمانان جلب می کرد. به این ترتیب، پادگان و ساکنان شهر می توانستند برای مدتی آسوده شوند. ورود انگلیسی ها به جمع محاصره کنندگان، توان صلیبی ها را چندین برابر کرد؛ زیرا ریچارد، جنگاوری دلیر و با تدبیر بود. او توانست ارابه های قلعه کوب را از خندق عبور داده و به نزدیکی دیوار شهر برساند. از سوی دیگر، با کشتی های خود از سمت دریا به شدت شهر را به زیر آتش گرفت.

روشن است که در چنین شرایطی، مسلمانان نمی توانستند کاری بکنند.

آن ها تنها می توانستند زمان محاصره را طولانی تر کنند تا شاید دشمن خسته شده و دست از محاصره بردارد یا نیروهای کمکی از دیگر قلمروهای اسلامی برسد؛ ولی چنین نشد، بلکه بر اثر فشار صلیبی ها و قحطی روزافزون، محاصره شدگان خسته شدند و توان مقاومت را از دست دادند. از این رو، برای گفت و گو درباره صلح به اردوگاه صلیبی ها رفتند.

از سوی صلیبی ها، فیلیپ آگوست که فرماندهی کل نیروها را بر عهده داشت، سخن گفت، ولی بی نتیجه بود. سرانجام صلیبی ها، شخصی به نام کونراد را به شهر فرستادند تا در زمینه شرایط تسخیر شهر، با ساکنان شهر گفت و گو کند. معاهده ای امضا شد که بر اساس آن، شهر تسلیم صلیبی ها می شد و ساکنان آن جا به مدت دو ماه در شهر زندانی می شدند تا این که صلاح الدین فدیه آنان را که صد هزار دینار تعیین شده بود، پرداخت کند. بدین ترتیب، در ۱۷ جمادی الاخر ۵۸۷ ه . ق شهر سقوط کرد و دو سال تلاش برای پایداری شهر، بی نتیجه ماند.

صلیبی ها بر خلاف معاهده ای که با ساکنان شهر بسته بودند، با ورود به شهر، مردان را دستگیر و زندانی کردند و پیش از آن که مهلت دوماهه به سر آید، ریچارد و انگلیسی ها دوهزار و ششصد تن از اسیران مسلمان را به طرز ناگواری کشتند. این ماجرا یکی دیگر از نمودهای وحشی گری صلیبی ها بود.(۱)

اندکی پس از تسخیر شهر عکا به دست صلیبی ها، فیلیپ آگوست به فرانسه بازگشت. بازگشت فیلیپ دلیل های چندی می تواند داشته باشد:

۱- تاریخ جنگ های صلیبی رانسیمان، ج ۳، صص ۴۷ _ ۴۹؛ الکامل، ج ۱۰، صص ۷۱ _ ۷۲؛ النوادر السلطانیه، صص ۱۵۴ _ ۱۵۶ و ۲۳۰ _ ۲۵۳.

۱ ــ وجود ریچارد شیردل در سپاه صلیبی برای فیلیپ دشوار بود؛ زیرا او به حضور فیلیپ چندان اهمیتی نمی داد؛

۲ ــ حضور ریچارد در آسیا برای فیلیپ فرصت خوبی بود تا قلمروهای اروپایی را به آسانی در دست گیرد.

از این رو، وی تنها ده هزار نفر سرباز فرانسوی را در آسیا گذاشت و خود به فرانسه رفت. پس از مدتی ریچارد با صدهزار نیرو، برای فتح دیگر مناطق سوریه و سرانجام بیت المقدس از عکا خارج شد. او در مسیر حرکت خود، به حیفا و آن گاه به قیساریه رسید. صلاح الدین توان شکست دادن ریچارد را در خود نمی دید. با این حال، به آسانی هم تسلیم نمی شد و پیوسته با تعقیب لشکر ریچارد، در فرصت های مناسب ضربه هایی بر سپاه صلیبی وارد می کرد. ریچارد پس از یافا، عسقلان را نیز به تصرف خود درآورد.(۱) البته تصرف آسان این شهرها، تنها به سبب نیرومندی نظامی صلیبی ها نبود، بلکه صلاح الدین پیش از رسیدن صلیبی ها، این شهرها را از مردم خالی می کرد و اشیای قیمتی آن را بر می داشت. وی که در خود توان ایستادگی در همه شهرها را نمی دید، با این کار می کوشید تمامی نیرویش را برای نگهداری بیت المقدس به کار گیرد.

سرانجام مرحله سوم جنگ های صلیبی

سرانجام مرحله سوم جنگ های صلیبی

پیش بینی می شد که ریچارد ــ فرمانده صلیبی ها ــ برای تسخیر بیت المقدس نیز بکوشد، ولی چنین نشد. وی پس از تسخیر آسان عسقلان که پیش تر صلاح الدین آن را خالی از سکنه و ویران کرده بود، به سوی رَمله، قلعه

۱- الکامل، ج ۱۰، صص ۹۸ ــ ۱۰۰؛ النوادر السلطانیه، صص ۲۶۳ ــ ۲۷۵ و ۳۲۳ ــ ۳۳۶.

داروم، بیت النوبه و سرانجام قلونیه رفت. این شهر در دو فرسنگی بیت المقدس قرار داشت. ریچارد از آن جا به بعد پیشروی به سوی بیت المقدس را جایز ندانست. از این رو، شورایی تشکیل شد و بر اساس رأی شورا نخست به سوی قاهره حرکت کردند، ولی در میان راه، ریچارد از رفتن به قاهره منصرف شد و تصمیم گرفت تا بیروت را تصرف کند. صلاح الدین که به قصد ریچارد پی برده بود، برای بازداشتن او، به یافا حمله ور شد و آن جا را گرفت. این تدبیر صلاح الدین سبب شد ریچارد به یافا توجه کند، ولی پیش از رسیدن سپاه صلیبی به یافا، صلاح الدین شهر را ویران کرد و از آن جا خارج شد؛ زیرا وی تنها می خواست زمان بگذرد و نیروی صلیبی ها تحلیل برود.(۱)

آن چه در این جا اهمیت دارد، بی توجهی صلیبی ها به تسخیر بیت المقدس است. حرکت صلیبی ها از اروپا، به قصد بازپس گیری بیت المقدس بود، حال آن که آنان مدت ها در محاصره شهرهای کم اهمیت تر کوشیدند و در پایان به بیت المقدس توجه کردند. این امر نشان می دهد که عامل مذهب در لشکرکشی به آسیا انگیزه اصلی صلیبی ها نبوده، بلکه تنها بهانه خوبی برای توجیه لشکرکشی به شرق اسلامی بوده است.

رفتن پادشاه فرانسه به اروپا و رسیدن خبرهایی از لشکرکشی وی به قلمرو پادشاه انگلستان، ریچارد را نگران کرد و او ماندن در آسیا را جایز ندانست. از سوی دیگر، لشکرکشی به بیت المقدس که به معنای ماندگاری طولانی مدت در آسیا بود، نمی توانست به سادگی عملی شود؛ چون

۱- الکامل، ج ۱۰، صص ۹۸ _ ۱۰۰.

بیت المقدس، مهم ترین شهر مسلمانان بود و گرفتن آن جا پس از هزینه کردن جان ها و سرمایه های بسیار می توانست عملی شود.

ریچارد پس از ورود به آسیا به سردرگمی جدّی دچار شده بود. از یک سو، توان نظامی مسلمانان را در سطح بالایی می دید و به پیروزی های زودهنگام امیدی نداشت. از سوی دیگر، با دیدن ایستادگی مسلمانان در شهر عکا، دریافته بود که رؤیای تسخیر زودهنگام قلمرو اسلامی، به ویژه بیت المقدس باطل است. وی هم چنین نسبت به آسیب دیدن منافعش در اروپا نگران بود و ماندن در آسیا را به زیان خود می دانست. او که به ناچار رؤیای تسخیر بیت المقدس را از سر بیرون کرده بود، تصمیم گرفت تا چند شهر مهم مسلمانان را تصرف کند تا اروپاییان او را به دیده یک فاتح و نه یک شکست خورده بنگرند. از این رو، او که نخست به قصد بیت المقدس شرکت کرده بود، پس از مدتی به سمت قاهره برگشت. در میانه راه نیز پشیمان شد و به بیروت لشکر کشید، ولی باز منصرف شد و به یافا بازگشت. سرانجام ماندن در آسیا را گذران وقت دانست و برای این که کاملاً هم دست خالی بر نگردد، تصمیم گرفت با بستن پیمان صلحی، برای خود آبرویی دست و پا کند.

ریچارد پیشنهاد صلح را مطرح کرد و صلاح الدین نیز که از ادامه وضع موجود خسته شده بود، آن را پذیرفت. هر دو سپاه مسلمان و صلیبی، خسارت های سنگینی دیده بودند. صلاح الدین، برادرش، الملک العادل را مأمور کرد تا درباره پیمان صلح مذاکره کند. ریچارد می خواست عسقلان از سوی صلاح الدین به عنوان یک شهر صلیبی شناخته شود، ولی صلاح الدین نپذیرفت. سرانجام پیش نویس صلح نامه در شعبان ۵۸۸ ه . ق آماده شد که

بر اساس آن، یافا و توابع آن (به جز رمله، لد، بجدل بابا)، قیساریه، ارسون، حیفا با توابع آن ها و نیز عکا با توابع آن (به جز ناصره و صفوریه) جزو قلمرو صلیبی شناخته شدند. مواد دیگری از این قرارداد به قرار زیر بود:

۱ _ عسقلان و آن چه صلیبی ها در آن ساخته بودند، می بایستی ویران شده و به صورت ویرانه، در میانه قلمرو اسلامی و صلیبی باقی بماند؛

۲ _ شهرها و قلعه های اسماعیلیه که در داخل قلمرو صلیبی بود، باید بخشی از قلمرو مسلمانان شناخته شود؛

۳ _ مسیحیان اجازه داشتند که بدون سلاح به زیارت قدس بیایند و پس از زیارت نیز باید برمی گشتند؛

۴ _ در روز ۲۱ شعبان ۵۸۸ ه . ق مسئولان دو طرف برای اجرای قرارداد صلح، باید سوگند یاد می کردند؛

۵ _ این قرارداد تا سه سال و هشت ماه اعتبار داشت و در این مدت هرگونه جنگی ممنوع می شد.

در ۲۱ شعبان، الملک العادل و الافضل و چند تن از امیران عرب به نمایندگی از سوی صلاح الدین و هانری دوشامپانی، جانشین ریچارد و چند تن از سران فرقه های مذهبی به نمایندگی صلیبی ها برای مراسم سوگند گردهم آمدند. بدین ترتیب، پس از یک دوره صدساله از جنگ های صلیبی، صلحی کوتاه مدت برقرار شد.

پس از قرارداد صلح، سپاهیان صلیبی برای زیارت به بیت المقدس رفته و سپس به سوی غرب رهسپار شدند. خود ریچارد به زیارت قدس نرفت؛ زیرا وی برای فتح آن آمده بود و اینک خود را ناکام می دانست. او و لشکریانش در روز چهارشنبه ۲۹ شعبان ۵۸۸ ه . ق از ساحل عکا و از راه دریا به انگلستان برگشتند.

این جنگ کاملاً بر وفق مراد هیچ یک از دو طرف نبود. مسلمانان نتوانستند مسیحیان را از سلطه بر بعضی شهرها مانند انطاکیه، صور، عکا و... برخی قلعه ها باز دارند. صلیبی ها نیز نتوانستند قلمرو بیش تری نسبت به گذشته به دست آورند و حتی از دست یابی دوباره بر بیت المقدس نیز ناامید شدند. انتظار می رفت که با ا ین قرارداد صلح، دوره ای از آرامش به وجود آید، ولی این دوره بسیار کم دوام بود.

هم زمان با پایان این جنگ ها و آغاز دوره آرامش، دگرگونی هایی در اروپا و آسیا روی داد. صلاح الدین ایوبی پس از این جنگ ها درگذشت و ریچارد شیردل که بانی اساسی آغاز مرحله سوم جنگ های صلیبی بود، گرفتار زندان شد.

صلاح الدین در صبح جمعه ۱۵ صفر ۵۸۹ ه .ق هم چون سال های گذشته، به پیشواز قافله حج رفت و پس از چند روز، در صبح دم ۲۷ صفر از دنیا رفت. وی انسانی مؤمن و متعهد بود و پیش از گرفتن تصمیم های مهم به نماز و دعا پناه می برد. بارها او را دیده بودند که تمام مدت شب را در مسجدالاقصی به عبادت و به تفکر می گذرانید. صلاح الدین همواره پس از اذان صبح به مسجدالاقصی می رفت و به نماز و راز و نیاز می ایستاد. وی پیش از ادای نماز صبح، وضو می گرفت و مخفیانه صدقه می داد. پس از آن، در حال سجده، دعاهایی می خواند و نماز صبح اقامه می کرد. وی همواره از خدا یاری می خواست و به ناتوانی خود در انجام وظیفه اقرار می کرد.(۱)

گفتنی است درباره سجایای اخلاقی این امیر مسلمان در کتاب های تاریخی نکته های بسیاری نوشته اند.

۱- صلاح الدین ایوبی، صص ۵۲۵ _ ۵۲۶.

ص:۸۵

فصل چهارم: مرحله چهارم جنگ های صلیبی

اشاره

فصل چهارم: مرحله چهارم جنگ های صلیبی

این مرحله از جنگ های صلیبی متفاوت از دوره های پیشین روی داد. البته این مرحله از جنگ ها نیز نخست با هدف جنگ با مسلمانان آغاز شد، ولی سرانجام بر خلاف انگیزه اصلی سران صلیبی، به جنگ مسیحیان علیه مسیحیان انجامید. با خواندن این فصل به چند نکته زیر دست می یابیم.

۱ ـ انگیزه حقیقی مسیحیان از جنگ با مسلمانان؛

۲ ـ جنبه های زشت اخلاقی و فکری مسیحیان؛

۳ ـ میزان دل بستگی های معنوی و دینی صلیبیان و ارتباط دینی آن ها با دستگاه پاپ و روحانیت مسیحی؛

۴ ـ طرز تفکر نادرست و واپس گرایانه کلیسا و انگیزه های عوام فریبانه روحانیان مسیحی.

زمینه های آغاز مرحله چهارم جنگ های صلیبی

زمینه های آغاز مرحله چهارم جنگ های صلیبی

همان گونه که بارها گفته ایم، علت اصلی لشکرکشی های صلیبیان به قلمرو مسلمانان، نه دین و مذهب، بلکه حرص و طمع افسارگسیخته و روزافزون آن ها بود. پاپ و روحانیان مسیحی در به دست آوردن سرمایه های دنیایی بیش از دیگران می کوشیدند، در حالی که الگوی مردمان فقیر و تهی دست به شمار می رفتند. دگرگونی هایی که پس از جنگ های صلیبی در سوریه و

قلمروهـای اسـلامی روی داد، می توانست محرّک جدّی در برانگیخته شـدن انگیزه هـای طمع کـارانه اروپاییان باشـد. پس از صلاح الدین ایوبی، جانشـینانش، قلمرو او را تقسـیم کرده و به درگیری با یکدیگر مشغول بودند. تصور این شرایط سبب شده بود که بار دیگر اروپاییان به فکر توسعه طلبی در سرزمین های اسلامی بیافتند. دگرگونی هایی که هم زمان در اروپا روی می داد، زمینه بروز انگیزه کافی را برای یک حرکت صلیبی دیگر فراهم می آورد.

اینوسان سوم در اوت ۱۱۹۸ م. (شوال ۵۹۴ ه .ق) مقام پاپی را به دست آورد. وی بر این باور بود که مقام پاپی از قـدرت های دنیـایی برتر است و بایـد پـاپ نوعی پادشـاه روحـانی باشـد. وی که شخصـی جـاه طلب بود، آرزو داشت که در جنـگ هـای صلیبی، نقش اساسـی داشـته باشـد و تنها به نقش دعوت کنندگی و تشویق کردن بسـنده نکند. از این رو، معتقد بود در جنگ صلیبی چهارم شاهان اروپایی نباید شـرکت کنند، بلکه تنها توده های مردم به همراه فئودال ها و شوالیه ها باید شـرکت بجویند و به طور کامل زیر نظر پاپ اداره شوند.(۱)

پاپ اینوسان با روحیه جاه طلبانه ای که داشت، دسـتگاه کلیسای ارتدوکسـی را در شرق که مرکز آن قسطنطنیه بود، تاب نمی آورد.(۲) از این رو، وی برای به زیر یوغ کشیدن کلیسای ارتدوکس، راهی جز زور شمشیر نداشت، ولی آشکارا نمی توانست علیه کلیسای ارتدوکس دستور جهاد صادر کند. بنابراین، باید به بهانه جنگ های صلیبی، سپاهی را بسیج می کرد

۱- جنگ های صلیبی هانس مایر، ص ۲۱۹.

۲- جنگ های صلیبی هانس مایر، ص ۲۳۱.

تا در مسیر حرکت به شرق، تکلیف کلیسای ارتدوکس را هم یکسره کند. به احتمال زیاد، پاپ از آن رو خواهان یک جنگ صلیبی دیگر بود که صلیبی ها بتوانند مصر را اشغال کنند و سپس آن را با بیت المقدس معاوضه کنند.(۱)

پاپ در سال ۱۱۹۸ م. (۵۹۵ ه . ق) یعنی شش سال پس از صلح صلاح الدین و صلیبیان، نامه هایی نزد بزرگان اروپا فرستاد و آن ها را برای شرکت در یک جنگ صلیبی بزرگ فرا خواند. گفتنی است پیش از این حرکت، زمینه های چنین جنگی نزد بعضی از کنت ها و فئودال های اروپا فراهم شده بود. فولک و پطروس نمایندگان پاپ در اروپا بودند تا مردم و رجال مسیحی را به شرکت در جنگ صلیبی برانگیزانند. فولک خطیبی زبردست بود و داشتن چهره ای زیبا و آراسته بر اثرگذاری هرچه بیش تر سخنانش افزوده بود. وی که بر مبنای اخلاقی سخن می راند، می کوشید فقیران مسیحی را به جنگ صلیبی بکشاند. او در کنار مسیح، پولس رسول ـ مسیحی فروتن، فقیر و رنجور ـ را به عنوان الگوی رفتاری برگزید و به جای عیسای مسیح، بر عیسای مصلوب، برهنه و بی دفاع تأکید کرد!(۲)

فولک به درخواست پاپ، در فرانسه می گشت و مردم روستاها را به جهاد تشویق می کرد. در آلمان نیز راهب پیری به نام مارتین، مردم را علیه مسلمانان و شرکت در جنگ صلیبی می شوراند. سخنان این روحانیان فرصتی به مردمان فقیر اروپا داد تا از فقر خود رهایی یابند. رانسیمان می گوید:

انگیزه این سربازان، نه غیرت و صفای مذهبی، بلکه شوق دست یابی به

۱- تاریخ جنگ های صلیبی، رنه گروسه، ص ۲۹۴.

۲- جنگ های صلیبی هانس مایر، ص ۲۳۱.

سرزمین های جدیدی بود که از دسترس سلطان فیلیپ آگوست بیرون بود.(۱)

در کنار این عوامل، علاقه شخصی تیبالد کنت شامپانی را برای آغاز جنگ های صلیبی نباید نادیده گرفت. وی خواهرزاده ریچارد شیردل و برادرزاده فیلیپ آگوست و برادر کنت هانری، حاکم پیشین فلسطین بود.(۲) او می کوشید تا با تشکیل سپاهی بزرگ، مرحله جدیدی از جنگ های صلیبی را آغاز کند. او برای این هدف، حتی روحانیان را به ایجاد سپاهی برای آغاز جنگ های صلیبی تشویق می کرد. به همین دلیل، شرکت کنندگان در این جنگ صلیبی، تیبالد را به فرماندهی خود برگزیدند.

حرکت سپاه صلیبی برای آغاز مرحله چهارم جنگ های صلیبی

حرکت سپاه صلیبی برای آغاز مرحله چهارم جنگ های صلیبی

پس از آن که بسیاری از اشراف فرانسه و اربابان مسیحی به جرگه هواداران جنگ های صلیبی پیوستند، تیبالد را به فرماندهی خود برگزیدند. آن ها گروهی را با هدف بستن قراردادی برای عبور سپاه از یک بندر بازرگانی، به ایتالیا فرستادند. بر اساس قراردادی که با نریکوداندولو، رئیس جمهور ونیز بسته شد، قرار شد که ونیز جابه جایی و تغذیه یک ساله ۴۵۰۰ نجیب زاده، ۹۰۰۰ شوالیه و ۲۰۰۰۰ سرباز پیاده را تدارک ببیند و با وارد کردن ۵۰ کشتی جنگی، نقش برجسته ای در جنگ صلیبی داشته باشد. هزینه این کار، ۸۵۰۰۰ مارک نقره تعیین شد که در چهار قسط باید پرداخت می شد.

هنگامی که نمایندگان به فرانسه بازگشتند، تیبالد، فرمانده قشون صلیبی،

۱- تاریخ جنگ های صلیبی رانسیمان، ج ۳، صص ۱۳۴ _ ۱۳۵.

۲- تاریخ جنگ های صلیبی رانسیمان، ج ۳، ص ۱۳۱.

در گذشته بود. از این رو، در تاریخ ژوئن ۱۲۰۱ م. (رمضان ۵۹۷ ه . ق) نشستی از سران در سوآسون تشکیل شد که در آن بارون ها، شخصی به نام مارکی بونیفاس مونتفراتی را به فرماندهی خود برگزیدند. بونیفاس در کلیسای ماری از دست فولک مقدس، نماینده پاپ، صلیب گرفت. وی با سپاهش از مسیر کوه های آلپ وارد ونیز شد. داندولو، تمام ۸۵۰۰۰ سکه قرارداد شده را یک جا خواست، ولی آن ها نتوانستند همه آن را یک جا پرداخت کنند. داندولو پیشنهاد کرد چنان چه سپاه صلیبی ونیز را در بازپس گیری بندر زارا که پادشاه مجارستان آن را تصرف کرده بود، یاری کنند، ونیز هم به آن ها فرصت خواهد داد تا پس از حمله به قلمرو مسلمانان، دِین خود را بپردازند.

این پیشنهاد برای سپاه صلیبی پیش بینی نشده بود؛ زیرا آن ها با هدف تسخیر بیت المقدس و رهایی آن از دست مسلمانان حرکت کرده بودند. حال با این پیشنهاد آن ها می بایست با هم کیشان خود بجنگند. پذیرش این پیشنهاد سخت بود، ولی حرص بی پایان برای به دست آوردن ثروت و سرمایه ونیز ناچاری آن ها، سبب شد تا این پیشنهاد را بپذیرند. پاپ با آگاهی از این تصمیم صلیبی ها، با آن مخالفت کرد، ولی کسی به مخالفت پاپ توجهی نداشت.

نیروهای صلیبی به همراه ارتش ونیز، به سوی زارا حرکت کرد. آن ها پس از دو هفته محاصره شهر، وقتی ایستادگی مردمان شهر درهم شکست، آن جا را در ۲۴ نوامبر ۱۲۰۲ م. (۷ ربیع الاول ۵۹۹ ه . ق) بازپس گرفتند. صلیبی ها دارایی های مردمان شهر را غارت و آن را با ونیزی ها تقسیم کردند. پاپ نخست این کار صلیبی ها را محکوم و فاتحان صلیبی را تکفیر کرد،

ولی صلیبی ها نماینده ای به نزد پاپ فرستادند و او را به بخشش سپاهیان صلیبی راضی کردند. پاپ از آن ها خواست که دارایی های غارت شده را به صاحبان اصلی شان بازگردانند، ولی هیچ کس بدان عمل نکرد.

با رسیدن فصل زمستان، صلیبی ها تصمیم گرفتند که زمستان را در زارا بمانند و در فصل بهار به سوی جنگ با مسلمانان رهسپار شوند. در هنگام اقامت صلیبی ها در زارا، آلکسی چهارم که مدعی تاج و تخت از دست رفته پدرش در قسطنطنیه بود، نزد سران صلیبی آمد و از آن ها خواست که حکومت قسطنطنیه را نیز به او باز گردانند. در مقابل، وی وعده داد که دویست هزار مارک به صلیبی ها بپردازد و کلیسای ارتدوکس قسطنطنیه را نیز به اطاعت از کلیسای لاتین وادار سازد. هم چنین او تعهد کرد که ده هزار نفر را به همراه صلیبی ها به جنگ مسلمانان بفرستد. صلیبی ها از این پیشنهاد استقبال کردند.

سپاه صلیبی بدون توجه به مخالفت های پاپ و برخی فرماندهان صلیبی، به درخواست آلکسی به سمت قسطنطنیه حرکت کرد. ناوگان صلیبی ها در ۲۴ ژوئن ۱۲۰۳ م. (۱۲ شوال ۵۹۹ ه . ق) در نزدیکی قسطنطنیه اردو زد. امپراتور الکسی سوم که بر قسطنطنیه حکمرانی می کرد، هدف آن ها را از این اردوکشی جویا شد. بنیفاس، فرمانده صلیبی ها پاسخ داد ما برای بازپس گیری حق الکسی چهارم آمده ایم. او به امپراتور پیشنهاد کرد که حکومت را به الکسی بسپارد، ولی الکسی سوم نپذیرفت و آماده دفاع شد.

قسطنطنیه برای یک دفاع جدی در برابر سپاه صلیبی آمادگی کافی نداشت. ارتش آن جا هنوز از زیر بار خسارت های وارده بر حکومت مانوئل کمر راست نکرده بود و همه سربازان آن مزدور بودند. هنگ سربازان

فرنگی در چنین موقعیّتی قابل اعتماد نبود. برخی دیگر از سربازان، مانند اسلاوها نیز تا زمانی قابل اعتماد بودند که مزد کافی دریافت می کردند. مردم قسطنطنیه نیز چون الکسی سوم را بی لیاقت و اشغالگر می دانستند، به ماندن او علاقه ای نداشتند.

به هر حال، جنگ روی داد. قسطنطنیه به محاصره کامل صلیبی ها درآمد. شهر در روزهای نخست جنگ، به سختی ایستادگی می کرد، ولی وقتی الکسی سوم احساس کرد که پایداری بی فایده است، گریخت. مردم شهر، ایزاک نابینا، امپراتور پیشین (پدر الکسی چهارم) را که در زندان به سر می برد، از بند رهانیده و به رهبری خود برگزیدند. سپس به صلیبی ها پیام فرستادند که دیگر به ادامه جنگ نیازی نیست؛ چون پدر الکسی چهارم امپراتور شده است. صلیبی ها ایزاک را وادارکردند که پسرش را به عنوان شریک در حکومت بپذیرد. پس از آن، دروازه های قسطنطنیه را به روی سپاهیان صلیبی گشودند. صلیبی ها از ایزاک و الکسی خواستند که به و عده هایشان عمل کنند، ولی چون الکسی سوم هنگام فرار خزانه حکومتی شهر را خالی کرده و با خود برده بود، امپراتوران جدید مالیات های جدیدی بر مردم شهر بست که این امر به نارضایتی مردم از امپراتوران دست نشانده انجامید.

رفت و آمد آزادانه سربازان صلیبی در شهر که از نظر مردم قسطنطنیه انسان های وحشی و بی تمدنی بودند و شهرها و روستاها را چپاول می کردند، موجب نارضایتی هرچه بیش تر مردم می شد. پس از ورود به شهر، سربازان صلیبی به معبد کلیمیان رفته و آن را پس از غارت، به آتش کشیدند. آتش به جاهای دیگر شهر هم سرایت کرد، به گونه ای که نزدیک

بود تمامی شـهر در آتش بسوزد. این امر نیز بر نارضایتی بیش تر مردم از حاکمان جدیـد افزود. این عوامل سـبب شد که مردم خشـمگین قسـطنطنیه دست به شورش همگانی بزنند. آن ها ایزاک و الکسـی را از سـلطنت برکنار کردند و داماد الکسی سوم، موروزفلا را که فرد لایقی بود، به امپراتوری برگزیدند. در این هنگام، صـلیبی ها تصمیم گرفتند که شهر را کاملاً غارت کنند. از ایــن رو، در ۱۲ آوریل ۱۲۰۴ م. کنـترل شـهر را به دست گرفتنـد و به مـدت سه روز بی رحمـانه در شـهر به قتـل و غـارت پرداختند. بدین ترتیب، شهر با شکوهی چون قسطنطنیه در آستانه ویرانی قرار گرفت.

ویل دورانت به نقل از ویلاردوئن درباره عظمت این شهر می نویسد:

آن هایی که هرگز قسـطنطنیه را ندیده بودند، با ورود به شـهر شـگفت زده می شدند؛ زیرا باور نمی کردند که در تمام جهان، شهری به باشـکوهی و ثروتمندی قسـطنطنیه باشد. آن جا شهری با دیوارهای بلند وبرج های استوار بود که کاخ هایی شاهانه و کلیساهایی پرشـکوه داشت. شمار این گونه بناها به قدری زیاد بود که اگر کسی آن ها را به چشم نمی دید، نمی توانست باور کند. طول و عرض این شهر از همه شهرهای دیگر جهان بیش تر بود.

مایر در کتابش درباره چگونگی غارت این شهر به وسیله صلیبی ها و حتی روحانیان مسیحی می نویسد:

آثار هنری منحصر به فردی در شهر وجود داشت که با یورش سربازان وحشی صلیبی نابود شدند. در چپاول شهر، حتی راهبان مسـیحی نیز فعالانه شـرکت داشـتند. مارتین راهب تهدیـد کرد چنان چه گنجینه آثاری را که بیش از تمام گنجینه های یونان، وی را تحت تأثیر قرار داده است، به او ندهنـد، کشیشـی از کلیسای پانتوکراتور را خواهـد کشت. ابن راهب با شـتاب زدگی و آزمندانه گنجینه ها و غنیمت های بسیاری را به وسیله کشتی به اروپا فرستاد.

فرانسوی ها و فلاندری ها که نسبت به ونیزی ها، تمدن پایین تری داشتند، در غارت و ویرانی شهر وحشیانه تر عمل می کردند. آن ها به خانه ها می ریختند و هر چیز با ارزشی را با خود می بردند و آن چه را که نمی توانستند ببرند، نابود می کردند. رانسیمان می گوید:

آنان تنها وقتی از ویرانگری و چپاول دست می کشیدند که به نوشیدن شراب و تجاوز به عنف می پرداختند. صلیبی ها تمام کتاب خانه ها، دیرها و کلیساها را ویران کردند.

سربازان در کلیسای سن صوفیا، کتاب های مقدس و پیکرهای قدسان را زیر پا گذاشته و پرده های ابریشمی کلیسا را به پایین کشیدند. آنان آویزهای محراب را که به شمایل قدیسان مصور بود، قطعه قطعه کرده، با خود بردند. سربازان صلیبی از راهبه های گوشه نشین در کنج صومعه ها، پرده عفت دریدند. در کوچه ها و گذرگاه های شهر، هرکه را می دیدند، می کشتند. خانه ها را آتش زده و دارایی های مردم را می ربودند. وقتی زنان اشراف قسطنطنیه احساس خطر کردند، به کلیسای سنت صوفی پناهنده شدند. اسقف های کلیسا در حالی که انجیل ها را بر روی دست گرفته بودند، در جلو ساختمان کلیسا صف کشیده و با کرنش و زاری امان می خواستند، ولی صلیبی ها انجیل ها را واپس زده و به زور وارد کلیسا شدند. آنان تمامی پناهندگان به کلیسا را سر بریدند، اشیای قیمتی را ربودند و کلیسا را به آتش کشیدند. صلیبی ها حتی قبرهای امپراتوران و رجال قسطنطنیه را شکافتند و اشیای قیمتی آن ها را دزدیدند. شهروندان پیوسته گرفتار شکنجه صلیبی ها بودند تا اشیای قیمتی شان را به آن ها بدهند.

صلیبی ها پس از این قتل و غارت، بودئن کنت فلاندر را از سلطنت

قسطنطنیه بر کنار و سرزمین های اطراف شهر را میان خود قسمت کردند. آنان نزدیک به نیم قرن بر این منطقه حکم راندند، ولی نه آن منطقه برای همیشه فرنگی و صلیبی باقی ماند و نه کلیساهای آن جا پیرو کلیسای لاتین شدند. حتی برخلاف گذشته که اندک اعتمادی به کلیسای لاتین نزد کلیسای شرقی مانده بود، با عملکردهای وحشیانه مسیحیان پاپ در قلمرو مسیحیان ارتدوکس، دیگر اعتماد و اعتباری برای مسیحیان لاتین نزد مسیحیان شرق باقی نماند.(۱)

سرانجام مرحله چهارم جنگ های صلیبی

سرانجام مرحله چهارم جنگ های صلیبی

سربازان صلیبی که برای جنگ با مسلمانان آمده بودند، با غارت مسیحیان شهرهای زارا و قسطنطنیه، دیگر آرزویی نداشتند. از این رو، بسیاری از آن ها در قسطنطنیه برای خود زمین و خانه تصرف کرده و مقیم شدند.

این رویداد و ناکامی های پیشین صلیبی ها در جنگ های صلیبی این تصور را تقویت کرد که ناکامی جنگ جویان صلیبی به دلیل گناه کار بودن آن ها بوده است. از این رو، برخی معتقد شدند که تنها کسانی می توانند بیت المقدس را آزاد کنند که از گناه پاک باشند و آن ها جز کودکان نیستند. با گسترش یافتن این تصور در اروپا، مدعیانی پیدا شدند که بسیج کودکان اروپایی را برای آزادسازی بیت المقدس خواستار شدند.

کودکان اروپا به رهبری کودکی به نام نیکولا به سمت ایتالیا به راه

۱- تاریخ جنگ های صلیبی رانسیمان، ج ۳، صص ۱۳۲ _ ۱۵۸؛ جنگ های صلیبی هانس ابرهارد مایر، صص ۲۱۹ _ ۲۲۹؛ تاریخ تمدن، عصر ایمان (بخش دوم)، ویل دورانت، برگردان: ابوالقاسم طاهری، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، صص ۸۰۸ _ ۸۰۹.

افتادند. وی مدعی شده بود حضرت مسیح علیه السلام را در خواب دیده است که به او دستور داده تا کودکان را بسیج کند تا بیت المقدس را آزاد سازند. هزاران کودک از خانه ها گریخته و به آن ها پیوستند. بیش تر آن ها از فرانسه بودند که از کوه های آلپ گذشته و به ژنوا رسیدند. در آن جا همه، آنان را مسخره می کردند. پاپ نیز آنان را تشویق کرد تا به خانه هایشان بازگردند. بسیاری از کودکان در مسیر حرکت در اثر گرسنگی و بیماری و حمله جانوران درنده از میان رفتند. برخی به وطن خود بازگشتند و برخی دیگر، در شهرهای ایتالیا باقی ماندند. در مرحله ای دیگر از جنگ های صلیبی، کودکان سوار هفت کشتی شدند تا به آسیا بروند. از میان آن ها دو کشتی غرق شد و تمامی سرنشینان آن ها جان خود را از دست دادند. پنج کشتی دیگر به مصر و شمال آفریقا رفتند. در آن جا صاحبان کشتی ها، کودکان بیچاره را به تاجران برده فروختند.(۱)

بدین ترتیب، پرونده چهارمین مرحله از جنگ صلیبی نیز بسته شد و جنگ صلیب علیه هلال، به جنگ صلیب با صلیب انجامید. در واقع، چنان چه بارها گفته شد مفاهیم مقدسی چون صلیب، مسیح، دین و بیت المقدس و...، جز بهانه ای برای برآوردن نیازهای مادی و دنیایی صلیبی ها نبوده است. آنان به این بهانه می خواستند به رفاه و ثروتی که در شرق بود، دست یابند و فقر و تهی دستی خود را جبران کنند. جنگ های صلیبی چیزی جز فرصت طلبی فئودال ها، پادشاهان و روحانیان مسیحی برای سیطره بر منابع ثروت شرق اسلامی نبود. وقتی عملکرد صلیبی ها را در چندین مرحله

۱- جنگ های صلیبی مایر، صص ۲۴۲ _ ۲۴۳؛ تاریخ تمدن، ج ۴، صص ۸۱۱ _ ۸۱۲.

جنگ علیه مسلمانان و حتی گاه علیه مسیحیان بررسی می کنیم، بر شگفتی انسان افزوده می شود؛ زیرا جنایت های وحشیانه آن ها علیه هم نژادها و هم کیشان خود، هیچ توجیه عقلانی و انسانی نداشت.

به خوبی روشن است که هدف شرکت کنندگان در جنگ های صلیبی، تنها چپاول ثروت های دیگران و پاسخ گویی به حس توسعه طلبی و خواهش های شهوانی و نفسانی بوده است؛ زیرا وقتی این نیازها در قسطنطنیه برآورده شد، دیگر لشکرکشی طولانی و درازمدت به شرق صورت نگرفت. ثروتی که آن ها در قسطنطنیه به دست آوردند، در شهرهای آسیایی وجود نداشت. هم چنین سرزمین های سرسبز و آبادی را که در بالکان به دست آوردند، در قلمرو مسلمانان یافت نمی شد. از این رو، دیگر برای لشکرکشی به قلمرو مسلمانان نیازی احساس نکردند.

فصل پنجم: مرحله پنجم جنگ های صلیبی

اشاره

فصل پنجم: مرحله پنجم جنگ های صلیبی

زیر فصل ها

زمینه های آغاز

زمینه های آغاز

پیش بینی می شد که نتیجه مرحله چهارم جنگ های صلیبی، از پیدایش هرگونه جنگ دیگری از سوی پاپ و مسیحیان اروپا جلوگیری کند، ولی چنین نشد؛ چون نتیجه جنگ چهارم، هم برای پاپ و هم برای صلیبی های شرکت کننده در جنگ سودمند بود. صلیبی ها به هدف اصلی خود؛ یعنی غارت و چپاول ثروت های دیگران رسیده بودند و پاپ نیز توانسته بود استقلال کلیسای ارتدوکس را از میان ببرد. بنابراین، فرصت مناسبی برای تجاوز به قلمرو اسلامی در شرق، پیش آمده بود.

پاپ اینوسان سوم که فردی قدرت خواه بود، می کوشید تا دنیای یکپارچه مسیحی زیر فرمان خود را برای تصرف شرق اسلامی به سوریه و مصر رهسپار کند. از سوی دیگر، طمع صلیبی هایی که در مرحله چهارم جنگ، غنیمت های فراوان به دست آورده بودند، فروکش نکرده، بلکه شوق آنان به غارت و چپاول بیش تر شده بود. آن هایی نیز که در مرحله چهارم به هر علتی شرکت نداشتند، در انتظار جنگ دیگری بودند تا سرمایه ای به هم بزنند.

مرحله پنجم جنگ های صلیبی با حمله مغول ها به قلمروهای اسلامی

هم زمان است. چنگیزخان مغول در سال ۶۱۶ ه . ق، به مرزهای شرقی ایران لشکرکشی کرد. اگرچه این یورش گسترده مغول ها، به زودی نمی توانست به سود صلیبی ها باشد، ولی می توانست مسلمانان را متوجه آن خطر کند و در درازمدت با رسیدن مغول ها به مرزهای غربی سرزمین های اسلامی، به نفع صلیبی ها تمام شود. مغول ها و به ویژه خان ها و ایلخانان، نسبت به مسیحیان بسیار خوش بین تر از دیگران بودند. این که آیا صلیبی ها در برانگیختن مغول ها برای حمله به قلمروهای اسلامی دست داشته اند یا نه، روشن نیست، ولی از روابط مثبتی که بعدها میان کشورها و ملت های مسیحی با مغول ها به وجود آمد، این احتمال قوی تر شد.(۱)

پس از مرگ صلاح الدین ایوبی، قلمرو وی میان پسران و برادرش تقسیم شد. العادل، برادر صلاح الدین، توانسته بود قلمروش را از سوریه به مصر گسترش دهد و بخش های پهناوری از قلمرو صلاح الدین را به ارث ببرد. او از سال ۵۹۶ تا ۶۱۵ ه . ق حکومت کرد و در این مدت توانست روابط حساب شده ای با سلاجقه و صلیبی ها برقرار کند، ولی پس از مرگ وی، امپراتوری ایوبی میان پسرانش تقسیم شد. در پی آن، طمع صلیبی های آسیا و اروپا برای تصرف بیت المقدس و دیگر سرزمین های اسلامی طغیان کرد. از سوی دیگر،کیکاووس عزالدین سلجوقی با استفاده از فرصت،

۱- اشپولر (Spuler) در کتابش می نویسد: «پیوسته چهار تن کشیش در محضر وی گیوک، جانشین چنگیز بودند و نیز دستور داده بود که در تربیت کشیشان بکوشند... . مسیحیان از کشورهای اسلامی و حتی روسیه دسته دسته به اردوی قاآن روانه شدند. در مشرق زمین میان پیروان ستم دیده این دین، امید ریشه دوانید و مغرب زمین نیز از نو متوجه خاور شد». (تاریخ مغول در ایران، برتولد اشپولر، برگردان: محمود میرآفتاب، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵، ص ۲۰۵.

تصـمیم گرفت قلمروش را در آنـاطولی به سـمت حلب و بین النهرین گسترش دهـد. از این رو، برای اتحاد با صـلیبی ها علاقه نشان داد تا از دو سو به ایوبیان حمله کند.(۱)

یکی دیگر از عوامل آغاز این مرحله از جنگ های صـلیبی، مانند گذشـته، طمع پاپ و شاهان مسـیحی در افزودن مالیات های سنگین بر مردم به بهانه به راه انداختن جنگ های صـلیبی بود. در این راستا، شاهان نیز برای این که در گردآوری مالیات های بیش تر، بهـانه ای داشـته باشـند، در این مرحله از جنـگ هـای صـلیبی قول همکـاری دادنـد. چنـان چه پـاپ می خواست یک شورش یا یک پادشاه یاغی را سرکوب کند، به سبب مشکلات مالی و نظامی، ناگزیر شعار جنگ های صلیبی را سر می داد تا به بهانه آن، از مردم مالیات های دیگر دریافت کند و هزینه لشکرکشـی شخصـی خود را فراهم آورد.(۲) همان گونه که پیش تر نیز گفتیم، پاپ برای این که اقتـدار خود را بر کلیسای ارتدوکس اثبات کند، شـعار جنگ های صـلیبی داد و به هدف خود رسید.

در این مـدت، دگرگونی هایی در شـهرهای صـلیبی نشـین آسـیا رخ داد. در اورشـلیم، ژان برینی که به همسـری ملکه ماریا ــ وارث پادشاهی اورشـلیم ــ درآمده بود، با مرگ همسرش، پادشاهی اش را رو به زوال می دید. وی پس از مرگ ملکه، دختر لئوی دوم ــ پادشاه ارمنستان ــ را به همسری برگزید.

۱- جنگ های صلیبی هانس مایر، ص ۲۵۱؛ هم چنین درباره عزالدین کیکاوس سلجوقی و جنگ ها و مناسبات او نک: اخبار سلاجقه روم، امیر ناصرالدین حسین بن محمد مشهور به ابن بی بی، به اهتمام: محمدجواد مشکور، ص ۹۵.
۲- جنگ های صلیبی هانس مایر، ص ۲۴۸.

چیزی نگذشت که لئو، انطاکیه را نیز بر قلمرو خود افزود. بدین ترتیب، این پدر و داماد که آرزوهایی برای آینده خود داشتند، به وضعیت صلح در سوریه خشنود نبودند و می کوشیدند فرنگیان اروپا را به لشکرکشی علیه مسلمانان تشویق کنند.(۱)

سرانجام مصیبت باری که بر سر کودکان مسیحی در مرحله ای از جنگ های صلیبی پیش آمده بود، در شوراندن مردم برای یک جنگ صلیبی دیگر مؤثر بود. حرکت هزاران نفری کودکان مسیحی، پاپ را مطمئن ساخت که او هنوز به طور جدی در میان مردم محبوب است و هنوز می تواند از این ذخیره برای برپایی جنگی دیگر بهره گیرد.

شرایط به وجود آمده در اروپا این امیدواری را در پاپ ایجاد کرده بود که بتواند پادشاهان بزرگ اروپا، مانند شاهان فرانسه و انگلستان را به شرکت در جنگ صلیبی برانگیزد و آن ها هم از وی پیروی کنند. جنگ طولانی مدت فرانسه و انگلستان در سال ۶۱۱ ه .ق، به پایان رسیده بود و جنگ مدعیان پادشاهی درآلمان؛ یعنی بین فردریک دوم و ولف اتو چهارم نیز پایان یافته بود.(۲)

در سال ۱۲۱۵ م. (۶۱۲ ه . ق) پاپ مجمعی در قصر ژان دولاـتران شهر رم برپا کرد. در این مجمع، همه روحانیان بلندپایه کاتولیک و ارتدوکس به اطاعت از پاپ شرکت داشتند. در این میان، فردریک دوم امپراتور آلمان؛ فیلیپ آگوست پادشاه فرانسه؛ ژان ساتر، پادشاه انگلستان و نیز آندره دوم، پادشاه مجارستان حضور داشتند. پاپ در سخنانی تند و برانگیزانند، از

۱- تاریخ جنگ های صلیبی استیون رانسیمان، صص ۱۶۲ _ ۱۶۸.

۲- جنگ های صلیبی هانس مایر، صص ۲۴۵ _ ۲۴۶.

حاضـران خواست تا برای رهایی دولت صـلیبی و آزادسازی بیت المقدس، جنگ صـلیبی دیگری را ترتیب دهند. شورا مزایا و آزادی عمل نیروهای صلیبی و نیز چگونگی فراهم آوردن هزینه سپاه را با شتاب زدگی تصویب کرد.(۱)

پاپ پیش از این مجمع، کسانی را به شـهرهای صـلیبی آسـیا فرسـتاد تا توده های مسـیحی را به شرکت در جنگ صلیبی جدید تشویق کنـد و زمینه را برای لشکرکشـی صـلیبی ها فراهم کند. شاید علت این رفتار سیاسـی پاپ این بود که ساکنان شـهرهای صلیبی آسـیا به دلیـل برخورداری از نعمت هـای مادی فراوان، بیش تر خواسـتار امنیت و صـلح بودنـد. از این رو، بایـد آنان را برای جنگ می شوراند.(۲)

صلیبی های آسیا در صلح به سر می بردند و به آغاز دوباره جنگ های صلیبی علاقه ای نداشتند. از این رو، روشن بود که آن چه پاپ در مجمع گفته بود، بی مبناودلیل بود و برای برانگیختن عواطف حاضران صورت می گرفت.

هم چنین در مجمع لاتران قرار شد که کشـیشان شـرکت کننده در جنگ صلیبی از برخی تعهدهای خویش معاف شوند. بدین معنی که وقتی به جنگ صـلیبی رهسـپار شدنـد، می توانسـتند درآمدهای خود را دریافت دارند. همه اسـقف ها باید بر اجرای دقیق تعهدهای مربوط به جنگ صلیبی نظارت می کردند. آن ها در صورت لزوم می توانستند دیگران را تکفیر یا حتی

۱- تاریخ جنگ های صلیبی رانسیمان، ج ۳، ص ۱۷۵؛ الحروب الصلیبیه، سالم محمدالحمیده، ج ۴، طباعه و نشر، عراق، ۱۹۹۴ م، ص ۲۰۲.

۲- تاریخ جنگ های صلیبی رنه گروسه، ص ۲۹۹؛ الحروب الصلیبیه، ص ۲۰۲.

بازداشت کنند. هر مردی که به جنگ نمی رفت، باید دست کم به مدت سه سال دیگران را تجهیز می کرد.

چون راه دریایی تنها راه ممکن برای یک لشکرکشی بزرگ به شرق در نظر گرفته شده بود، به سازندگان کشتی، امتیازهای ویژه ای داده شد. خود پاپ پرداخت ۳۰۰۰۰ پوند نقره را برای جنگ صلیبی پذیرفت. برای بازپرداخت این مبلغ، مالیاتی سه ساله در نظر گرفتند که ۲۰۱ آن از درآمد روحانیان و ۱۰۱ آن نیز از درآمد کاردینال ها بود. آنانی که کالای مهم به عرب های مسلمان می فروختند، به تکفیر و مصادره اموال تهدید شدند و قرار شد کسانی که به مسلمانان کمک بکنند، به بردگی درآیند. برای اطمینان از در اختیار داشتن کشتی های مورد نیاز، بازرگانی به شرق نزدیک، به مدت ۴ سال، ممنوع شد. تمام صلیبی ها از مالیات معاف شدند و تا زمان بازگشت در پرتو عنایت پاپی قرار گرفتند.(۱)

پس از این شورا، سخن گویان و مبلغان کلیسا در سراسر اروپا به راه افتادند و مردم را برای شرکت در جنگ فرا خواندند. مجتهدان دانشگاه پاریس فتوا دادند که هرکس صلیب بگیرد و آن گاه پیمان شکنی کند، گناه کبیره مرتکب شده است. با این رفتارها، شاهان اروپایی و مردمان فقیر و بینوایان برای شرکت در جنگی دیگر آماده شدند.(۲)

پیش از شروع جنگ، پاپ اینوسان در ۱۲۱۶ م درگذشت و پاپ انوریوس به جای او نشست. پاپ جدید با شور و علاقه برنامه های پاپ پیشین را پی گرفت. وی به ژان، پادشاه عکا، خبر داد که مجاهدان به زودی خواهند رسید. انوریوس به پادشاهان اروپا نامه نوشت، ولی شماری از آنان

۱- جنگ های صلیبی هانس مایر، صص ۲۴۷ _ ۲۴۸.

۲- تاریخ جنگ های صلیبی، رانسیمان، ج ۳، صص ۱۷۸ _ ۱۷۹.

پاسخ مثبت دادند. رانسیمان درباره پادشاه مجارستان می نویسد:

او نیز شور نشان داد، ولی انگیزه اش یکسره جهاد نبود. ملکه او از طرف مادر، خواهرزاده هانری، امپراتور لاتین قسطنطنیه بود که فرزندی نداشت و آندره به میراث وی دل بسته بود.(۱)

چگونگی آغاز پنجمین مرحله جنگ های صلیبی

چگونگی آغاز پنجمین مرحله جنگ های صلیبی

در میان پادشاهان اروپایی، پادشاه مجارستان زودتر از دیگران آماده حرکت به شرق شد. آندره، پادشاه مجارستان، با سپاهیانش در ۱۲۱۷ م. (۶۱۴ ه . ق) به شهر اسپالاتو در دالماثی رسید. در آن جا، لئوپلد، دوک اتریش، با سپاهیانش به او پیوست. دوک لئوپلد دوهفته زودتر از آندره به سوی عکا حرکت کرد. او شانزده روز در دریا در حال مسافرت بود، ولی چون آندره کشتی کافی در اختیار نداشت، تنها بخشی از سپاهیانش را با خود برد.(۲) آندره و دوک اتریش و پادشاه قبرس که در راه به آن ها پیوسته بودند، در عکا که یوحنا کنت برینی پادشاه آن بود، گردهم آمدند.

ورود این همه لشکر به عکا، آن جا را بیش تر گرفتار قحطی کرد. از این رو، حاکم عکا دیگران را نیز تشویق کرد که هرچه زودتر برای جنگ علیه مسلمانان حرکت کنند. تصمیم گرفته شد که برای موفقیت بیش تر، فرماندهی واحد برگزینند. پادشاه عکا می خواست خود فرماندهی کل را به دست گیرد؛ چون بیش تر با منطقه آشنا بود، ولی آندره و لئوپلد فرماندهی او را نپذیرفتند. آندره برای این که از فشار قحطی بکاهد، دستور داد سپاهیانش آبادی های مسلمانان را غارت کنند. سپاهیان مسیحی به سمت بیسان حرکت کردند. سلطان ملک العادل که از عجله مسیحیان در شروع جنگ، شگفت

۱- تاریخ جنگ های صلیبی، رانسیمان، ج ۳، صص ۱۷۶ _ ۱۷۷.

۲- تاریخ جنگ های صلیبی، رانسیمان، ج ۳، ص ۱۷۸.

زده شده بود، نخست به طور کامل به رویارویی پرداخت. وی برای تضعیف روحیه صلیبیان پیاپی عقب نشینی می کرد و برای آن ها محاصره های خسته کننده ترتیب می داد. وی به پسرش، الملک المعظم، حاکم دمشق فرمان داد تا با سپاهیانش در نابلس اردو بزند و از بیت المقدس در برابر تهاجم احتمالی صلیبی ها پاسداری کند.

قلعه طور از استحکامات مهم مسلمانان بود که بر بالای تپه ای بلند بنا شده بود و از آن به عنوان پادگان استفاده می شد. صلیبی ها این قلعه را محاصره کردند و بارها کوشیدند آن را بگیرند، ولی با وجود به کارگیری تمامی تجهیزات نظامی مانند منجنیق و... نتوانستند قلعه را تسخیر کنند. سپاه صلیبی به دلیل اختلاف های داخلی به ویژه در مورد فرماندهی سپاه و نیز سرخوردگی فرماندهان نظامی و سربازان از ادامه یافتن محاصره و مقاومت مسلمانان، به ناگزیر، محاصره را ترک کرده و به عکا بازگشت.(۱)

آندره پس از بازگشت به عکا اعلام داشت که به زودی به کشورش باز خواهد گشت. وی گفت به سوگندش وفا کرده و ماندن بیش تر در آسیا را جایز نمی داند. از این رو، از راه طرابلس و انطاکیه به ارمنستان رفت و از آن جا با گذر از قلمرو سلطان سلجوقی به قسطنطنیه رسید.

لئوپلد، دوک اتریش، مدتی در فلسطین ماند و هم چنان برای جنگ در راه صلیب آماده بود. پس از سپتامبر ۱۲۱۸ م. (رجب ۶۱۵ ه . ق) پیوسته نیروهای کمکی از اروپا برای صلیبیان می رسید. در همان سال ناوگان هلندیان به عکا رسید. انتظار می رفت که به زودی صلیبی های فرانسه نیز از

۱- الحروب الصلیبیه، ج ۴، صص ۲۰۵ _ ۲۰۶؛ الکامل، ج ۷، صص ۵۴۵ _ ۵۴۷.

راه برسند. با گردهم آمدن صلیبی ها در عکا، پادشاه این شهر تصمیم گرفت به کمک این نیروها به مصر حمله کند. شورای لاتران نیز برای حمله به مصر پیشنهادهایی داده بود. هدف صلیبی ها از حمله به مصر، این بود که حاکم ایوبی را وادار کنند تا بیت المقدس را به صلیبی ها بسپارد. حمله به مصر باید با تصرف شهر دمیاط آغاز می شد؛ زیرا با تصرف این شهر می توانستند از راه نیل به قاهره رفته و آن را اشغال کنند. شمار قشون صلیبی با ورود صلیبی های فرانسوی و ایتالیایی بازگشته از جنگ با مسلمانان اسپانیا، به هفتاد هزار سوار و چهارصد هزار پیاده رسید. این نیروها در روز سه شنبه، چهارم ربیع الاول سال ۶۱۵ ه . ق، در ساحل شهر دمیاط پیاده شده و آن شهر را محاصره کردند.

در این جنگ، پادشاه عکا و لئوپلد، دوک اتریش، فرماندهی سپاه را بر عهده داشتند. آن ها منجنیق و ابزار محاصره را در برابر قلعه شهر دمیاط مستقر کردند و کوشیدند شهر را از سمت دریا و خشکی محاصره کنند. مسلمانان که بیش تر در انتظار حمله به بیت المقدس و شام بودند، از شنیدن خبر ورود صلیبی ها به دمیاط شگفت زده شدند. در این زمان، العادل در شام بود و پسرش، الکامل را جانشین خود در مصر قرار داده بود. با شنیدن خبر محاصره دمیاط، الکامل به سوی آن شهر حرکت کرد و در نزدیکی آن جا اردو زد، ولی او سرباز و کشتی کافی برای حمله به صلیبی ها نداشت. از سوی دیگر، العادل نگران آن بود که اگر به دفاع از دمیاط مشغول شود، صلیبی ها از سوی دیگر به بیت المقدس یورش برده و آن را اشغال کنند.

العادل، پیش تر الملک المعظم را با سپاه بزرگی به نابلس فرستاده بود تا از آن جا بیت المقدس را از حمله صلیبی ها پاسداری کند. در هنگام محاصره

دمیاط از سوی صلیبی ها، خبر درگذشت العادل در شام، به پسرش الکامل که به دفاع از شهر مشغول بود، رسید. (هفتم جمادی الاخر ۶۱۵ ه . ق، در عالقین شام) الکامل که جانشین پدر شده بود، به مقاومت در برابر صلیبی ها ادامه داد.

صلیبی ها که با شنیدن مرگ العادل روحیه گرفته بودند، کوشیدند موانع ورود کشتی ها به نیل را از میان بردارند، ولی این کار ساده ای نبود؛ زیرا در هر دو سوی ساحل، پادگانی نیرومند از مصریان قرار داشت. روشن بود که اگر کشتی های جنگی صلیبی می توانستند وارد نیل شوند، فتح قاهره آسان تر می شد. فرمانده صلیبی ها با پشتکار و تلاش فراوان توانست این موانع را پس از سه ماه جنگ و حمله برطرف کند.(۱)

الکامل کوشید با حمله ای غافل گیرانه محاصره دمیاط را بشکند، ولی سخت کوشی و هوشیاری صلیبی ها مانع شد. با این حال، الکامل برای آن که از پیشروی کشتی های صلیبی به سوی قاهره جلوگیری کند، به ناوگان خود دستور داد در نیل صف آرایی و در برابر کشتی های صلیبی مقاومت کنند. هم چنین دستور داد تا در پناه صف آرایی کشتی های مصری، پلی استوار بر عرض نیل بکشند. این تدبیر دوباره راه را بر پیشروی صلیبی ها بست، ولی صلیبی ها با حمله شدیدی توانستند این مانع را نیز بردارند و راه را برای فتح قاهره هموار کنند.

در زمستان ۱۲۱۸ م. (۶۱۵ ه . ق) صلیبی ها چندین حمله به پایگاه مصری ها انجام دادند. در همین سال، پلاگیوس، نماینده پاپ در سپاه

۱- الحروب الصلیبیه، ج ۴، صص ۲۰۸ _ ۲۱۴؛ الکامل، ج ۷، ص ۵۴۵ _ ۵۵۰.

صلیبی، فرماندهی را به زور از کنت برینی تحویل گرفت. وی مردی مستبد و کوته بین، ولی بسیار پرانرژی و با روحیه بود. او به کمک صلیبی های ایتالیایی و فرانسوی، فرماندهی نیروها را از کنت برینی گرفت. کنت برینی نیز ناچار به اطاعت از نماینده پاپ گردن نهاد.

در این هنگام، شورشی در سپاه مصری ها روی داد. سرانجام این شورش به تضعیف هرچه بیش تر مسلمانان و تقویت صلیبی ها انجامید. الکامل عقب نشینی کرد. صلیبی ها به اردوی او و در ۱۶ ذی القعده ۶۱۵ ه . ق (۵ فوریه ۱۲۱۹ م.) یورش برده و آن را غارت کردند. این عقب نشینی سبب گرفتاری بیش از پیش محاصره شدگان گردید. پیدایش قحطی و کمبود آذوقه در شهر و نبود امکان فرستادن کمک و آذوقه به اهالی شهر، بر مشکلات مردم افزوده بود. ورود المعظم برای کمک به برادرش، الکامل، شورشیان را فراری داد و برخی سران شورش، دستگیر و مجازات شدند.

الکامل که اوضاع را خطرناک می دید، به فرمانده صلیبی ها پیشنهاد صلح داد. بر اساس این پیشنهاد، در صورتی که صلیبی ها محاصره را رها کرده و برمی گشتند، او بیت المقدس را تحویل صلیبی ها می داد. نماینده پاپ این پیشنهاد را نپذیرفت و برای تصرف شهر پافشاری کرد و بارها تلاش های الکامل را برای شکستن محاصره خنثی کرد.

در ربیع الاول ۶۱۶ ه . ق، لئوپلد، دوک اتریش، برخلاف خواست پلاگیوس، نبرد را رها کرد و به وطن خود بازگشت. الکامل بار دیگر پیشنهاد صلح را تکرار کرد و این بار حاضر شد افزون بر بیت المقدس، حتی صلیب راستین را که در دست مسلمانان بود، به صلیبی ها بازگرداند. علت اصلی این پیشنهاد صلح، اوضاع بسیار بد اهالی شهر بود. قیمت ها بسیار بالا

رفته و مردم به شدت گرفتار بودند. این بار نیز نماینده پاپ بر خلاف میل دیگر فرماندهان، این صلح را نپذیرفت.(۱) علت اصلی خودداری نماینده پاپ از پذیرش صلح، امید او برای پیشرفت های آینده صلیبی ها بود. در این زمان، پیش گویی هایی در میان صلیبی ها رواج داشت که سپاهیان صلیبی در آینده تمام مصر را تا آسوان در نوبه تصرف خواهند کرد. سپس تمامی شام را گرفته و با تصرف جزیره العرب، مکه را ویران خواهند کرد و بدین گونه کاملاً اسلام را ریشه کن خواهند ساخت. بر اساس این پیش گویی ها، پس از این پیروزی ها، جهاد پایان می یافت و ظهور مسیح فرا می رسید و جهان مادی پایان می پذیرفت. شخص پلاگیوس به این پیش گویی ها باور داشت و آن را تقویت می کرد. رسیدن خبر یورش چنگیز خان به قلمرو اسلامی این پیش گویی ها را تقویت کرد؛ زیرا در این پیش گویی ها باید داوودشاه از شرق بر مسلمانان بتازد و مرکز خلافت اسلامی را متلاشی کرده و خود را به مسیحیان فرنگ برساند. آن ها داوود شاه را در چهره چنگیزخان مغول می دیدند.(۲)

مدافعان شهر بر اثر قحطی و بیماری، توان خود را از دست داده بودند و بخش هایی از دیوار شهر بدون مدافع مانده بود. پلاـگیوس با شنیدن این موقعیت، در پنجم نوامبر ۱۲۱۹ م. (۲۴ شعبان ۶۱۶ ه . ق) از دو سو به شهر حمله کرد، ولی مقاومتی ندید. بیماری و قحطی در تمام شهر بیداد می کرد. اهالی شهر حتی امکان و توان دفن کشته ها را نداشتند. صلیبی ها پس از اشغال شهر، یک شبانه روز به قتل عام دست زدند و دست آخر سیصد تن از

۱- الحروب الصلیبیه، ج ۴، صص ۲۱۵ _ ۲۱۸؛ الکامل، ج ۷، ص ۵۴۵.

۲- جنگ های صلیبی هانس مایر، صص ۲۵۶ _ ۲۵۷.

سرشناسان شهر را به عنوان گروگان اسیر کردند. آنان کودکان خردسال را غسل تعمید داده و به تربیت روحانیان مسیحی سپردند تا برای خدمت در کلیسا آماده شوند. هم چنین دیگر مردمان را اسیر کرده و به عنوان برده فروختند و سربازان صلیبی تمامی اموال و دارایی های شهر را به غارت بردند.(۱)

الکامل با استفاده از فرصت، نیروهایش را تقویت کرد و توانست راه ارتباطی صلیبی های مستقر در دمیاط را با بندرهای فرنگی قطع کند. نماینده پاپ برای عملی کردن پیش گویی ها تصمیم گرفت به قاهره لشکرکشی کند. پیش از آن که سپاه صلیبی، به قاهره حرکت کند، به دو دسته کلی طرفداران کنت برینی، پادشاه اورشلیم و هواداران نماینده پاپ تقسیم شده بود. از مدتی پیش نماینده پاپ، فرماندهی کل نیروها را از کنت برینی گرفته بود. پس از اشغال شهر، هرکدام از دو طرف خواستار مالکیت شهر بودند. کنت برینی شهر را بخشی از قلمرو خود، یعنی پادشاهی اورشلیم و نماینده پاپ نیز شهر را از آن کلیسا می دانست. هرچند سرانجام پلاگیوس، نماینده پاپ، کوتاه آمده و حاکمیت شهر را به کنت برینی داد، ولی این دو در هر مسأله ای با یکدیگر اختلاف نظر داشتند. رانسیمان می گوید:

این اختلاف نظرها تا بدان جا رسید که با فرا رسیدن زمستان، ناسازگاری ها، کم کم تار و پود لشکر صلیبی را از هم گسیخت.(۲)

به دلیل وعده هایی که پاپ در مورد آمدن نیروهای کمکی فردریک، امپراتور آلمان، به صلیبیان مستقر در دمیاط داده بود، آن ها مدتی را به انتظار

۱- تاریخ جنگ های صلیبی رانسیمان، ج ۳، ص ۱۹۵؛ الکامل، ج ۷، ص ۵۵۰.

۲- تاریخ جنگ های صلیبی رانسیمان، ج ۳، ص ۱۹۶.

به سـر بردنـد، ولی برخلاـف قول پـاپ، از کمـک هـای فردریک خبری نشـد. پاپ انوریوس باز هم به رفتن فردریک به آسـیا امیـدوار بـود، ولی انتظـار بیهـوده بـود؛ چـون به گفته رانسـیمان، انگیزه او آن قـدر که حس جـاه طلـبی بود، تعصب دینـداری نبود.(۱)

الکامل پیش بینی می کرد که صـلیبی ها پس از فتـح دمیاط به سـمت قاهره حرکت خواهند کرد. از این رو، برای جلوگیری از حرکت صـلیبی هـا تـدبیری اندیشـید. وی برادرش، المعظم را به شـام فرسـتاد تا با حمله به عکا، توجه صـلیبی های دمیاط را به سوی خود جلب کنـد. خود او نیز نیروی دریایی خود را تقویت کرد و با دریافت کمک های نظامی از دیگر مناطق، برای یک رویارویی بزرگ با صلیبی ها آماده شد.

سپاهیان صلیبی در ۱۷ ژوئن ۱۲۲۱ م. (۲۵ جمادی الاولی ۶۱۸ ه .ق) از راه رودخانه نیل به سمت قاهره رهسپار شدند. این سپاه در مسیر حرکت خود به یـک جزیره رسـید. در شـمال این جزیره، دریـاچه منزله و در غرب آن، شـاخه خـاوری رود نیل و در جنوب آن کانال نیل قرار داشت که بحرالصغیر نامیده می شد. در محل انشعاب نیل و بحرالصغیر، شهر منصوره واقع بود.

سپاهیان برادران الکامل از مناطق مختلف به یاری برادر شتافتند. ناوگان جنگی مصر نیز که تقویت شده بود، یک دست شده و سپاه صـلیبی را به طور کامل در محاصـره قرار دادنـد. صـلیبی ها که به امید پیروزی آنی آمده بودند، برای ادامه جنگ، آذوقه کافی نیاورده بودند. از این رو، آن ها حتی نمی توانستند یک ماه هم ایستادگی کنند. به دستور الکامل، آب نیل به سوی

۱- تاریخ جنگ های صلیبی رانسیمان، ج ۳، ص ۱۹۷.

سپاهیان صلیبی برگردانده شد. صلیبی ها چند روزی را در زمین های باتلاقی عقب نشینی کردند، ولی با بالاآمدن آب، راه بازگشت به طور کامل بسته شد و آن ها به ناچار باید تسلیم می شدند.

پلاگیوس، نماینده پاپ که اوضاع را خطرناک دید، از الکامل تقاضای صلح کرد. الکامل به شرط آن که صلیبی ها از مصر خارج شده و به وطن خود بازگردند، صلح را پذیرفت و قرار شد صلح به مدت هشت سال محترم شمرده شود. با توجه به این شرایط، صلیبی ها راه گریزی نداشتند؛ چون الکامل می توانست سپاهیان صلیبی را نابود کند، بدون آن که خود تلفاتی داشته باشد. یکی از نویسندگان، علت این تصمیم الکامل را بیم او از لشکرکشی انتقام جویانه فردریک و دیگر مسیحیان اروپا می داند،(۱) ولی این نمی تواند دلیل قانع کننده ای باشد؛ زیرا پیش بینی لشکرکشی صلیبی ها برای ایوبیان که بارها و بارها مورد هجوم صلیبی های اروپا و آسیا قرار گرفته بودند، بدیهی بود. آن چه موجب این تصمیم الکامل شد، روحیه مسالمت جویانه اسلامی و شرقی الکامل بود. همان گونه که بارها این روحیه را در رفتار العادل و پیش تر در عملکرد صلاح الدین ایوبی دیده بودیم.

سرانجام مرحله پنجم جنگ های صلیبی

سرانجام مرحله پنجم جنگ های صلیبی

پنجمین مرحله جنگ های صلیبی با پیروزی مسلمانان و شکست صلیبی ها پایان پذیرفت. وقتی چند مرحله جنگ های صلیبی بررسی می شود، به نتایج خوبی می رسیم. این جنگ ها از سوی اروپاییان راه افتاد و ادامه یافت. این پرسش مطرح می شود که مسلمانان چه ظلمی در حق مسیحیان یا دین

۱- تاریخ جنگ های صلیبی رنه گروسه، ص ۳۰۷؛ الکامل، ج ۷، صص ۵۵۰ _ ۵۵۳.

مسیح و حضرت عیسی علیه السلام کرده بودند که آن ها این گونه بارها به قلمرو مسلمانان یورش بردند. در هیچ کدام از این سلسله جنگ ها، مسلمانان آغازگر جنگ نبودند، بلکه صلیبی های اروپایی بودند که به بهانه ارض مقدس پیوسته به قلمرو مسلمانان می تاختند. این سلسله جنگ های اروپاییان تنها در روحیه کشورگشایی و زیاده خواهی غربی ها ریشه دارد. مسلمانان به پیروان حضرت عیسی احترام می گزاردند و امنیت و آزادی آنان را تأمین کرده بودند. بیت المقدس نیز بیش از مسیحیان برای مسلمانان محترم بود. در یورش های صلیبی ها به شهرهای سوریه از جمله بیت المقدس، وقتی این شهرها به اشغال صلیبی ها در می آمد، رفتار آنان با یهودی ها بسیار انسانی تر از رفتار با مسلمانان بود. حال آن که از لحاظ دینی، دشمنی میان مسیحیان و یهودیان پیشینه ای کهن داشته است. بنابراین، به راحتی می توان فهمید که آن چه موجب برانگیختن مسیحیان علیه مسلمانان شد، نه عِرق دینی و علاقه به مسیح، بلکه حرص و آز افسار گسیخته و فشارها و مسایل داخلی غربی ها بود.

وقتی زندگی روزانه مسیحیان در اروپا با مسیحیان در قلمرو اسلامی مقایسه می شود، آشکار می گردد که بیش تر اروپاییان از کم ترین رفاه، آزادی، آرامش و مالکیت قانونی نیز محروم بودند، در حالی که مسیحیان در قلمرو اسلامی، آزادی اقتصادی، عقیدتی و اجتماعی قابل قبولی داشتند. به هر حال، مرحله پنجم جنگ های صلیبی نیز با پیروزی مسلمانان به پایان رسید، ولی پیش بینی می شد که دیر یا زود، جنگ صلیبی دیگری از سوی اروپاییان برپا خواهد شد.

به باور نگارنده، اگرچه در شورای لاتران تصمیم گرفته شد که صلیبی ها کلید بیت المقدس را در مصر جست و جو کنند، ولی در حقیقت، اهمیت

مصـر برای شورای لاتران و دولت مردان صـلیبی حتی از بیت المقـدس نیز بیش تر بود. چنان که دیـدیم وقتی نماینـده پاپ در دمیاط شـنید که الکامل حاضـر است در عوض چشم پوشی صلیبی ها از تصرف دمیاط و شهرهای دیگر مصر، بیت المقدس را به آن ها واگـذار کند، خوش حال نشد، بلکه گفت وظیفه او تصـرف تمام مصـر است و امید داشت که در آینده، دیگر مناطق حساس جهان اسلام را نیز به دست گیرد.

گفتیم که بر اساس قرارداد صـلح، صـلیبی های به دام نیل افتاده، حاضـر شدنـد شـهر دمیاط را تسـلیم کنند و جنگ را به مدت هشت سال کنار گذارنـد. هم چنین قرار شـد که دو طرف، اسیران یکـدیگر را مبادله کنند و مسـلمانان نیز صـلیب مسـیح را به صلیبی ها بازگردانند.

رفتـار مسـلمانان بـا اسـیران مسـیحی در این جنـگ ها، تعجب تاریـخ نویسان غربی را برانگیخته است. یکی از صـلیبی ها به نام اولیویه دوکلی(۱) که با رأفت و گذشت الکامل از مرگ رهایی یافت، در خاطرات خود می نویسد:

همان مصری هایی که ما در گذشته خویشان آن ها را کشته و آنان را پس از غارت دارایی هاشان، از سرزمینشان رانده بودیم، حال که در دست آن ها اسیر بودیم و زندگی ما در دست آن ها بود، به ما غذا دادند و ما را از مرگ حتمی نجات دادند.(۲)

رانسیمان درباره الکامل می نویسد:

الکامـل می دانست که مرگ و زنـدگی بخش زیـادی از لشـکریان صـلیبی در گرو خـواست اوست. الکامـل سـخت گیر، ولی جوان مرد بود.(۳)

۱- Olivier de Cologne.

۲- تاریخ جنگ های صلیبی رنه گروسه، ص ۳۰۸.

۳- تاریخ جنگ های صلیبی رانسیمان، ج ۳، ص ۲۰۲.

پس از برقراری صلح، برای تضمین اجرای درست آن، دو طرف پذیرفتند که گروگان هایی معتبر از طرف مقابل در اختیار داشته باشند. از این رو، کنت برینی و دوک باواریا و پیشوایان فرقه های نظامی و هجده تن از کنت ها و اسقف ها به گروگان مسلمانان آمدند و در مقابل، یکی از پسران الکامل، یکی از برادران وی و نیز تنی چند از امیران سپاه الکامل به گروگان سپاه صلیبی رفتند. این ها پس از آن که شهر دمیاط از صلیبی ها تخلیه شد و مسلمانان نیز اسیران و گروگان های صلیبی را در سلامت کامل آزاد کردند، مبادله و آزاد شدند.

بازتاب این نتیجه در دنیای اسلام و دنیای مسیحی دوگونه بود. در جهان اسلام مردم با شنیدن این نتیجه خوشحال شده، به جشن و شادی پرداختند. آنان اشعار زیادی به سبب این پیروزی سروده بودند که در جشن ها می خواندند. هانس مایر می نویسد:

مصری ها در جشن های خود می خواندند: فرعون عکا با ناجوان مردی برای به فساد کشاندن سرزمین مصر آمد، ولی موسی با عصای دستش به کمک ما آمده و آن ها را یکی پس از دیگری در دریا غرق کرد.(۱)

از سوی دیگر، در اروپا قدرت مندان از این نتیجه به شدت ناراحت بودند. کلیسا و پاپ، گناه این شکست را به گردن فردریک، امپراتور آلمان می انداختند. به باور آنان، اگر فردریک فرصت سوزی نمی کرد و با سپاهش به کمک صلیبی های درگیر در مصر می شتافت، نتیجه جنگ به گونه ای دیگر رقم می خورد.(۲) بسیاری دیگر بر این عقیده بودند که علت شکست

۱- جنگ های صلیبی هانس مایر، ص ۲۵۹.

۲- تاریخ تمدن، ج ۴ بخش دوم، ص ۸۱۲.

صلیبی ها، دخالت نماینده پاپ در فرماندهی جنگ بوده است. یکی از شاعران مسیحی آن زمان درباره علت شکست صلیبی ها این گونه سرود:

ما این شهر را به سبب نادانی و گناه خود از دست دادیم [؛ یعنی] به دلیل حضور نماینده پاپ که رهبری مسیحیان را به دست داشت؛ زیرا رهبری شوالیه ها از سوی روحانیان به یقین خلاف قانون کلیسا است. مرد روحانی باید به خواندن انجیل خود و سرودهای مذهبی بپردازد و میدان جنگ را به شوالیه ها واگذارد.(۱)

اروپاییان از این که نماینده پاپ سبب شده بود که فرماندهان صلیبی پیشنهاد صلح الکامل را نپذیرند، بسیار پشیمان بودند و به او ناسزا می گفتند. حتی خود پاپ هم نماینده اش را در این شکست بی تقصیر نمی دانست.(۲) در مقابل، مسلمانان از این که صلیبی ها صلح پیشنهادی الکامل را نپذیرفته بودند، بسیار شادمان بودند. وقتی الکامل به صلیبی ها پیشنهاد صلح داد، دیگر از نجات مصر و دمیاط ناامید شده بود. او حتی پیش بینی می کرد که مجبور است در قبال دریافت مصر، تمام شهرهای فلسطین را به صلیبی ها بدهد.از این رو، به سپاهیانش در فلسطین دستور داده بود که شهرهای بیت المقدس، جلیله، تبنین، صفد و بانیاس را ویران کنند.(۳)

۱- جنگ های صلیبی هانس مایر، ص ۲۵۹.

۲- تاریخ جنگ های صلیبی رنه گروسه، ص ۳۰۸.

۳- تاریخ جنگ های صلیبی، رانسیمان، ج ۳، ص ۱۹۰.

فصل ششم: مرحله ششم جنگ های صلیبی

اشاره

فصل ششم: مرحله ششم جنگ های صلیبی

زیر فصل ها

بررسی وضعیت طرف های درگیر

بررسی وضعیت طرف های درگیر

مرحله ششم جنگ های صلیبی از جنگ های پیشین بسیار متفاوت است. جنگ طولانی میان مسلمانان و مسیحیان به آشنایی هرچه بیش تر مسیحیان از حقیقت اسلام و مسلمانان انجامید. این شناخت بیش تر سبب انعطاف و اعتدال آن ها نسبت به مسلمانان شد. البته درباره آموخته های اروپاییان مسیحی از مسلمانان، در بخشی جداگانه بحث خواهیم کرد، ولی به اجمال باید گفت که شناخت مسیحیان در این جنگ های پیاپی از مسلمانان و دین اسلام سبب شد که تا حدودی تصور نخستین آن ها درباره اسلام و مسلمانان تغییر کند.

آن ها پیش تر مسلمانان را بربر و وحشی می دانستند و درباره اسلام نادرست می اندیشیدند. از این رو، وقتی واژه کافران به کار برده می شد، نخست مسلمانان در ذهن آن ها تداعی می شد، ولی چند قرن درگیری و همسایگی و هم نشینی با مسلمانان سبب شد که آن ها در برخی موارد، مسلمانان را متمدن تر و با فرهنگ تر از خود بیابند. در این مدت، آنان سطح دانش و هنر و فرهنگ مسلمانان را دریافتند. این در هنگامی بود که صلیبی ها و مسیحیان اروپا به علت ساختار غلط اجتماعی، اقتصادی و

فرهنگی جامعه خود، گرفتار خرافات و انگاره های نادرست بودند. آن ها دیدند که مسلمانان پس از پیروزی آشکار در جنگ ها، رفتاری انسانی و ملایم از خود نشان می دهند. آنان جوان مردی فرماندهان سپاه مسلمانان به ویژه نورالدین زنگی و صلاح الدین ایوبی را به چشم دیدند. روشن است که این همه شناخت از جهان اسلام و مسلمانان می توانست در به کارگیری رفتاری مناسب با مسلمانان مؤثر باشد. این تغییر بینش و منش مسیحیان وقتی ملموس تر می شد که آن ها با کافران مغول آشنایی کمی پیدا می کردند. درنده خویی، بی رحمی و وحشی گری بی مانند مغول ها که روز به روز بیش تر به مرزهای آن ها نزدیک تر می شدند، مسلمانان را در نظر آن محترم تر و معتبرتر ساخت.

هم چنین وقتی اروپاییان برخلاف گمان پیشین خود از مغول ها، کم کم دچار بیم و نگرانی شدند و دریافتند که خطر بزرگ مغول ها مانند شعله های آتش می تواند همه چیز و همه کس را بسوزاند، رویکرد معتدل تری نسبت به مسلمانان در پیش گرفتند. آن ها دریافتند که مسلمانان سواحل مدیترانه و آسیای صغیر می توانند در برابر سیل خروشان و مهارناپذیر مغول ها، نقش سازنده ای ایفا کنند تا از ورود آن ها به قلمرو مسیحیان جلوگیری به عمل آید. این احساس خطر وقتی بیش تر شد که سپاه مغول، روسیه و اروپای شرقی را تصرف کرد و تنها مرگ خان بزرگ مغول بود که یورش گسترده آنان را به مرکز اروپا مهار کرد. پس از فروپاشی بغداد به دست هلاکوخان مغول و مرگ آخرین خلیفه عباسی، نگرانی کلیسای اروپا از گسترش بیش تر دین اسلام در اروپا کاهش یافت. به گمان آن ها با از میان رفتن محوریت معنوی ـ سیاسی جهان اسلام، ضعف گریبان جهان اسلام را

می گرفت و بسیار آسیب پذیرتر می شد.

علت های آغاز مرحله ششم جنگ های صلیبی

علت های آغاز مرحله ششم جنگ های صلیبی

به نظر می رسید که شکست سنگین صلیبی ها در مصر و رفتار جوان مردانه مسلمانان با آن ها، سبب شود که آنان برای یک دوره طولانی از پی گیری جنگ های صلیبی خودداری کنند، ولی با توجه به دگرگونی هایی که در اروپا روی داد، نتیجه ای خلاف انتظار پیش آمد. گفته شد که اروپاییان علت اصلی شکست خود را در مصر، دخالت مستقیم نماینده پاپ در امور نظامی می دانستند. بنابراین، ازسوی رجال اروپایی فشارزیادی بر کلیسا وارد می آمد.

از سوی دیگر، خود پاپ نیز در دل، عامل اصلی این شکست را تصمیم های نابه جای نماینده اش، پلاگیوس می دانست. از این رو، خود و کلیسا را در حقیقت مسئول این شکست می دانست و در فکر جبران آن بود.

اروپاییان از یورش مغول و پیشروی آن ها باخبر بودند و می دانستند که با توجه به تهدید جدی دستگاه مرکزی خلافت در بغداد از سوی مغول ها، دستگاه خلافت نمی تواند به ایوبی ها هیچ گونه کمکی بکند. از سوی دیگر، پس از اتحادی که میان برادران ایوبی؛ یعنی اشرف، الکامل و المعظم به وجود آمد و آن ها توانستند به کمک یکدیگر در مرحله پنجم، صلیبی ها را شکست دهند، رفته رفته با یکدیگر اختلاف پیدا کردند. برای نمونه، دشمنی میان الکامل، حاکم مصر و المعظم، حاکم شام به آن جا رسید که الکامل حاضر شد علیه برادرش با صلیبی ها متحد شود و در عوض بیت المقدس را به آن ها بدهد.(۱) این اختلافات برای کلیسا و صلیبی های اروپا و حتی آسیا

۱- در زمینه اختلاف برادران و خانواده ایوبی نک: مصر و الشام فی عصر الایوبین و الممالک، سعید عبدالفتاح عاشور، دارالنهضه العربیه، بیروت، ۱۹۷۲، ص ۹۲؛ السلوک لمعرفه دول الملوک، ابوالعباس احمد بن علی بن عبدالقادر العبیدی، پژوهشگر: محمد عبدالقادر عطا، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۹۹۷ م، ج ۱، صص ۳۲۲ و ۳۳۳ و ۳۴۵.

وسوسه انگیز بود. از سوی دیگر، میان سلجوقیان حلب و ایوبیان موصل، پیوسته جنگ و کشمکش ادامه داشت و این می توانست انگیزه صلیبی ها را در فراهم ساختن یک جنگ صلیبی دیگر بیش تر کند.

گفتیم که صلیبی ها و به ویژه پاپ، عامل اصلی شکست صلیبی ها را در جنگ پنجم، بی وفایی فردریک به وعده خود در کمک به صلیبی ها می دانستند. این اتهام سبب شد که فردریک، امپراتور آلمان، برای برپایی جنگ صلیبی ششم تحریک شود. از سوی دیگر، پس از پایان مرحله پنجم جنگ های صلیبی میان فردریک و پاپ رویدادهایی پیش آمد که میانه پاپ و فردریک را تیره کرد. این تیرگی به آن جا رسید که پاپ فتوای تکفیر فردریک را صادر کرد.

پیش تر امپراتور آلمان، فردریک، در پیمان سن ژرمانو در ژوئیه ۱۲۲۵ م. پذیرفته بود که برای تدارک حمله به فلسطین، حقوق هزار شوالیه را به مدت دو سال بپردازد و حمل و نقل دو هزار شوالیه دیگر را اداره کند. او هم چنین پذیرفته بود که در رمضان ۶۲۴ ه . ق (اوت ۱۲۲۷ م) برای جنگ صلیبی رهسپار شود. پاپ برای تقویت انگیزه فردریک جهت شرکت در جنگ صلیبی، پیشنهاد کرد که وی با ایزابلا، وارث حکومت صلیبی اورشلیم، ازدواج کند که این پیشنهاد عملی شد. پاپ اونوریوس سوم در مارس ۱۲۲۷ م (ربیع الثانی ۶۲۴ ه .ق) درگذشت و گریگوری نهم جانشین او شد. وی که فردی کم تحمل بود، فرصت سوزی فردریک را برنتافت و فرمان تکفیر او را صادر کرد. فردریک از پاپ پوزش خواست، ولی پاپ

نپذیرفت. از این رو، فردریک نیز به طور غیرمستقیم به مبارزه با پاپ برخاست.(۱)

فردریک بر خلاف گذشته این بار تصمیم داشت تا حتما برای تصرف اورشلیم به آسیا رهسپار شود؛ زیرا در صورت پیروزی می توانست در میان مردم محبوبیتی به دست آورد. از سوی دیگر، این لشکرکشی گونه ای مبارزه با پاپ و به هیچ انگاشتن او بود؛ چون پاپ با تکفیر فردریک، شایستگی وی را برای هرگونه اقدام جهت آزادسازی اورشلیم خدشه دار کرده بود. هم چنین این گونه حرکت خودجوش به معنای کنارگذاشتن کلیسا و پاپ از فرماندهی اروپاییان و نادیده انگاشتن جایگاه کلیسا در دعوت برای جنگ بود.

بنابراین، در حالی که فردریک در لشکرکشی به شرق تصمیم راسخ داشت، پاپ علاقه ای به این امر نشان نمی داد؛ زیرا از نظر کلیسا او فردی تکفیر شده بود و تا از سوی کلیسا بخشیده نمی شد، عمل او یعنی شرکت در جنگ های صلیبی پذیرفتنی نبود. چون فردریک نخواست که به خواسته کلیسا تن دهد و حکومت سیسیل را به پاپ واگذارد، پاپ نیز او را عفو نکرد.(۲)

آغاز مرحله ششم: جنگ های صلیبی

آغاز مرحله ششم: جنگ های صلیبی

فردریک، امپراتور آلمان، فردی دانش آموخته بود. وی به شش زبان فرانسه، آلمانی، ایتالیایی، لاتین، یونانی و عربی تسلط داشت. در فلسفه و پزشکی و

۱- جنگ های صلیبی، هانس مایر، صص ۲۶۶ _ ۲۷۰.

۲- جنگ های صلیبی، هانس مایر، ص ۲۶۸؛ الکامل، ج ۷، ص ۶۴۷.

تاریخ و دانش های دیگر تبحّر داشت و از اوضاع جهان آگاه بود. چون وی در جزیره سیسیل تربیت یافته بود، تا حدودی با اسلام و فرهنگ اعراب نیز آشنایی داشت؛ از آن جایی که ساکنان این جزیره نیمی عرب و نیمی یونانی بودند، او با توجه به دانش و آگاهی اش، حاضر نبود سخنان هر اسقفی را چشم بسته بپذیرد. از این رو، نسبت به پیروان ادیان دیگر هم چون اسلام سعه صدر زیادی داشت و اطاعت کورکورانه از پاپ را نمی پذیرفت.(۱)

فردریک بر خلاف دیدگاه پاپ، با سپاه اندکی در هفتم سپتامبر ۱۲۲۸ م (۵ شوال ۶۲۵ ه . ق) وارد عکا شد. وی در درجه نخست برای جنگ نیامده بود، بلکه آمده بود تا دوستانه و صلح آمیز بیت المقدس را از الکامل، حاکم مصر و فلسطین بگیرد. الکامل پس از آن که برادرش، المعظم را به عنوان دشمنی جدی در برابر خود دید، برای آسوده خاطر شدن از جانب او و هم چنین استفاده از سپاه صلیبی علیه رقیب (برادرش)، در سال ۶۲۴ ه . ق (۱۲۲۷ م) با فردریک توافق کرد که اگر او به الکامل در برابر المعظم کمک کند، وی بیت المقدس را به فردریک واگذار خواهد کرد ولی پیش از آن که فردریک به آسیا برسد، المعظم در نیمه ذی القعده ۶۲۴ ه .ق (نوامبر ۱۲۲۷ م) درگذشت و پسر نوجوانش جانشین او شد که هرگز خطری برای الکامل شمرده نمی شد.(۲) بدین ترتیب، الکامل دریافت که دیگر بدون دلیل نباید بیت المقدس را به فردریک واگذار کند، ولی فردریک حرکت کرده بود و الکامل یا باید با او می جنگید یا به وعده خود عمل می کرد. چنان چه برای جنگ تصمیم می گرفت، کارش سخت تر می شد؛ زیرا در این هنگام او دمشق را

۱- تاریخ جنگ های صلیبی، رانسیمان، ج ۳، ص ۲۱۱.

۲- جنگ های صلیبی هانس مایر، ص ۲۷۰؛ الکامل، ج ۱۰، ص ۴۲۵؛ السلوک، ج ۱، ص ۳۴۵.

محاصره کرده بود که برادرزاده اش، الناصر داوود حاکم آن جا بود. امکان داشت وی با فردریک متحد گردد. در آن صورت، خطر برای الکامل جدی می شد و چنان چه بنا به خواست فردریک تمام فلسطین را به او می داد، از انتقاد مسلمانان در امان نمی ماند. از این رو، تصمیم گرفت نماینده ای نزد فردریک بفرستد و شرایطی را برای صلح مطرح کند. وی نماینده اش، فخرالدین را که پیش تر نیز از سوی الکامل به اروپا رفته بود، نزد فردریک فرستاد و بدین ترتیب، در ۱۸ فوریه ۱۲۲۹ م. (۲۱ ربیع الاول ۶۲۶ ه . ق) قرارداد صلح میان دو طرف به امضا رسید. به موجب این قرارداد، دو شهر بیت اللحم و اورشلیم (بیت المقدس) و شهرهای ناصره و جلیله غربی شامل قلعه های قرین و تبنین، هم چنین زمین های بازمانده مسلمانان در اطراف صیدا به قلمرو دولت صلیبیان می پیوست و در داخل شهر بیت المقدس، دو مکان مقدس قبه الصخره (مسجد عمر) و مسجدالاقصی در دست مسلمانان باقی می ماند. تمام اسیران دو طرف نیز آزاد می شدند. هم چنین قرار شد که پیمان آشتی ده سال محترم دانسته شود.(۱)

با این تصمیم الکامل، آن همه تلاش و همت صلاح الدین در پاسداری از کیان اسلام، یک شبه بر باد رفت. از این رو، مسلمانان کم ترین خشنودی از این پیمان نامه نداشتند. الکامل با این پیمان نامه، خود را نزد دوستان و دشمنان بی ارزش کرد. واعظان، خطیبان و روحانیان عالی مقام دینی این عمل حاکم ایوبی را زیرپا گذاشتن آبرو و ناموس مسلمانان معرفی می کردند. دشمنان و رقیبان او نیز که از وی ناخرسند بودند، او را دشمن تر

۱- تاریخ جنگ های صلیبی رانسیمان، ج ۳، ص ۲۲۴؛ جنگ های صلیبی (هانس مایر)، ص ۲۷۱؛ الکامل، ج ۷، صص ۶۶۵ _ ۶۶۸؛ السلوک، ج ۱، صص ۳۵۳ _ ۳۵۴.

انگاشـتند. رقیب سرسـخت او، الناصر داوود، فرزند المعظم، سه روز در شهر دمشق عزای عمومی اعلام کرد. دیگر رقیبان نیز با اسـتفاده از فرصت، مردم را علیه الکامل شوراندنـد. اگر الکامل پس از پایداری و مقاومت سـنگین، شـکست می خورد یا حتی کشته می شد و سرانجام بیت المقدس به دست صلیبی ها می افتاد، در آن صورت وی نزد اروپاییان فرمانده ای قابل احترام می بود، ولی او بـا این اقـدام خود را خوار و بی مقـدار کرد. هم چنین این گمانه را نزد مسـیحیان پدیـد آورد که در میان حاکمان مسـلمان هسـتند کسانی که کوچک ترین ارزش و اعتباری برای ارزش های اسـلامی قایل نیستند و حاضرند به بهای حفظ پایه های قدرتشان، تمامی ارزش های دینی و دنیایی مسلمانان را تسلیم دشمن کنند.

جـالب این که فردریـک هم نتوانست از این نـتیجه بهره کـافی ببرد. او که از سوی پـاپ تکفیر شـده بود و به بـاور بسـیاری در شکست صـلیبی ها در جنگ پنجم مقصـر بود، انتظار داشت که با این قرارداد، جریان را به سود خود تغییر دهد. وی گمان می کرد که بـا این قرارداد، پاپ و مسـیحیان اروپا از او خشـنود خواهنـد شـد و پاپ حکم تکفیر او را لغو خواهـد کرد، ولی چنین نشد. کلیسا از عمل وی شادمان نشد و حتی کشیشان و اسقفان هر جا که او را می دیدند، خود را از دید وی پنهان می کردند. دلیل های ناخشنودی صلیبی ها و کلیسا از فردریک به قرار زیر است:

۱ ـ پیش تر کلیسـا در جنـگ هـای صـلیبی پیوسـته نقش اصـلی را داشت، حـال آن که در این مرحله، هیـچ دخـالت و نفوذی نداشت؛

۲ ـ کلیسـا، بیـت المقدسـی را می خـواست کـه مسـیر آن از کلیسـا بگـذرد و پـاپ راهـبر سالکـان آن باشـد. از ایـن رو، بیت المقدسی که به دست یک مسیحی مطرود از سوی پاپ تسخیر می شد، از نظر کلیسا ارزشی نداشت.

کلیسا بیمناک بود که این عمل فردریک، الگوی دیگر فرمانروایان اروپا شود و پاپ و کلیسا جایگاه دیرینه خود را از دست بدهند؛

۳ _ مسیحیان و صلیبیان دوست داشتند همه مناطق فلسطین را به زور نظامی از مسلمانان بگیرند،(۱) در حالی که فردریک، بیت المقدس و دیگر مناطق فلسطین را با یک صلح بدون جنگ به دست آورده بود. از سوی دیگر، مکان های مقدس بیت المقدس در دست مسلمانان بود و صلیبی ها تنها با اجازه مسلمانان می توانستند به آن ها وارد شوند؛ یعنی این شهر مقدس کاملاً در اختیار مسیحیان نبود.

۴ _ از نظر مسیحیان، تضمین های کافی برای تداوم حاکمیت مسیحیان، در قرارداد پیش بینی نشده بود. از نظر آن ها چون صلیبی های بیت المقدس اجازه ساختن دیوار بر گرد شهر را نداشتند و مناطق استراتژیک پیرامون شهر نیز در دست مسلمانان بود، این شهر و مسیحیان آن امنیت کافی نداشت؛ یعنی مردم اروپا فهمیده بودند که هدف فردریک از بستن این قرارداد، جهاد یا دلسوزی به حال مسیحیان نبوده است، بلکه به دست آوردن شهرت یا پاکی از تکفیر پاپ بوده است.

این عوامل در کنار ناخرسندی هایی که از پیش نسبت به فردریک وجود داشت، او را از رسیدن به مقصود بازداشت. به یقین، ناخرسندی فرانسوی ها از فردریک، در بی اعتمادی و بی اعتباری وی مؤثر بود. فردریک به دلیل کینه دیرینه نسبت به فرانسوی ها، به بقای سلطه فرانسوی ها بر شهرهای فلسطینی علاقه ای نداشت. از این رو، می کوشید حکومت آنان از هم فرو بپاشد و

۱- السلاطین فی المشرق العربی، عصام محمد شبارو، دارالنهضه العربیه، بیروت، ۱۹۹۴ م، صص ۱۸۴ _ ۱۸۵.

عناصـری غیرفرانسوی و مورد اعتمـاد خویش را به جای آن ها بنشانـد. او کنت برینی را از حکومت اورشـلیم محروم ساخت و حاکم قبرس را به زیر سلطه خود در آورد.

سرانجام مرحله ششم جنگ های صلیبی

سرانجام مرحله ششم جنگ های صلیبی

این دوره از جنگ های صـلیبی چنـدان به جنگ شـباهتی نـداشت. بی تردیـد کاری که فردریک سـیاست مـدار کرد، شمشـیر صلیبی در مـدت چنـدین دهه نتوانسـته بود انجام دهـد. با این حال، قرارداد یاد شـده از سوی پاپ و اسـقف اعظم محکوم شد. پاپ حتی ورود فردریک به بیت المقـدس را ممنوع کرد، ولی فردریک بی اعتنا به حکم پاپ وارد بیت المقدس شد و مراسـم عشای ربانی را در کلیسای مزار مقدس به جای آورد و تاج گذاری کرد. وی در بیانیه ای که در روز تاج گذاری منتشـر کرد، خود را به مقـامی والاـتر از مقـام زمینی ارتقا داد و خود را در متن روایت سـلطنت داوود جای داد. در انـدیشه قرون وسـطایی، داوود هم شاه و هم پیامبر است. امپراتور نیز چنین نوشته بود:

تمام کسانی که از سـعادت ایمان راستین برخوردارنـد، باید بدانند و به همگان برسانند که کسـی که برای همیشه مورد عنایت واقع شـده، مـا را ملاقـات کرده و برای مردم خویش رهایی به ارمغان آورده و جام رسـتگاری را در خانه بنـده خود، داوود، به افتخار ما بالا برده است.(۱)

می توان فهمیـد که این بیـانیه، به معنای اعلان جنگ با پاپ بوده است. امپراتور آلمان که تکفیر شـده پاپ بود، با این بیانیه به طور ضمنی خود را در جای پاپ گذارده و خود را مفیدتر و مؤثرتر از پاپ دانسته بود. به

۱- جنگ های صلیبی هانس مایر، صص ۲۷۲ _ ۲۷۳.

جرأت می توان گفت که این حرکت فردریک آغاز جریانی شد که در تاریخ و فرهنگ غرب به رنسانس معروف است. در ادامه این جریان، شاهان اروپایی کوشیدند با بی اعتبار کردن پاپ، از وابستگی خود به پاپ و نفوذ وی در میان مردم بکاهند. یادآوری این نکته ضروری است که در این دوره، جریان پیچیده ای از سلطه دیپلماسی اروپا در آسیا و کشورهای اسلامی پا گرفت. تا این زمان، رویارویی ملت های اروپایی با ملل مسلمان، بیش تر در نبردها و جنگ ها نمود می یابد که در این رویارویی ها نیز مسلمانان پیروز بودند. از آن پس، دیپلماسی حساب شده ای از سوی اروپاییان در کشورهای اسلامی در پیش گرفته شد که بیش ترین نتیجه و کم ترین هزینه را برای اروپاییان در پی داشت. آنان با سیاست های پشت پرده و پیچیده ای که به کار گرفتند، سلطه همیشگی خود را بر سرنوشت مسلمانان مشروعیت بخشیدند.

فردریک پس از بستن قرارداد و تاج گذاری در بیت المقدس، بی درنگ به اروپا بازگشت؛ چون اوضاع جنوب ایتالیا به هم ریخته بود. کنت برینی که از سوی فردریک از سلطنت اورشلیم برکنار شده بود، آماده بود تا در رأس سپاه پاپ به سیسیل حمله ور شود؛ چون پاپ از تسلط فردریک بر سیسیل خشنود نبود و حکومت آن جا را برای خود می خواست. فردریک وقتی به ایتالیا رسید، اوضاع را به نفع خود تغییر داد و سرانجام با پاپ کنار آمد. فردریک در معاهده سان ژرمانو با وی آشتی کرد و پاپ نیز حکم تکفیر را از او برداشت. بدین ترتیب، فردریک به یک قهرمان ملی تبدیل شد.(۱)

۱- جنگ های صلیبی هانس مایر، ص ۲۷۳؛ تاریخ جنگ های صلیبی رانسیمان، ج ۳، ص ۲۳۴.

فصل هفتم: مرحله هفتم جنگ های صلیبی

اشاره

فصل هفتم: مرحله هفتم جنگ های صلیبی

زیر فصل ها

علت های آغاز مرحله هفتم جنگ های صلیبی

چگونگی آغاز مرحله هفتم جنگ صلیبی

سرانجام مرحله هفتم جنگ صلیبی

علت های آغاز مرحله هفتم جنگ های صلیبی

علت های آغاز مرحله هفتم جنگ های صلیبی

پس از امضای عهدنامه صلح میان فردریک و الکامل، دگرگونی های بسیاری در آسیا روی داد. مغول ها به پیشروی خود ادامه داده و خود را به مرزهای شام و آسیای صغیر رساندند. برادران ایوبی و سپس پسران و نوادگان آن ها به جان یکدیگر افتادند.(۱) سلطان جلال الدین خوارزمشاه که از مغول ها شکست خورده و گریخته بود، توانسته بود بخش هایی از قلمرو ایوبی و سلجوقی را تصرف کند. از سوی دیگر، با ناتوانی ایوبیان، سلجوقیان آسیای صغیر نیز کوشیدند در دو سوی غرب و شرق مرزهایشان پیشروی کنند. عملکردهای خوارزمیان افسار گسیخته و پراکنده در شام و آسیای صغیر، به این ناامنی ها و آشفتگی ها دامن زده بود. در عالم اسلام، دولت قدرت مندی نمانده بود که جلوی خطر صلیبی ها را بگیرد. به همین دلیل، این اوضاع برای فرصت طلبان صلیبی وسوسه انگیز بود. به ویژه این که این آشفتگی ها

۱- در زمینه اختلاف های خانواده ایوبی نک: مفرج الکروب فی اخبار بنی ایوب، جمال الدین ابوعبدالله محمد بن سلیم الشافعی ابن واصل، پژوهشگر: جمال الدین الشیال، القاهره، ج ۵، صص ۱۷۴ _ ۱۷۸، ۱۹۲ _ ۱۹۳، ۲۰۱ _ ۲۰۴، ۲۱۱ _ ۲۱۳، ۱۷۸ _ ۱۷۹، ۱۸۴ _ ۱۸۵ و ۱۹۰؛ السلوک ج ۱، صص ۳۸۴ و ۴۰۶ و ۶۰۷.

با پایان اعتبار قرارداد صلح الکامل و فردریک هم زمان شده بود.

چندی بود که درگیری مسلمانان و مسیحیان در شهرهای فلسطین آغاز شده بود. صلیبی ها به جز چند پیروزی کوچک، در دو نبرد اصلی شکست خورده و خسارت های سنگینی دیده بودند. در نبردی که در نزدیکی غزه روی داد، بیش از هزارتن از صلیبی های مسیحی کشته شدند و ششصد تن نیز به اسارت در آمدند. در پی این پیروزی، حاکم مصر با سپاهی انبوه، به بیت المقدس حمله ور شد و آن جا را در ۳ صفر ۶۴۲ ه . ق (۱۱ ژوئیه ۱۲۴۴ م) به راحتی فتح کرد. از این پس، دیگر صلیبی ها هرگز نتوانستند بیت المقدس را از دست مسلمانان خارج کنند. قلعه های طبریه و جلیله به تصرف مسلمانان درآمد.(۱) رسیدن این خبرها به پاپ، می توانست او را برای آغاز یک جنگ صلیبی دیگر برانگیزاند.

به اعتقاد رانسیمان، پیدایش مغول ها در بروز مرحله هفتم جنگ های صلیبی مؤثر بوده است؛(۲) زیرا افسانه پرستر ژان(۳) با چنگیز تطبیق داده شده بود و گمان می رفت که با توجه به گرایش وی نسبت به مسیحیان، او می تواند همان شخصیت اسطوره ای مسیحیان باشد. به قول رانسیمان:

بودن چنین دوست احتمالی نیرومندی در افق خاور، موقعیت را مناسب ساخته بود تا [صلیبی ها] صلای جهاد دراندازند.(۴)

گفته می شود که لویی نهم، پادشاه فرانسه (که رهبری این مرحله از

۱- تاریخ جنگ های صلیبی رانسیمان، ج ۳، صص ۲۷۲ _ ۲۷۳؛ جنگ های صلیبی (هانس مایر)، ص ۲۹۷؛ مفرج الکروب، صص ۲۴۶ _ ۲۴۷، ۳۰۱ _ ۳۰۲ و ۳۳۶ _ ۳۳۷.

۲- تاریخ جنگ های صلیبی رانسیمان، ج ۳، ص ۳۰۴.

۳- Prestr John.

۴- تاریخ جنگ های صلیبی رانسیمان، ج ۳، ص ۳۰۴.

جنگ های صـلیبی را عهده دار بود) پیش تر برای نجات از یک بیماری سـخت نذر کرده بود که در صورت بهبودی، جهادی را علیه مسلمانان ترتیب دهد. پس از بهبودی از بیماری، وی کوشید نذر خود را به جای آورد.(۱)

پس از نبرد غزه که در آن شـمار زیادی از صـلیبی ها کشـته شدند، اسقف بیروت به نمایندگی از سوی بطریق اورشلیم از شهر عکـا رهسـپار اروپـا گشت تـا زمـام داران آن جـا را برای نجـات بیت المقـدس برانگیزانـد. وی نخست نزد پاپ رفت. پاپ نیز اسـقفی را نزد پادشـاه فرانسه فرسـتاد تـا هم او را به جهـاد فرا خوانـد و هم با حضور در فرانسه، مردم را به جهاد علیه مسـلمانان بشوراند.(۲)

در این زمـان، پـاپ اینوسان چهارم که در جنگ با فردریک درگیر بود، از ایتالیا رانـده شـده و به شـدت نگران آینـده خویش بود. از این رو، شاید پاپ می کوشـید که به بهانه یک جنگ صلیبی دیگر یا در پرتو آن، فردریک ـ دشمن سرسخت خود ـ را به کمک سپاهیان صلیبی از میان بردارد.

به هر حال، این عوامل در کنار یکدیگر، جنگ صلیبی هفتم را رقم زدند؛ جنگی که دوباره به سود مسلمانان پایان یافت.

چگونگی آغاز مرحله هفتم جنگ صلیبی

چگونگی آغاز مرحله هفتم جنگ صلیبی

پادشاه فرانسه سه سال در پی تـدارک جنگ صـلیبی بود. برای فراهم آوردن هزینه این جنگ، مالیات های فوق العاده ای حتی از روحانیان گرفته شد. لویی در اوت ۱۲۴۸ م. (جمادی الاول ۶۴۶ ه . ق) از اگ موت به سوی

۱- تاریخ جنگ های صلیبی رانسیمان، ج ۳، ص ۳۰۵.

۲- تاریخ جنگ های صلیبی رانسیمان، ج ۳، ص ۳۰۷.

قبرس رهسپار شد. صلیبی ها پس از رسیدن، تصمیم گرفتند که زمستان را در آن جا بمانند و در بهار آینده، به سوی مصر لشکرکشی کنند؛ چون از نظر آن ها مصر کلید بیت المقدس بود. بهار فرا رسید و آن ها به سوی مصر حرکت کردند. نزدیک به صد و بیست کشتی بزرگ باید آن ها را انتقال می دادند. لویی در ژوئن ۱۲۴۹ م. (۲۱ صفر ۶۴۷ ه .ق) به دمیاط رسید. شمار سپاهیان صلیبی در این هنگام پنجاه هزار تن بود.

سلطان الصالح ایوب، فرمانروای مصر، کمی پیش از رسیدن صلیبی ها به دمیاط، گرفتار محاصره شهر حمص و باز پس گیری آن از فردی دیگر از خانواده ایوبی بود. وقتی حرکت سپاهیان صلیبی را شنید، محاصره را رها ساخت و به سرعت به سمت مصر حرکت کرد.

صلیبی ها هنگام پیاده شدن از کشتی هایشان با مقاومت سرسختانه مسلمانان روبه رو شدند، ولی سرانجام توانستند شهر دمیاط را محاصره کنند. پیش از محاصره، مردمان شهر با توجه به خاطره ای که از جنگ پیشین صلیبی (در مرحله پنجم) داشتند، وحشت زده شهر را ترک کردند. محافظان نیز چون دفاع را چندان مفید ندانستند، مکان های ارزشمند و مهم را از میان برده و شهر را ترک کردند. در نتیجه، شهر دمیاط به راحتی و بدون کم ترین پایداری به دست صلیبی ها افتاد.(۱)

سلطان الصالح ایوب، امیران قبیله بنی کنانه را که مسئول نگاهبانی از شهر بودند، به دلیل این خیانت اعدام کرد و کوشید خیانت آنان را جبران کند. ایوب در حالی که به شدت بیمار بود، باز بیت المقدس را با دمیاط

۱- المختصر فی اخبار البشر، عمادالدین ابوالفداء، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۹۹۷ م، ج ۲، ص ۲۸۴؛ المختصر، ج ۲، صص ۲۸۴ _ ۲۸۵؛ السلوک، ص ۴۳۹.

عوض نکرد. از این رو، لویی که گمان می کرد با تصرف این شهر می توانـد به راحتی آن را با بیت المقـدس معاوضه کنـد، سخت ناامید شد. با یادآوری خاطره جنگ پنجم صـلیبی که در آن صـلیبی ها گرفتار باتلاق فصل تابستان رودخانه نیل شده و شکست خـورده بودنـد، لویی تصـمیم گرفت که تابسـتان را در دمیـاط بمانـد. سـپاهیان مصـر به سوی منصوره (شـهری که در نزدیکی دمیاط قرار داشت و به مناسـبت پیروزی الکامل بر صلیبی ها ساخته شده بود) رفتند. آن ها دمیاط را زیر نظر گرفتند و با تاخت و تاز در پیرامون شهر، امنیت محافظان شهر را به خطر انداختند.(۱)

با فرونشسـتن آب نیل، لویی در ۳۰ نوامبر ۱۲۴۹ م. (۱۲ شعبان ۶۴۷ ه . ق) برای تصـرف قاهره به سـمت جنوب حرکت کرد. البته برخی از بزرگان همراه لویی عقیـده داشـتند که اگر به اسـکندریه حمله کنند، نتیجه های بهتر و بیش تری خواهند گرفت، ولی لویی این نظر را نپذیرفت. سـپاه لویی در حال حرکت به سـمت قاهره بود که الصالح ایوب درگذشت. رسـیدن این خبر به صلیبی ها می توانست امیـدبخش باشـد و تصـرف قاهره را سـرعت بخشـد، ولی این گونه نشـد؛ چون بیوه الصالـح ایوب به نام شجره الـدّر که زنی بسـیار دورانـدیش بود، به همراه خواجه جمـال الـدین محسن و کمـک های فخرالـدین، مرگ شوهر را از دیگران پوشـیده نگـاه داشت. آن هـا به اسم سـلطان مـدتی کوتـاه، کشور و لشـکر را اداره کرده و اوضاع را سامان بخشـیدند. توران شاه، فرزنـد سـلطان که در جزیره بود، برای به دست گیری قـدرت پدر، خود را به مصـر رساند و فخرالدین به فرماندهی ارتش در برابر هجوم صلیبی ها

۱- السلوک، ج ۱، ص ۴۳۹.

برگزیده شد.(۱) صلیبی ها به ناچار در ناحیه بحرالصغیر اردو زدند؛ چون دور تا دور آن ها را آب فرا گرفته بود. دو سپاه مدت شش هفته بدون جنگ رویاروی یکدیگر ایستادند. در شبیخونی که صلیبی ها به لشکر مصری ها زدند، فخرالدین، فرمانده سپاه مصر کشته شد.

پس از فخرالدین، فرماندهی سپاه مصر به یکی از مملوکان به نام رکن الدین بیبرس واگذار شد. او فردی بسیار شایسته و کاردان بود و می توانست مصر را از سقوط نجات دهد. صلیبی ها خود را به شهر منصوره رساند و به مدت هشت هفته در برابر آن اردو زدند. توران شاه خود را از موصل و منطقه جزیره به اردوگاه رسانید و نیروهای مصری را تقویت کرد. توران شاه دستور داد قایق های زیادی را به وسیله شتر به منطقه نیل ببرند. وی به کمک این قایق ها، خط آبی ارتباطی سپاه صلیبی با عقبه لشکر؛ یعنی شهر دمیاط را قطع کرد و مصری ها توانستند ده ها کشتی صلیبیان را به غنیمت بگیرند.

بدین ترتیب، سپاهیان صلیبی در محاصره سختی قرار گرفتند و پس از مدتی قحطی شدید و انواع بیماری های واگیر در میان سپاهیان صلیبی گسترش یافت. لویی در پایان ماه مارس تصمیم گرفت به سمت دمیاط عقب نشینی کند. با آغاز عقب نشینی صلیبیان، مصری ها آنان را تعقیب کردند و فشارهای زیادی به آنان وارد ساختند. خسارت های رسیده از مسلمانان، گرسنگی و خستگی شدید، بیماری های کشنده و ناامیدی، سپاهیان صلیبی را از پای درآورد. لویی در این هنگام به شدت بیمار شد و

۱- السلوک، ج ۱، صص ۴۴۱ و ۴۰۵.

در بستر بیماری افتاد.(۱)

فرماندهان صلیبی تصمیم گرفتند شهر را بدون قید و شرط تسلیم کنند. از این رو، خلع سلاح شده و خود را به سپاهیان مسلمان مصری تسلیم کردند. شمار اسیران به قدری بود که مصری ها نمی توانستند آنان را کنترل کنند. حتی شاه سن لویی نیز به اسارت مصری ها در آمده بود.(۲) پادشاه فرانسه که اسیر و بیمار شده بود، در اسارت تصمیم گرفت صلح نامه ای با مصری ها امضا کند. او پذیرفت که در ازای آزادی خود و شهر دمیاط و آزادی سربازانش، پانصد هزار لیر تورنوا؛(۳) یعنی نزدیک به هشتصد هزار بزانت فدیه بپردازد. این قرارداد صلح در دوم صفر ۶۴۸ ه . ق بسته شد.(۴)

چندی از قرارداد یاد شده نگذشته بود که کودتایی از سوی فرماندهان مملوک علیه توران شاه صورت گرفت. درباره انگیزه این کودتا گفته اند، که توران شاه معتمدانی را که از جزیره با خود به مصر آورده بود، به پست های کلیدی گماشت. این کار، مملوکان قدرتمند را ناراحت کرد؛ چون آن ها انتظار داشتند پست های مهم به آن ها واگذار شود. اختلاف توران شاه با نامادری اش؛ یعنی همان بیوه الصالح ایوب، بهانه شورش مملوکان را بیش تر کرد. سرانجام مملوکان آیبک لاسمر را به فرماندهی برگزیده و توران شاه را در صفر ۶۴۸ ه .ق، به قتل رسانیدند.(۵)

۱- السلوک، ج ۱، ص ۴۴۸.

۲- السلوک، ج ۱، ص ۴۴۵؛ دول الاسلام، الحافظ شمس الدین ابی عبدالله الذهبی، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت ۱۴۰۵ ه .ق، ص ۳۵۵.

۳- Tournois.

۴- الدوله الایوبیه، محمد مصطفی زیاده، لجنه التألیف و الترجمه و النشر، القاهره، ۱۹۶۱، ص ۲۰۶.

۵- الروض الزاهر فی سیره الملک الظاهر، محی الدین ابن عبدالظاهر، الریاض، ۱۹۶۱، صص ۴۸ _ ۵۰؛ دول الاسلام، ص ۳۵۷.

پس از توران شاه، آیبک خود را نایب السلطنه معرفی کرد و با همان بیوه الصالح یعنی شجره الدّر ازدواج کرد و به طور موقت پسرعموی توران شاه را به شاهی برگزید. دمیاط به مصری ها واگذار شد و نخستین فدیه یاد شده جمع آوری و پرداخت گردید و قرار شد که نیم دیگر هنگام رسیدن شاه لویی به عکا پرداخت شود. لویی آزاد شد، ولی تا چهار سال به اروپا بازنگشت. او به این دلیل به اروپا نرفت که می خواست آزادی تمام سربازانش را از دست مملوکان ببیند، ولی شاید علت حقیقی خودداری او از بازگشت فوری به فرانسه آن باشد که وی از مردمان فرانسه و اروپا شرمسار بود. گذشت زمان می توانست از افسردگی او و مردم اروپا بکاهد و حضور وی را برای مردم فرانسه و اروپا تحمل پذیر کند.

چندی نگذشت که میان مملوکان مصر و ایوبیان شام در دمشق که به فرماندهی الناصر اعلام موجودیت کرده بودند، درگیری هایی روی داد. این درگیری ها سبب شد دو طرف بکوشند فرنگیان فلسطین به فرماندهی لویی را با خود علیه دیگری همراه کنند. حتی الناصر به لویی وعده کرد که چنان چه فرانسوی ها وی را علیه مملوکان یاری دهند، او بیت المقدس را به آن ها خواهد داد، ولی لویی نمی توانست چنین کند؛ چون در این صورت مصری ها باقی مانده اسیران صلیبی را در مصر می کشتند. از این رو، لویی، مصری ها را برای اتحاد با ایوبیان تهدید کرد و از آن ها خواست که اسیران صلیبی را بدون دریافت فدیه آزاد کنند. مملوکان نیز پذیرفتند.(۱)

۱- عقد الجمان فی تاریخ اهل الزمان، بدرالدین محمود العینی، پژوهشگر: محمد محمد امین، ج ۱، الهیئه المصریه العامه للکتاب، القاهره، ۱۹۸۵، ج ۱، صص ۳۳، ۴۰، ۴۴ و ۸۰.

سرانجام مرحله هفتم جنگ صلیبی

سرانجام مرحله هفتم جنگ صلیبی

این مرحله از جنگ ها نیز به سود مسلمانان و به زیان صلیبی ها پایان یافت. قرارداد صلحی که میان مسلمانان و مسیحیان صلیبی بسته شد اوج قدرت مسلمانان و ناتوانی روزافزون صلیبی ها را به نمایش گذاشت. متأسفانه دگرگونی های سیاسی مصر تا حدودی از شیرینی این پیروزی در مذاق مسلمانان کاست؛ زیرا مملوکان ترک نژاد در مقایسه با ایوبیان، رهبرانی دوست داشتنی برای مردم مصر نبودند. از سوی دیگر، ظهور مملوکان سبب شد که غرب جهان اسلام که در زمان الصالح ایوب تا حدی یکپارچه بود، گرفتار درگیری های داخلی شود. هم چنین این اختلاف ها سبب شد که دو دولت مسلمان ایوبی و مملوکی بکوشند تا با دادن امتیازهایی به صلیبی ها، آن ها را علیه رقیب با خود همراه سازند که این امر هم به حیثیت و هم سرمایه و هستی جهان اسلام زیان رساند.

چنان که گفته شد مملوکان با گرفتن وعده اتحاد از صلیبی ها علیه ایوبیان، نیمی از مطالبات خود را از لویی نگرفته و تمامی صلیبی ها را آزاد ساختند. از سوی دیگر، این جنگ ها و درگیری های پیاپی داخلی سبب شد که هم مملوکان و هم ایوبیان بر میزان و تعداد مالیات ها از مردمان شهرها و روستاهای زیرسلطه خود بیفزایند.

لویی در مدت اقامت خود در فلسطین، وضعیت دفاعی شهرهای صلیبی را استوارتر کرد و قلعه های عکا و قیصاریه و یافا و صیدون را بیش از پیش مستحکم ساخت. اختلافات خانوادگی در شاهزاده نشین انطاکیه و طرابلس را برطرف کرد و با رئیس اسماعیلیه شام قرارداد دوستی بست. او حتی کوشید با مغول ها علیه مسلمانان پیمان همکاری ببندد.

یکی از هدف های لویی از اقامت در فلسطین، آموزش و به کارگیری سپاهیان تازه نفس صلیبی بود تا بتواند شکست مفتضحانه اش را جبران کند. برای این منظور، از برادرانش در فرانسه خواست که سپاهی به کمک او بفرستند. هم چنین از پاپ کمک خواست. پاپ نیز به پادشاهان اروپایی نامه نوشت و آن ها را برای کمک به لویی فرا خواند. حتی تلاش او برای برقراری روابط با مغول ها در همین راستا می گنجد. غافل از آن که همه این تلاش ها بی فایده بود. دیگر نه شاهان اروپا و نه مردم اروپا هیچ علاقه ای به تکرار جنگ های صلیبی نداشتند. ناخرسندی آن ها از پاپ و کلیسا و بی نتیجه دیدن جنگ های پیاپی در گذشته هرگونه انگیزه تازه ای برای جهاد را می خشکاند.(۱) صلیبی ها و پاپ و کلیسا اگر برای شکست های پیشین توجیهی داشتند، برای این شکست هیچ دلیلی نداشتند. رانسیمان می نویسد:

پیش از این می شد شکست مجاهدان را نتیجه بدکاری و جنایت های ایشان قلمداد کرد، ولی برای شکست اخیر هیچ توجیهی نداشتند. پس آیا حقیقت این نبود که خداوند بر این جنبش (جریان صلیبی ها) یکسره خشم گرفته بود.(۲)

لشکرکشی لویی به قلمرو مسلمانان چیزی جز قتل و غارت فراوان در پی نداشت. این لشکرکشی به هیچ وجه به سود مسیحیان و مسلمانان نبود؛ زیرا شمار زیادی از مسیحیان فلسطین در این جنگ کشته شدند و سرمایه ها و اندوخته هایشان برای اداره جنگ هزینه شد. کارهای لویی در فلسطین،

۱- مکتبه الحروب الصلیبیه، جوزف نسیم یوسف، ج ۳، دارالنهضه العربیه، بیروت، ۱۹۸۱، صص ۲۸۹ _ ۳۳۹.

۲- درباره اقامت لویی در سوریه و فلسطین و عملکردهای او نک: تاریخ جنگ های صلیبی، رانسیمان، ج ۳، ص ۳۳۶.

بسیاری از اختلافات و درگیری های آینده میان صلیبی های آسیا را در پی داشت.

مسلمانان نیز از این جنگ ها، زیان فراوان دیدند. بسیاری از مسلمانان در این جنگ ها کشته شدند. توان مسلمانان فلسطین، سوریه و مصر که در آستانه یورش مغول به قلمروشان بودند، آن قدر تحلیل رفته بود که ممکن بود حیات اسلام و مسلمانان به خطر افتد. مسلمانان که متوجه حمله مغول شده بودند، کوشیدند با هم متحد شده و اختلافات را کنار بگذارند. خلیفه که بیش ترین خطر را متوجه تخت خود می دید، گام های مؤثری برای برقراری اتحاد میان مملوکان و ایوبیان برداشت. اگرچه با وجود این اتحاد، مغول ها توانستند بین النهرین و سوریه را بگیرند، ولی نتوانستند مصر را تصرف کنند؛ چون آیبک، سلطان مملوک، با دلیری سپهسالارش، بیبرس توانست آن ها را در عین جالوت شکست سختی بدهد.(۱) بدین ترتیب، انگاره شکست ناپذیری مغول ها از میان رخت بر بست و مسلمانان امیدوار شدند.

۱- در زمینه نبرد عین جالوت نک: تاریخ مغول عباس اقبال، امیرکبیر، ۱۳۶۵، ص ۱۹۳؛ تاریخ الممالیک فی مصر و بلاد الشام، محمد سهیل طقّوش، دارالنفائس، بیروت ۱۹۹۷ م، صص ۷۳ _ ۸۲.

فصل هشتم: مرحله هشتم از جنگ های صلیبی

اشاره

فصل هشتم: مرحله هشتم از جنگ های صلیبی

پیش از آغاز مرحله هشـتم جنگ های صلیبی، سلسله رویدادهایی در مصر و فلسطین و اروپا رخ داد. در مصر به تحریک ملکه ـ بیوه الصالح ایوب ـ آیبک به دست خواجه اش در حمام کشـته شد و در پی آن ملکه نیز به دست هواخواهان آیبک به قتل رسید. سیف الدین قطز (قدوز) خود را جانشین آیبک خواند، ولی او کنار گذاشته شد و بیبرس به فرمانروایی مصر رسید.

در زمان فرمانروایی قطز نخستین برخورد جدی میان مغولان و مصری ها روی داد. در این زمان، بیبرس یکی از امیران سپاه قطز بود. در نبردی که خود قطز فرمانـده آن بود، مصـری ها توانسـتند شـکست سـنگینی بر سپاه مغول به فرماندهی کیتو بوغا وارد آورنـد. کیتو بوغا اسـیر و به فرمان قطز اعـدام شـد. سـلطان مصـر به بیبرس، سـردار خود بـدگمان شده بود. از این رو، وقتی او حکومت حلب را از سـلطان خواست، تقاضایش رد شد. در ۲۳ اکتبر ۱۲۶۰ م سـلطان هنگام شکار به دست بیبرس کشته شد و بیبرس به پادشاهی مصر برگزیده شد.

علت های آغاز مرحله هشتم جنگ های صلیبی

علت های آغاز مرحله هشتم جنگ های صلیبی

حمله صـلیبی ها به مصـر سـبب شد که در مصر مملوکان قدرتمندی یکی پس از دیگری به قدرت برسند. پیروزی های پی در پی آنان بر مغول ها، طلسم

شکست ناپذیری مغولان را شکست و به مملوکان اعتبار و اقتدار فراوان بخشید. هنگام تاختن مغولان به شام، بعضی شهرهای مسیحی و صلیبی نشین آن جا در تسخیر شهرهای مسلمانان به مغول ها کمک کرده بودند. از این رو، پس از پیروزی مملوکان بر مغول ها، بیبرس، سلطان مصر، به فکر انتقام از صلیبی ها افتاد. این تلاش برای انتقام، به بازپس گیری تمامی مناطق صلیبی نشین فلسطین انجامید. پیروزی های مسلمانان و شکست های سنگین مسیحیان، در برپایی تهاجم جدید اروپاییان به قلمروهای شرق اسلامی مؤثر بود.

بیبرس نخست قیصریه را در ۶۶۹ ه .ق (۱۲۷۱ م) تصرف کرد. نیروهای بیبرس چند روز بعد به حیفا یورش برده و آن را تسخیر کردند. سپس آرسوف،(۱) عکا، صفد، تمام جلیله، یافا و انطاکیه به دست مسلمانان افتاد. فتح انطاکیه که پس از ۱۷۰ سال اشغال صلیبی ها صورت می گرفت، مسلمانان را شادمان کرد. در پی آن، تقریبا تمام مناطق صلیبی نشین آسیا از وجود مسیحیان فرنگی پاک سازی شد.(۲) با رسیدن خبر سقوط انطاکیه به اروپا، پاپ کلمان چهارم نامه هایی به پادشاهان اروپا فرستاد و آن ها را برای یک جنگ صلیبی جدید فرا خواند، ولی پادشاهان اروپا به جز سن لویی جواب مثبتی به درخواست پاپ ندادند. سن لویی گروهی از رجال فرانسه را در پاریس جمع کرد و از آن ها خواست که به همراه وی برای آغاز جنگ صلیبی دیگری رهسپار شوند. نماینده پاپ نیز در این جمع سخنرانی پراحساسی

۱- Arsof.

۲- در زمینه پیروزی های بیبرس علیه صلیبی ها نک: تاریخ المماليك، صص ۱۲۱ _ ۱۲۹.

کرد. سپس لویی از دست نماینده پاپ صلیب گرفت و حاضران نیز از او تقلید کردند و صلیب گرفتند.

حاکم سیسیل، شارل آنژویی نیز که از سوی پاپ تیول دار سیسیل شده بود، می خواست جنگ صلیبی دیگری به راه اندازد. البته وی در پی فراهم ساختن خواسته های شخصی خود بود.(۱)

چگونگی آغاز آخرین مرحله جنگ های صلیبی

چگونگی آغاز آخرین مرحله جنگ های صلیبی

گفتیم که لویی تصمیم گرفت برای نجات مسیحیان فلسطین، صلیب گرفته و رهسپار آسیا شود. او در مشاوره با یارانش به این نتیجه رسید که بهتر است این بار نخست به تونس حمله کند تا هم مزاحمت های کشتی های تونسی برای کشتی های تجاری فرانسوی را کم کند و هم پس از اشغال تونس و مسیحی کردن پادشاه و مردم آن جا، از سمت غرب مصر به آن جا لشکرکشی کند.

سپاه فرانسه پس از گذر از دریا به تونس رسید و در ۱۲۶۹ م (ذی الحجه ۶۶۸ ه . ق) در کنار شهر قرطاجیه مستقر شد. در این زمان، پادشاه تونس محمد بن ابی زکریا ملقب به المستنصر بود. جنگ میان دو طرف به شدت روی داد. صلیبی ها شهر را محاصره کرده و در پی تسخیر آن بودند. جنگ ماه ها طول کشید و در نتیجه، سپاه صلیبی اندوخته و آذوقه خود را از دست داد. بیماری های واگیردار نیز در میان سپاهیان صلیبی گسترش یافت و بسیاری مردند.

یورش های پیاپی و شبانه سپاهیان آفریقایی به صلیبی ها، آرامش و

۱- جنگ های صلیبی هانس مایر، ص ۳۲۲.

خواب را از آنان گرفته و بیش از پیش آن ها را ناامید کرده بود. در اثر بیماری حتی پسر لویی نیز درگذشت. پس از چندی خود سن لویی نیز گرفتار بیماری شد و در ۱۲۷۰ م (۶۶۹ ه . ق) درگذشت.

پس از مرگ لویی، پسرش، فیلیب سوم ملقب به جسور، فرماندهی سپاه را به دست گرفت و کوشید کار نیمه تمام پدر را در محاصره شهر قرطاجیه به انجام رساند. سپاه صلیبی از پیروزی ناامید شده بود و چه بسا قصد بازگشت به فرانسه را داشت که برادر لویی با سپاه انبوهی به کمک صلیبی ها رسید.(۱) با تقویت نیروهای صلیبی، شهر در آستانه سقوط قرار گرفت. پادشاه تونس که دیگر بیش از این یارای ایستادگی نداشت، تقاضای صلح کرد. پس از نرسیدن نیروی کمکی از سوی بیبرس، پادشاه مصر، پادشاه تونس از پیروزی ناامید شد.(۲) پس از پیشنهاد صلح، فیلیپ نیز از فرصت بهره برد و با شرایطی که به زیان مسلمانان تونس بود، قرارداد صلح را در ربیع الاول ۶۶۱ ه . ق امضا کرد. بر اساس این قرارداد، تونس تابعیت فرانسه را پذیرفت و متعهد شد که مبلغ ۲۲۰ هزار سکه طلا بابت غرامت جنگی به صلیبی ها بپردازد. صلیبی ها در راه بازگشت به اروپا دچار توفان گشتند و در دریا غرق شدند.

در همین زمان، شاهزاده ادوارد، ولی عهد انگلستان، جنگ صلیبی دیگری را در فلسطین به راه انداخت. او وقتی به فلسطین رسید که انطاکیه در محاصره سپاهیان بیبرس بود. بیبرس با عجله به محاصره پایان داد و برای مقابله با شاهزاده انگلیسی رهسپار شد. ولی عهد انگلیس نمی توانست تهدید

۱- الحرکه الصلیبیه، صص ۱۲۳۷ _ ۱۲۴۶.

۲- در زمینه ناممکن شدن کمک بیبرس به تونس نک: تاریخ الممالیک، ص ۱۱۰.

جدّی برای بیبرس باشد؛ چون وی سپاه کافی نداشت و تنها امید او مغول ها بودند. بیبرس سپاه اعزامی مغول ها را برای کمک به ادوارد به عقب راند. ادوارد پس از مدتی تاخت و تاز بیهوده، سرانجام در ۱۲۷۲ م. (شوال ۶۷۰ ه . ق) با بستن معاهده ای با بیبرس به کشورش بازگشت.(۱) در این زمان، اسقف اعظم لیر که به همراه ادوارد در فلسطین به سر می برد، به پاپی برگزیده شد. او بسیار کوشید تا اروپاییان را به جهاد بشوراند، ولی کسی به شنیدن سخنانش علاقه ای نشان نداد؛ چون به گفته رانسیمان، جهاد در راه صلیب به انحطاط گراییده بود و تنها وسیله ای برای پیشبرد هدف های تجاوزکارانه و تنگ نظرانه دستگاه پاپ شده بود.(۲)

به هر حال، صلیبی ها نتوانستند خطر جدی برای بیبرس فراهم کنند، به طوری که تنها رعایت احتیاط از تهدیدهای مغول ها بود که سبب می شد تا بیبرس کار صلیبی ها را در سوریه و فلسطین یکسره نکند. سرانجام بیبرس پس از گرفتن قیصاریه، آرسوف، صفد، یافا، انطاکیه و قعله های شقیف، بقراص، قیصر، حصن الاکراد، فرین، حصن عکا، صافینا، مرقبه و حلب در ۲۷ محرم ۶۷۶ ه . ق (اول ژوییه ۱۲۷۷ م. درگذشت.

پس از دگرگونی های سیاسی ای که پس از وی در حاکمیت مصر پیش آمد، سرانجام قلاوون، وزیر بیبرس و ملقب به الملک المنصور، سلطنت را به دست گرفت. وی در سال ۶۸۰ ه . ق، سپاه مغول را در ناحیه حمص به سختی شکست داد و سپس به سراغ صلیبی ها رفت؛ زیرا صلیبی ها مغول ها را در تسخیر حلب و قتل و غارت آن جا یاری داده بودند. قلاوون در سال ۶۸۴ ه .ق، قلعه مرقب را که اهالی آن بارها به مغولان کمک رسانیده بودند،

۱- الحرکه الصلیبیه، ص ۱۲۳۷.

۲- تاریخ جنگ های صلیبی، ج ۳، ص ۴۰۵.

تسخیر کرد.

قلاوون در سال ۶۸۸ ه .ق (۱۲۸۹ م) به طرابلس که در اختیار صلیبی ها و فرنگی ها بود، لشکر کشید و آن را پس از یک محاصره سخت و سنگین به تصرف درآورد. خبر سقوط طرابلس زمینه ساز سقوط عکا شد؛(۱) زیرا روحیه مسلمانان تقویت شد و اهالی عکا نیز از پایداری ناامید شدند. تسخیر طرابلس در اروپا با واکنش روبه رو شد. پاپ نیکلای چهارم نامه هایی به سران کشورهای اروپا فرستاد و از آن ها خواست تا با سپاهیانشان به شرق حرکت کنند، ولی هیچ کدام از آنان به نامه های پاپ اعتنایی نکردند. البته در ایتالیا، جنبشی مردمی برای جهاد به راه افتاد که به گفته رانسیمان نمی توان جهاد آنان را جهاد واقعی دانست، بلکه انگیزه های مادی در میان آنان مهم ترین انگیزه برای حرکت به شرق بود. وی می نویسد:

تنها در شمال ایتالیا بود که صلای مددخواهی پاپ پاسخی برانگیخت. این پاسخ نه از میان بزرگ زادگان، بلکه از میان توده ناهماهنگی از روستاییان و ول گردان لمباردی و توسکانی برخاست که جویای نام بودند و به امید تاراج و غارت شرق، صلای پاپ را پاسخ داده بودند.(۲)

این گروه به عکا رفتند و در آن جا به کشتار شهروندان و تاجران مسلمان پرداختند. این جنایت ها سبب شد که قلاوون به فکر تسخیر عکا بیفتد، ولی همین که سپاه انبوه او از قاهره به سوی عکا رهسپار شد، قلاوون سخت بیمار شد و درگذشت.(۳)

پسر و جانشین وی، الاشرف خلیل به پدر قول داد که راه او را در نبرد با

۱- تاریخ الممالیک، صص ۱۸۰ _ ۱۸۷.

۲- تاریخ جنگ های صلیبی، ج ۳، ص ۴۸۸.

۳- تاریخ الممالیک، صص ۱۸۷ و ۲۰۱.

صلیبی ها ادامه دهد. الاشرف برای تحکیم پایه های قدرت خود و سرکوبی توطئه گران، حرکت نظامی به سوی عکا را به سال آینده موکول کرد.

سپاهیان الاشرف در سال ۶۹۰ ه . ق (مارس ۱۲۹۱ م) رهسپار عکا شدند. عکا بیش از ۳۰۰۰۰ جمعیت داشت و از مهم ترین شهرها و پایگاه های صلیبی ها به شمار می آمد. شهر دارای قلعه های مستحکمی بود و مدافعان صلیبی نیز از هر سو (قبرس و حتی اروپا) برای دفاع از عکا به حرکت درآمدند. شهر به محاصره مسلمانان درآمد. پس از جنگی سخت، سرانجام شهر در ۲۷ جمادی الاولی ۶۹۰ ه .ق (۲۸ مه ۱۲۹۰ م) به تصرف مسلمانان در آمد. پیش تر این شهر نوک حمله صلیبی ها به قلمرو مسلمانان بود. از این رو، حصار و برج های آن به کلی ویران شد تا در صورت اشغال دوباره، پاسداری و دفاع از آن برای صلیبی ها ممکن نباشد. الاشرف پس از عکا، شهرهای صور، صیدا، بیروت و حیفا را تصرف کرد و پس از آن، قلعه های عثلیث و طرطوس را نیز از صلیبی ها بازپس گرفت.(۱)

سرانجام مرحله هشتم جنگ های صلیبی

سرانجام مرحله هشتم جنگ های صلیبی

گفتیم که ظهور مملوکان در مصر، از جمله بیبرس و الاشرف توانست به حیات سیاسی _ نظامی صلیبی ها در آسیا پایان دهد. خبر سقوط عکا، به اندازه خبر سقوط بیت المقدس در زمان صلاح الدین ایوبی، وحشتناک و اندوه بار بود. هرچند شرایط زمانی این دو رویداد متفاوت بود. در زمان سقوط بیت المقدس، مردم اروپا هنوز به ظاهر کاملاً اعتماد خود را نسبت به پاپ از دست نداده بودند، ولی در زمان سقوط عکا، هم شاهان و هم توده

۱- تاریخ الممالیک، صص ۲۰۳ _ ۲۰۷.

مردم اروپا، دیگر هیچ اعتماد و علاقه ای به پاپ نداشتند. از این رو، بر خلاف گذشته، این بار کسی به خواسته و تقاضای پاپ برای شرکت در جنگ های صلیبی اهمیتی نداد. رانسیمان می نویسد:

اروپای باختری اسیر مسایل داخلی خود بود. از آن همه غیرت و شوری که زمام داران و شاهان بزرگ را پیش تر به سوی خاور می کشانید، اثری دیده نمی شد. حتی به راه انداختن لشکری از عوام نیز مانند گذشته آسان نبود. مردمان باختر به فراوانی نعمت و آسایش های جدید رسیده بودند و دیگر به سخنان تبلیغی برای جنگ توجهی نمی کردند تا بار دیگر مانند پدران ساده لوح خویش، به صلای غیب گویانه مردی چون پطر زاهد با خلوص نیت پاسخ دهند. وعده پاداش های بی حساب نیز کارگر نمی افتاد. استفاده از جهاد مقدس برای مصلحت های سیاسی و شخصی، دیدگان مردم را باز کرده بود.(۱)

تلاش پاپ نیکلای چهارم برای برانگیختن مردم و پادشاهان اروپا بی نتیجه بود. مسلمان شدن غازان خان، ایلخان مغول، مسیحیان را در اتحاد با مغول ها برای ضربه زدن به مصری ها و به دست آوردن فلسطین ناامید کرد. پس از مرگ پاپ نیکلا، چندین پاپ بر سر کار آمدند، ولی هیچ یک نتوانستند کار مهمی از پیش ببرند. دیگر مبلغان کلیسا نیز چون گذشته برای برپایی جهاد و جنگ صلیبی تبلیغ نمی کردند. البته تبلیغ علیه اسلام و مسلمانان صورت می گرفت، ولی این بار نویسندگان بودند که این وظیفه را بر عهده داشتند.(۲)

این نویسندگان در کتاب ها و رساله هایشان برای فتح فلسطین طرح هایی ارایه می دادند. اینان هم چنین با یادآوری داستان از دست رفتن شهرهای

۱- تاریخ جنگ های صلیبی، ص ۵۰۸.

۲- تاریخ جنگ های صلیبی، ص ۵۱۱.

صلیبی و به ویژه متهم کردن مسلمانان و نوشتن دروغ های عجیب می کوشیدند به هر شکلی، مردم و شاهان اروپا را برای لشکرکشی به شرق تشویق کنند.

تلاش برای زنده کردن جنگ های صلیبی ادامه داشت تا این که ۷۵ سال پس از فروپاشی عکا، آخرین شعله زیر خاکستر جنگ های صلیبی شعله ور شد و جنگ صلیبی دیگری را رقم زد. این بار پیش گامی نه از سوی پاپ، بلکه از سوی پادشاه قبرس به نام پطر بود. وی در کشورهای اروپا می گشت و می کوشید شاهان اروپایی را برای آغاز جنگ دیگری بشوراند.

پاپ، کاردینال تالیران(۱) را به نمایندگی خویش برگزید و تمام شاهان اروپایی را برای شرکت در جنگ صلیبی دیگری فرا خواند. به هر حال او توانست سپاهی انبوه را به سوی اسکندریه رهسپار کند. سلطان وقت مصر کودکی یازده ساله به نام شعبان بود. مدت ها بود که روابط مسیحیان و مسلمانان مسالمت آمیز شده بود و آنان کینه نبردهای پیشین را فراموش کرده بودند. از این رو، مصری ها که گمان نمی کردند اروپاییان به اسکندریه حمله کنند، شهر را بدون مدافع رها کرده بودند. شهر به راحتی محاصره شد و در مدت کوتاهی به تسخیر اروپاییان درآمد. شهر اسکندریه که مهم ترین شهر تجاری مصر بود، در این زمان ثروت بی کرانی داشت. شهر کاملاً به غارت صلیبی ها رفت و آنان قتل عام وحشیانه ای در شهر به راه انداختند. هزاران اسیر به بردگی فروخته شدند. صلیبی ها که برای غارت آمده بودند، به اصرار پطر که معتقد بود باید مبارزه ادامه یابد تا در مصالحه با شاه مصر، اورشلیم را با اسکندریه معاوضه کند، توجهی نکردند و حتی به دشمنی با او

۱- Talleyrand.

پرداختند؛ زیرا آنان به ثروت زیادی دست یافته بودند و می خواستند هرچه زودتر آن ها را با خود به اروپا ببرند. آنان حاضر نبودند که دارایی خود را به خطر اندازند. به همین دلیل پطر هم مجبور شد با آن ها به قبرس باز گردد.(۱)

۱- تاریخ المالیک، صص ۳۱۲ _ ۳۱۸.

بخش سوم پی آمدهای جنگ های صلیبی

اشاره

بخش سوم پی آمدهای جنگ های صلیبی

زیر فصل ها

پی آمدهای جنگ های صلیبی در اروپا

اشاره

پی آمدهای جنگ های صلیبی در اروپا

زیر فصل ها

۱. کاهش اعتبار، اقتدار و احترام پاپ

۲. گسترش رشته های گوناگون دانش در اروپا

۳. گسترش تجارت در اروپا

۴. گسترش صنایع و کشاورزی در اروپا

۵. تأثیر رفتار اسلامی و انسانی مسلمانان بر صلیبی ها

۱. کاهش اعتبار، اقتدار و احترام پاپ

۱. کاهش اعتبار، اقتدار و احترام پاپ

یکی از آثار جنگ های صلیبی، کاهش اعتبار، اقتدار و احترام پاپ و کلیسا نزد شاهان، بزرگان و توده مردمان اروپا بود. در این زمینه، پیش تر سخنانی گفته شد. گفتیم که کارهای کلیسا در زمان جنگ های صلیبی، پاپ و کلیسا را بی اعتبارتر کرد. دخالت مستقیم و بی جای نماینده پاپ در امور جنگ، پی آمدهای منفی برای صلیبی ها در پی داشت. پیش تر دیدیم که دخالت نماینده پاپ در حمله اول صلیبی ها به مصر و اشغال دمیاط سبب شد که پیشنهاد پادشاه مصر را برای معاوضه بیت المقدس و دمیاط نپذیرند و بدین ترتیب، فرصت بزرگی از دست مسیحیان رفت. هم چنین در مرحله چهارم جنگ های صلیبی، پاپ برای دست یابی به مقاصد سیاسی خود در اروپا، جنگ صلیبی را علیه مسیحیان به راه انداخت و سرانجام قتل عام مسیحیان و غارت زندگی آن ها را در قسطنطنیه تأیید کرد.

ستم کلیسا بر مردم در طول قرون وسطا و تقویت ساختار طبقاتی جامعه غربی، ناخرسندی مردم را از پاپ و کلیسا پدید آورد. به ویژه این ناخرسندی ها وقتی بیش تر شد که آنان در جنگ های صلیبی از نزدیک با فرهنگ مسلمانان و نبود فاصله طبقاتی در جامعه اسلامی آشنا شدند. آنان دریافتند که اگر هم در جهان اسلام در مواردی فاصله طبقاتی هست، اسلام

هیچ گاه آن را تأیید نکرده است. قوانین اسلام در پی عملی کردن عدالت اجتماعی است، ولی در اروپا پاپ و کلیسا، شرایط اقتصادی _ اجتماعی ناعادلانه و ظالمانه آن جا را تأیید می کردند.

شاهان و حاکمان اروپایی نیز از عملکرد پاپ و کلیسا ناراضی بودند. آن ها در سرزمین های اسلامی دیدند که پادشاهان مسلمان به هیچ وجه مانند پادشاهان صلیبی به روحانیان و عالمان دینی خود وابسته نیستند. شاهان و رجال اروپایی که بیش از دیگران فرصت طلبی های پاپ و کلیسا را می دیدند، زودتر از دیگران نسبت به آن ها بی اعتقاد می شدند. از این رو، فرمان ها و تقاضاهای پاپ برای ترغیب شاهان اروپا به راه اندازی جنگ صلیبی گوش شنوا نداشت و نخست هرکدامشان برای فرار از تکفیر پاپ، بهانه ای برای خود دست و پا می کردند. در مراحل پایانی جنگ های صلیبی، امپراتوران مسیحی حتی برای شرکت نکردن در جنگ، بدون بهانه، بی اعتقادی خود را به جنگ های صلیبی بیان می کردند و حتی از تکفیر ظاهری پاپ هم نمی هراسیدند. برای نمونه، پاپ بارها فردریک دوم را تکفیر کرد، ولی وی پیوسته نسبت بدان بی اهمیت بود.

۲. گسترش رشته های گوناگون دانش در اروپا

۲. گسترش رشته های گوناگون دانش در اروپا

در جنگ ها افزون بر جنبه ویرانگری، جنبه های مثبت نیز دیده می شود. دانش پزشکی و داروسازی یکی از این جنبه هاست. در جنگ های صلیبی نیز بیماری های واگیردار و خطرناک که به اردوهای سپاهیان هجوم می آورد و هم چنین جراحت های جسمی در جنگ ها، سبب گسترش و پیشرفت این شاخه علمی شد.

گذشته از این، گاه پیش می آمد که یک شهر با تمام جمعیتش به اشغال

سپاه صلیبی درمی آمد. بنابراین، صاحبان حرفه ها می توانستند یا مجبور بودند که دانش و مهارت خود را در اختیار مهاجمان بگذارند. با توجه به این که مسلمانان در این عصر پیشرفت زیادی کرده بودند، صلیبی های مهاجم بسیاری از دانش ها و مهارت ها را از مسلمانان آموختند. ابن ابی اصیبعه می نویسد:

حکیم ابوالمجد بن ابوالحکم، سلطان نورالدین محمود زنگی را با خود به گردش در بیمارستان می برد و همراه او از حال بیماران می پرسید و به کارهایشان رسیدگی می کرد. در خدمت این پزشک مسلمان، پرستاران و کارکنانی بودند که هر دارو یا درمان یا سفارشی درباره بیماران می کرد، بدون درنگ عملی می شد. سپس وی به قلعه می شد و به حال بیمارانی از بزرگان دولت رسیدگی می کرد. سپس به ایوان بزرگ بیمارستان می آمد و در آن جا کتاب های درسی حاضر می کرد. سلطان نورالدین کتاب های پزشکی بسیاری برای این بیمارستان وقف کرده بود. گروهی از پزشکان و دانش پژوهان می آمدند و در خدمت حکیم ابوالمجد دانش پزشکی می آموختند.(۱)

این در حالی است که ویل دورانت درباره وضعیت پزشکی فرنگی ها می نویسد:

اساسا پزشکی قرون وسطا از این دست بود: مادرانی با ادویه گوناگون خانگی؛ پیرزنان خبره در گیاهان طبی، مشمع ها و طلسم ها؛ عطارهایی در حال فروش گیاهان شفابخش و داروهایی حتمی الاثر و معجزه آسا؛ ماماهایی برای کمک به تولد نوزاد در حالتی مسخره آمیز؛ پزشکان شیّادی برای درمان یا قتل بیماران در برابر هزینه سنگین حتی در دانشگاه سالرنو

۱- تاریخ پزشکی ایران، سیریل الگود، برگردان: باهر فرقانی، امیرکبیر، ۱۳۷۱، صص ۲۷۰ _ ۲۷۱، برگرفته از: طبقات الاطباء.

که مرکز پزشکی بود.(۱)

با این شرایط، اروپاییان در نتیجه رویارویی با مسلمانان، دانش پزشکی پیشرفته آن عصر را از آنان آموخته و به اروپا بردند. به گفته برتر اندراسل، از قرن دوازدهم تا هفدهم کتاب های ابن سینا به عنوان راهنمای طب در اروپا به کار می رفت.(۲)

هرچند طبّ کهن بقراط و جالینوس بر طب جهان اسلام تأثیرگذاشته بود، ولی مسلمانان توانسته بودند با ترکیب طب یونانی، سریانی، هندی و ایرانی، طبی کارآمد بسازند که بسیار پیشرفته تر و علمی تر از طب اروپا در دوران جنگ های صلیبی بود. مسلمانان در این دوران آن قدر پیشرفته بودند که تا قرن هفدهم معلم اروپاییان بودند.(۳)

اروپاییان به وسیله هم نشینی با مسلمانان اسپانیا و هم چنین در اثر جنگ های صلیبی، با دانش مسلمانان آشنا شدند. می توان گفت یکی از عوامل رنسانس و در پی آن دگرگونی های علمی، اجتماعی و اقتصادی و حتی سیاسی نوین در اروپا، آموخته های اروپاییان از دانش و فرهنگ مسلمانان در طول جنگ های صلیبی بود.

در جنگ های صلیبی دانش های دیگری نیز از جهان اسلام به اروپا راه یافت. مسلمانان سال ها پیش از آغاز جنگ های صلیبی در دانش های نجوم، هیأت، ریاضیات، شیمی، زیست شناسی و غیره، پیشرفت های مهمی به دست

۱- تاریخ تمدن، ج ۴، بخش ۲، ص ۱۳۴۳.

۲- تاریخ فلسفه غرب، برتر اندراسل، برگردان: نجف دریابندری، ۱۳۵۱، ص ۲۱۳ با گزینش و اندکی تغییر.

۳- تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، حنا الفاخوری و خلیل البحر، برگردان: عبدالحمید آیتی، انتشارات زمان، ۱۳۵۵، ص ۳۵۶.

آورده بودند، حال آن که اروپاییان به سبب فقر و تهی دستی و دوری از دانش، در وضعیت اسفناکی به سر می بردند. آنان در جنگ های صلیبی مهارت ها و دانش های بسیاری از مسلمانان آموختند و وضع خود را بهبود بخشیدند.

اروپاییان صلیبی مصر و سوریه، به وسیله ارتباط با مسیحیان بومی آن مناطق، به خوبی زبان عربی را فرا گرفتند. در نتیجه، شرایط محیطی، شیوه های زندگی، دانش ها و مهارت های مردمان آن جا را آموختند. به همین سبب، آثار تاریخ نویسان عرب مسیحی در قرن سیزدهم میلادی (هفتم هجری) مانند المکین (۶۰۲ _ ۶۷۲ ه . ق) و ابوالفرج ابن العبری (۶۲۳ _ ۶۸۵ ه . ق) پیش از آثار تاریخ نویسان مسلمان در اروپا شناخته شد.(۱) آثار ابن رشد _ فیلسوف مسلمان _ در قرن سیزدهم به وسیله مایکل اسکات(۲) به لاتین ترجمه گردید.(۳) اروپاییان از سده یازدهم به بعد، به ترجمه کتاب های عربی روی آوردند. آن ها کوشیدند با آموختن زبان عربی، کتاب های علمی جهان اسلام را به زبان اروپایی برگردانند. کسانی که جویای علم و فلسفه بودند، زبان عربی را فرا می گرفتند تا به سرچشمه معرفت دست یابند. کلیات ابن رشد اندلسی و رسایل فارابی و ابوعلی سینا در فلسفه و مقاصد الفلاسفه غزالی و... در اروپا ترجمه شدند و بعدها به زیر چاپ رفتند.(۴)

ریاضیات، هندسه و نجوم از دیگر رشته های دانش مسلمانان بود که

۱- فرهنگ و تمدن مسلمانان، و.و. بار تولد، برگردان: علی اکبر دیانت، نشر ابن سینا، تبریز، ۱۳۳۷ ه .ش، ص ۳۳.

۲- Micheal Scott.

۳- تاریخ فلسفه غرب، ص ۲۱۴.

۴- سیر حکمت دراروپا، محمدعلی فروغی، انتشارات حبیبی وزوار، تهران، ج ۱، صص ۱۰۰ _ ۱۰۴.

اروپاییان در جنگ های صلیبی با آن ها آشنا شدند. لئوناردو فیبوناتچی، تاجر ایتالیایی، درباره سفری به مصر، سوریه، یونان و سیسیل، حساب و ریاضیات آموخت و کتابی در ریاضیات نوشت که در آن رقم صفر و ارقام هندی و سلسله اعشار را آورده بود. وی هم چنین جبر عربی و واژگان و فرمول های ریاضی مسلمانان را نگاشت و به تقلید از مسلمانان، از جبر برای حل قضیه های هندسی بهره گرفت.(۱) هم چنین واژه الجبر(۲) و عنوان الگوریتم(۳) خوارزمی به لاتین ترجمه شد؛ دانش حساب تا چند قرن در اروپا بدین نام معروف بود.(۴)

دانش شیمی که میان مسلمانان گسترش و پیشرفت داشت، به غرب منتقل شد. پزشکانی چون آرنالد ویلانووایی(۵) و ریموند لویی(۶) ــ از پزشکان معروف اروپا در قرن سیزدهم ــ شیمی را با پزشکی ترکیب کردند،(۷) این در حالی بود که قرن ها پیش از آن، محمد بن زکریا در جهان اسلام این کار را کرده بود. در سال ۱۳۰۷ م کلیسا کیمیاگری را به عنوان فن اهریمنی مردود شمرد، ولی مردم به باور خود مانده بودند. غربی ها در قرن سیزدهم با شناخت جوهرهای معدنی، دانش شیمی و صنعت خود را گسترش دادند.(۸)

۳. گسترش تجارت در اروپا

۳. گسترش تجارت در اروپا

۱- تاریخ تمدن، ج ۴، ص ۱۳۳۳.

۲- Algebre.

۳- Algoritmi.

۴- تاریخ فلسفه در جهان اسلام، ص ۵۳۳.

۵- Arnaldus Villanovanus.

۶- Raymond Luuy.

۷- تاریخ تمدن از کهن ترین روزگار تا سده ما، هنری لوکاس، برگردان: عبدالحسین آذرنگ، انتشارات کیهان، تهران، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۵۳۷.

۸- تاریخ تمدن، ج ۴، ص ۱۳۴۲.

در نتیجه جنگ های صلیبی، اروپاییان قطب نما را از مسلمانان فرا گرفته و به کمک آن صنعت دریانوردی خود را توسعه بخشیدند. اروپاییان با این وسیله به دورترین مناطق دنیا سفر کرده و سرزمین های ناشناخته را کشف و مردمان بومی آن مناطق را استثمار می کردند. نخستین دریانوردان اروپایی که قطب نما را به کار بردند، دریانوردان آمالفی در جنوب ایتالیا بودند که با مصر و سوریه مناسبات بازرگانی داشتند.(۱)

در هنگام جنگ های صلیبی، روابط بازرگانی ایتالیا و فرانسه با شرق گسترش یافت، به اندازه ای که بیزانس، رقیب تجاری شهرهای ایتالیا، ضربه سختی خورد و ژنوا، ونیز و پیزا در مدیترانه و دریای سیاه به تجارت خوبی دست زدند.(۲) در این تجارت ها، غربی ها به طور معمول به کشورهای اسلامی سلاح می آوردند و طلا و کالاهای کمیاب در اروپا را به غرب می بردند. هرچند پاپ بارها تجارت با کشورهای اسلامی را تحریم کرده بود، ولی کسی به تحریم پاپ اهمیت نمی داد؛ چون سود سرشاری که در نتیجه تجارت با کشورهای اسلامی، نصیب غربی ها می شد، بر ایمان مردم اروپا می چربید.(۳) البته کلیسا تنها به طور ظاهری تاجران را از انجام امور تجاری با شرق اسلامی منع می کرد؛ زیرا خود در نتیجه این تجارت، بسیار سود می برد، به گونه ای که کلیسا یکی از نهادهای تأمین کننده نقدینگی برای تاجران غربی شمرده می شد. کلیسا در برابر وام هایی که به تاجران می داد، سود (ربا)های کلانی به دست می آورد. این در حالی بود که ربا و

۱- تاریخ تمدن، لوکاس، ج ۱، ص ۵۹۱.
۲- تاریخ قرون وسطا، کاسمینسکی، برگردان: انصاری و مؤمنی، نشر اندیشه، تهران، ۱۳۵۳، ص ۴۰.
۳- تاریخ تمدن، ج ۴، ص ۸۲۶.

بهره از سوی حضرت مسیح علیه السلام امری زشت شمرده شده بود.(۱)

این تاجران اروپایی، افزون بر طلاء بیش تر پارچه های حریر را نیز از شرق به غرب می بردند. بازار اروپا از منسوجات کشورهای اسلامی پر شده بود. هم چنین پشم و پنبه نیز به گونه چشم گیری از مصر به ایتالیا و دیگر کشورهای اروپایی صادر می شد.(۲) صنعت نساجی از بزرگ ترین اقتباس های مسیحیان غربی از مسلمانان، در نتیجه تعامل های بلندمدت در جنگ های صلیبی بود.

۴. گسترش صنایع و کشاورزی در اروپا

۴. گسترش صنایع و کشاورزی در اروپا

در کنار تجارت کالا، صنعت ساخت کالاها نیز از شرق به غرب انتقال یافت. برای نمونه صنعت شیشه سازی از صور و عکا به اروپا منتقل شد.(۳) آلبرماله در این زمینه می نویسد:

گرمی بازار تجارت، بی نیازی و آزادی شهرها و گسترش تحمل، به رواج صنعت انجامید و پیشه وران غربی را بر آن داشت که آن چه نمی دانند از شرق بیاموزند. چیزی نگذشت که آنان در کارها استاد شدند و به رقابت با مسلمانان پرداختند. هم چنین آنان در کنار هم گردآمده، جمعیت های صنفی تشکیل دادند و از زیر استیلای بزرگ مالکان بیرون آمدند. تشکیل اصناف به ویژه در سده سیزدهم رواج و اهمیت یافت. چنان که در روزگار فیلیپ لوبل دست کم ۱۵۰ صنف در پاریس وجود داشت.(۴)

برای نخستین بار در اروپا در سال ۱۱۰۵ م، صنعت آسیاب بادی از

۱- تاریخ تمدن، ج ۴، ص ۸۴۶.

۲- العلاقات الاقتصادیه بین الشرق و الغرب فی العصور الوسطی، زیتون عادل، دمشق، دار دمشق، ۱۴۰۰ ه .ق، صص ۱۷۳ _ ۱۷۷.

۳- العلاقات الاقتصادیه بین الشرق و الغرب فی العصور الوسطی، زیتون عادل، دمشق، دار دمشق، ۱۴۰۰ ه .ق، ص ۱۷۴.

۴- تاریخ قرون وسطا، آلبر ماله، برگردان: عبدالحسین هژیر، ۱۳۴۵، صص ۳۵۶ _ ۳۶۰.

مسلمانان به غرب منتقل شد. در قرن سیزدهم در شهر ایپر(۱) تنها ۱۲۰ دستگاه آسیاب بادی وجود داشت.(۲)

صلیبی ها در دوره جنگ های صلیبی، چندین گونه گیاه و حیوان را که ویژه آسیا و کشورهای اسلامی بود به اروپا بردند.(۳) آن ها با نیشکر آشنا شدند و از مسلمانان چگونگی تصفیه شکر را آموختند.(۴)

۵. تأثیر رفتار اسلامی و انسانی مسلمانان بر صلیبی ها

۵. تأثیر رفتار اسلامی و انسانی مسلمانان بر صلیبی ها

صلیبی ها هنگام فتح شهرهای مسلمانان، ساکنان آن ها را به زشت ترین شکل، قتل عام و غارت می کردند، اسیران را کشته و آبادی ها را ویران می ساختند، حال آن که مسلمانان چنین رفتاری با آنان نداشتند. گذشت و مدارا و اعتدال از ویژگی های مسلمانان در جنگ ها بود. این گذشت و اعتدال به ویژه در نخستین دوره های جنگ های صلیبی بیش تر دیده می شود. بهترین نمونه برای مقایسه رفتار دو طرف درگیر در این جنگ ها، در ماجرای فتح بیت المقدس است. هنگامی که صلیبی ها بیت المقدس را اشغال کردند، دیدیم که به چه فجایع زشتی نسبت به ساکنان مسلمان آن جا دست زدند. حتی نوشته اند صلیبی ها گوشت کشتگان و اسیران مسلمان را کباب کرده و خوردند، ولی وقتی مسلمانان همین شهر را در زمان صلاح الدین ایوبی از صلیبی ها بازپس گرفتند، هیچ نشانه ای از بی رحمی و وحشی گری از خود نشان ندادند. این رفتار انسانی و اخلاقی مسلمانان، در درازمدت تأثیرهای مثبتی بر صلیبی ها داشت.

۱- Ypres.

۲- تاریخ تمدن ویل دورانت، ج ۴، صص ۸۳۲.

۳- تاریخ جهانی، ص ۴۸۱.

۴- تاریخ تمدن ویل دورانت، ج ۴، صص ۷۹۱ و ۸۲۰.

اروپاییان صـلیبی مـدارای مذهبی و نداشـتن تعصب های غیرمنطقی را از مسـلمانان فرا گرفتند. آن ها بزرگ منشـی فرماندهان مسـلمان را به چشم دیدنـد. صـلاح الـدین ایوبی وقتی شـنید که ریچـارد شـیردل در بستر بیماری است، پزشک ویژه خود را به همراه دارو برای مـداوای ریچـارد نزد دشــمن فرسـتاد.(۱) شایـد رفتـار نرم خویـانه فیلیـپ دوم بـا مســلمانان در اثر ایـن گـونه تأثیرپذیری از مسلمانان بوده است.

پی آمدهای جنگ های صلیبی برای جهان اسلام

اشاره

پی آمدهای جنگ های صلیبی برای جهان اسلام

جنگ های صـلیبی بر جهان اسـلام نیز تأثیرهایی بر جای گذاشت. اگرچه پی آمدهای مثبت جنگ های صـلیبی بر اروپا، بسیار بیش تر از آن برای جهان اسـلام بود، ولی آشـنایی با این پی آمـدها برای ملت های مسـلمان درگیر در جنگ اهمیت بسـیاری دارد.

۱. تحمل خسارت های مالی و جانی

۱. تحمل خسارت های مالی و جانی

نخستین پی آمد جنگ های صـلیبی برای مسلمانان، کشته شدن شمار زیادی از مسلمانان و تحمل خسارت های سنگین مالی و حیثیتی است. مسـلمانان که در پرتو امنیت بلندمدت در دولت های مسلمان از یک زندگی آرام و بی دغدغه برخوردار بودند، ناگاه از سوی سـپاهیان صـلیبی مورد حمله قرار گرفتنـد. آنان به هر شـهر و آبادی مسـلمان نشـین که رسیدند، درنـدگی و بی رحمی را به اوج رساندند. برای مدتی، امنیت از منطقه شام رخت بر بست و بسـیاری از فرهیختگان و بازرگانان، راه قلمروهای شرقی تر اسلامی

۱- النوادر السلطانیه، ص ۱۵۸.

یا مصـر را در پیش گرفتند. یورش های بعدی صـلیبی ها به مصـر و هم زمان یورش مغول ها به مرزهای شرقی قلمرو اسلامی و تصرف آن تا بغداد، آرامش و امنیت را از مسلمانان گرفت.

روشن است که جامعه بشـری در حالت بی ثباتی و ناامنی، هیـچ گاه نمی توانـد به پیشـرفت معنوی و مادی دست یابد. چه بسـا عقب افتادن مسلمانان از ادامه پیشرفت نتیجه این جنگ ها باشد.

با از دست دادن ارزش های مادی و معنوی، ملت ها به وضـعیت قهقرا تن می دهند. اروپاییان چنین شرایطی نداشتند؛ زیرا آنان در خـانه مسـلمانان بـا آن هـا می جنگیدنـد. از این رو، مسـلمانان سـال هـا در نـاامنی و نگرانی به سـر برده و از ادامه پیشـرفت بازماندند.

۲. ایجاد کینه و نفرت از مسیحیان

۲. ایجاد کینه و نفرت از مسیحیان

پیدایش یا تقویت کینه و نفرت میان مسلمانان و مسیحیان، از دیگر پی آمدهای جنگ های صلیبی است. می توانیم جنگ های صلیبی را ادامه همان جنگ های سـنتی میان تمـدن شـرق و غرب بـدانیم. جنگ هایی که قرن ها میان هخامنشـیان و یونانیان و سپس اشـکانیان و ساسانیان با رومی ها رواج داشت. با این دیدگاه، صلیب و مذهب برای برپایی درگیری دوباره شرق و غرب بهانه ای بیش نبوده است. در هر صورت، جنگ های بلندمدت صـلیبی، بر کینه و دشـمنی پیروان دو مذهب اسـلام و مسیحیت افزود. تـا پیش از جنگ های صـلیبی، مسـلمانان در تمامی قلمروهای اسـلامی، رفتار مسالمت آمیزی با مسـیحیان داشـتند، ولی عملکرد بی رحمانه صلیبی ها کینه و دشمنی را میان پیروان دو دین الهی ایجاد کرد.

۳. افزایش آمادگی نظامی

۳. افزایش آمادگی نظامی

بالارفتن آمادگی نظامی مسلمانان شام و مصر از دیگر پی آمدهای این

جنگ ها بود. پیش تر گفتیم تا زمانی که قلمروهای تصرف شده مغول ها به شام نرسیده بود، پیوسته و بدون شکست، پیشروی می کردند، ولی هنگامی که به شام (فلسطین) رسیدند، در منطقه عین جالوت نخستین شکست بزرگ خود را در قلمروهای اسلامی تجربه کردند و همین موجب شکسته شدن طلسم شکست ناپذیری مغول ها گردید. از این پس، مغول ها در چندین نبرد دیگر در شام و آسیای صغیر شکست های سنگینی خوردند و راه پیشروی آن ها به مدیترانه و مصر بسته شد.

۴. یکپارچگی غرب جهان اسلام

۴. یکپارچگی غرب جهان اسلام

اتحاد جهان اسلام در قلمروهای غربی، در نتیجه یورش های پیاپی صلیبی ها بی مانند است. پس از آن که صلیبی ها به بهانه نجات بیت المقدس رهسپار شام شدند، غرب جهان اسلام که در این زمان پراکنده و نابسامان بود، کوشید یکپارچگی خود را با دیگر مسلمانان به دست آورد. تلاش برای این اتحاد به گونه های مختلف صورت گرفت. از سویی، برخی دولت های کوچک مسلمان کوشیدند متحد شده و قدرت بزرگی را ایجاد کنند. از سوی دیگر، حکمرانان بزرگ در بعضی کشورهای اسلامی غرب آسیا کوشیدند با مطیع کردن دولت های اسلامی کوچک تر، قدرت و یکپارچگی کافی را ایجاد کنند تا بتوانند در برابر سیل هجوم صلیبی ها ایستادگی کنند. نورالدین زنگی و صلاح الدین ایوبی از برجسته ترین نمونه ها در این باره هستند. حتی تلاش های زیادی صورت گرفت تا قدرت های مادی و معنوی سرزمین های مرکزی و شرقی قلمرو اسلامی را نیز به این اتحاد فرا خوانند که چندان کامیاب نبودند.

ترکیب یکپارچه صلیبی ها که از کشورهای مختلف اروپایی بودند،

الگوی این اتحاد را فراهم آورده بود. به هر حال، بارها دیده شد که پس از مدت زمان طولانی صلح میان دو طرف، درگیری های داخلی بروز می کرد و صلیبی ها از این اختلاف به سود خود بهره می گرفتند.

۵. تأثیرپذیری مسلمانان از رفتار صلیبی ها

۵. تأثیرپذیری مسلمانان از رفتار صلیبی ها

تأثیرپذیری مسلمانان از رفتارهای صلیبی ها، در جنگ های پایانی صلیبی دیده می شود. همان گونه که رفتار انسانی و اسلامی سپاهیان مسلمان و فرماندهان آن ها در رفتار با اسیران برای صلیبی ها آموزنده بود، رفتار کینه جویانه و وحشیانه صلیبی ها نیز بر مسلمانان تأثیر گذارد. از این رو، بر اساس نوشته های تاریخ نویسان غربی، مملوکان به هنگام پیروزی بر صلیبی ها و فتح شهرهای آسیایی آنان، بسیاری از مسیحیان و صلیبی ها را کشتند. اگر این گفته درست باشد، باید آن را نتیجه عملکرد شدیدتر صلیبی ها با مسلمانان دانست. حال آن که به اعتراف بسیاری از همین فرنگیان، رفتار مسلمانان در زمان زنگی ها و ایوبی ها با صلیبی های اسیر به اندازه ای انسانی و اخلاقی بود که برای آن ها شگفت آور بوده است.

هم چنین رواج نسبی برخی خصلت های اخلاقی و رفتاری منفی در میان مسلمانان با تأثیرپذیری از صلیبی ها صورت گرفت. در طول جنگ های صلیبی، برخی بی بند و باری های رایج در میان غربی ها و صلیبی ها نزد مسلمانان نیز رواج یافت. در این جنگ ها بر شمار زنان هرزه و مطربان و خوانندگان افزوده شد.

۶. ایجاد فاصله طبقاتی و گسترش فقر

۶. ایجاد فاصله طبقاتی و گسترش فقر

بروز فاصله و دگرگونی در ترکیب طبقاتی جامعه از پی آمدهای دیگر جنگ های صلیبی است. نظامیان و امیران در میان مسلمانان بیش تر از

دیگران در موقعیت ثروت انـدوزی قرار گرفتند. بسـیاری از افراد سودجو بر اثر احتکار کالاهای ضـروری مردم و فروش آن ها به بهای گران، ثروت های بادآورده ای به دست آوردنـد. هم چنین آنانی که مورد غضب با نفوذان و دولت مردان بودنـد، در فضای جنگ و ناامنی، در تنگنا قرار گرفتند.

گسترش فقر همگـانی در میـان مسـلمانان از پی آمـدهای دیگر این جنگ ها بود. در نتیجه جنگ های پیاپی، مواد غـذایی کم شدند و احتکارگران نیز بر شدت قحطی افزودند. انواع مالیات هایی که به علت جنگ های صلیبی از سوی حاکمان مسلمان بر مردم تحمیل می شد، سطح فقر جامعه را بالا برد و مردم را در تنگنا قرار داد.

۷. آشنایی با فرهنگ اروپاییان

۷. آشنایی با فرهنگ اروپاییان

آشنایی مسلمانان با شهرها و کشورهای اروپایی و نیز آداب و رسوم و فرهنگ مردمان آن جا از دیگر پی آمدهای جنگ های صلیبی بود. پیش از جنگ این شـناخت وجود نداشت و تنها برخی عالمان و تاجران آگاهی کمی از غرب داشـتند، ولی جنگ های صـلیبی در درجه اول کنجکاوی مردم را به اروپا برانگیخت. هم چنین بسیاری از شهرهای مسلمان نشین به تصرف صلیبی ها درآمدند و صـلیبی های بسـیاری نیز نزد مسـلمانان اسـیر شدند. بدین ترتیب، آگاهی مردم نسبت به نظام های سیاسی، دین، قوم هـا و ملت هـا، طرز فکر، علاـیق و فرهنـگ مردمـان اروپـا افزایش یافت. این آشـنایی ها به برخی تأثیرپـذیری های ادبی و فرهنگی نیز انجامید.

بخش چهارم جنگ های صلیبی معاصر یا رویارویی شرق و غرب

اشاره

بخش چهارم جنگ های صلیبی معاصر یا رویارویی شرق و غرب

زیر فصل ها

پیشینه رویارویی شرق و غرب

پیشینه رویارویی شرق و غرب

پیشینه رویارویی شرق و غرب، به دوران های بسیار دور باز می گردد. در عصر باستان پیوسته میان ایرانیان و یونانیان جنگ در می گرفت. هخامنشیان به این بهانه که یونانیان در آسیای صغیر (بخشی از قلمرو ایران) آشوب می کنند، به یونان لشکر کشیدند و یونانیان نیز به این بهانه که ایران به یونان لشکرکشی و بخش هایی از آن را تصرف کرده است، به شرق حمله ور شدند. البته این لشکرکشی های خسارت بار، هیچ سودی برای دو طرف در پی نداشت. داریوش و خشایارشاه هخامنشی در لشکرکشی خود ناکام ماندند و اسکندر نیز نتوانست سلطه پایدار خود را در شرق بگستراند. اسکندر داعیه اتحاد شرق و غرب زیر سلطه خود را داشت. او می گفت باید خون ایرانی و یونانی یکی شود. وی برای این منظور، هزاران دختر شرقی را به ازدواج مردان اروپایی درآورد. هدف او از این عملکرد، پایان دادن به اختلاف شرق و غرب نبود، بلکه وی می کوشید از شورش شرقی ها علیه قدرت و سلطه اش جلوگیری کند و آنان را به حکومت خود راضی گرداند. او هیچ گاه در عملی کردن هدفش توفیق نیافت؛ چون همواره اروپاییان، پیروز و آسیایی ها شکست خورده بودند. غربی ها می کوشیدند خود را در مقام برتر از شرقی ها قرار دهند و آنان را وادار به صلح کنند. از سوی دیگر، شرقی ها می دانستند که اسکندر در ادّعایش صادق نیست؛ زیرا می دیدند که

غربی ها چگونه ثروت و ذخایر ارزشمند شرق را به غارت می برند. بنابراین، جنگ های اسکندر نه تنها به اتحاد شرق و غرب کمک نکرد، بلکه به خسارت های سنگین برای هر دو طرف به ویژه شرق انجامید و کینه غربی ها را در دل شرقیان نشانید و زمینه را برای رویارویی های آینده هموار کرد.

در زمان اشکانیان و سپس ساسانیان درگیری شرق و غرب هم چنان ادامه یافت. نماینده غرب در این رویارویی، امپراتور روم بود. بارها و بارها رومی ها به شرق یورش آوردند و حتی تا مناطق مرکزی ایران آن روز پیش رفتند، ولی نتوانستند کاری از پیش ببرند؛ زیرا در این لشکرکشی ها، چندین بار امپراتوران روم به اسارت ایرانیان درآمدند و لشکرکشی های آن ها ناتمام ماند. اشکانیان و به ویژه ساسانیان نیز بارها به غرب (قلمرو روم) لشکر کشید، ولی نتوانستند بر آن جا مسلط شوند. رومی ها توانستند سلطه خود را به آسیای صغیر و حتی سوریه گسترش داده تا بین النهرین پیش آیند.

از زمانی که کنستانتین مذهب مسیح را پذیرفت، جهان غرب بهانه تازه ای برای تجاوز به شرق به دست آورد. از این پس، رویارویی شرق و غرب به ظاهر مبنای عقیدتی یافت. بهانه رومی ها در حمله به شرق و قلمرو ایران ساسانی این بود که می خواهند مسیحیان شرق را از زیر یوغ ستم زرتشتی ها رها سازند، حال آن که مسیحیان ساکن در قلمرو ساسانی آسایش و امنیت کافی داشتند. از زمانی که روم به بهانه آزاد ساختن مسیحیان به ایران لشکر کشید، مسیحیان شرق نیز به عنوان دشمن یا نفوذی دشمن به شمار آمدند و وضع وخیمی پیدا کردند.

لشکرکشی های امپراتوری روم علیه پادشاهی ساسانی، از جنبه های گوناگون، به لشکرکشی های صلیبی ها به قلمرو مسلمانان همسانی بسیاری

دارد. در هر دو مورد، اروپاییان تجاوزگر هستند و آزادسازی مسیحیان از سلطه کفار، بهانه حمله آنان است. هم چنین در هر دو مورد، امپراتوری روم هیچ گاه نتوانست برای همیشه بر ایرانیان و شرقی ها تسلط یابد، بلکه بر عکس وضع مسیحیان بسیار نامناسب تر از گذشته شد و امنیت و آسایش آن ها به هم خورد. صلیبی ها نیز نتوانستند برای همیشه بر قلمروهای مسلمانان حاکم شوند و بهانه خود، یعنی آزادی مسیحیان شرق را عملی سازند، بلکه بر عکس عملکرد صلیبی ها سبب شد که مسیحیان شرق امنیت و آسایش پیشین خود را از دست دادند. در این جنگ ها، اروپاییان جان ها و مال های فراوانی را بیهوده از دست دادند. در هر دو مورد، خسارت های بیش تر از آن شرقی ها بود و اروپاییان بسیاری چیزهای ارزشمند را از شرقی ها آموختند و آن آموزه ها را مقدمه ای برای پیشرفت های آینده خود قرار دادند.

در صدر اسلام نیز جنگ های مشابهی وجود داشت. در دوران زندگانی رسول گرامی اسلام، حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم، سریه موته و غزوه تبوک یادآور این رویارویی ها است. در هر دو مورد، تصمیم روم برای تجاوز به قلمرو اسلام سبب این جنگ ها شد، ولی پس از درگذشت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم این نبردها گستره بیش تری یافت. در زمان خلیفه اول، مسلمانان توانستند شام را که از زمان اسکندر از آسیا جدا شده بود و زیر سلطه رومی ها قرار داشت، از اروپاییان بگیرند. در زمان بنی امیه، مسلمانان پیوسته با رومی ها در آسیای صغیر در ستیز بودند. مسلمانان توانستند از راه شمال آفریقا به اروپا نفوذ کنند. طارق، فرمانده سپاهیان مسلمان توانست اسپانیای امروزی را برای مدتی طولانی در اختیار مسلمانان قرار دهد. در زمان

سلجوقیان، مسلمانان توانستند رومی ها را به طور کامل از آسیا بیرون کنند. نبرد ملازگرد یادآور پیروزی قطعی مسلمانان بر اروپاییان است.

جنگ های صلیبی آغاز تجاوزهای جدید غربیان علیه شرق و قلمرو مسلمانان بود. این درگیری ها در زمان امپراتوران عثمانی شدت بیش تری یافت. این بار مسلمانان بودند که به خاک اروپا پای گذاردند. تا زمانی که امپراتوری عثمانی قدرت داشت، اروپاییان نتوانستند به شرق تجاوز کنند. هم زمان با ناتوان شدن عثمانی ها، اروپا دگرگونی های فرهنگی، سیاسی، علمی و صنعتی بسیاری به خود دید. در نتیجه، آنان توانستند سیاست تجاوزگری خود را در شرق ادامه دهند. این بار تجاوزگری اروپاییان ماهیت استعماری به خود گرفت. در این مرحله، به سبب برتری علمی، صنعتی و تکنولوژیک اروپاییان بر مسلمانان و شرقی ها، آنان توانستند سلطه خود را برای مدت های طولانی بر شرق حاکم کنند. هندوستان و دیگر کشورهای اسلامی شرق آسیا، زیر یوغ استعمارگران اروپایی قرار گرفت. چندی نگذشت که ایران، بین النهرین، سوریه، فلسطین، آسیای صغیر و شمال آفریقا نیز به ناچار استعمار اروپاییان را پذیرفتند.

سلطه اروپاییان در دوره جدید که با ظاهری ریاکارانه صورت گرفت، بسیار بی رحمانه تر و غیرمنصفانه تر بود. فاتحان اروپایی در گذشته هرگاه بخشی از قلمرو شرق را به دست می گرفتند، در آبادانی و امنیت آن جا می کوشیدند؛ چون آن مناطق را از آن خود می دانستند. اروپاییان در عصر جدید کوشیدند تا آن جا که می توانند مناطق دیگر جهان را استثمار کرده و ثروت های آن سرزمین ها را به اروپا ببرند. در دوره حاکمیت استعمار، مسلمانان و شرقی ها به شدت به غربی ها وابسته شدند که رهایی از این

چرخه وابستگی، کار ساده ای نبود. این بار اروپاییان کوشیدند با تغییر دادن در ساخت فرهنگی ساکنان شرقی، سلطه و استثمار خود را همیشگی سازند. آن ها جلو پیشرفت ملت های مستعمره را گرفتند و روحیه ابتکار را در آن ها نابود ساختند. در قرن های هجده و نوزده، اروپاییان سلطه و استعمار خود را در آسیا، آفریقا و امریکای لاتین گسترش دادند. پس از جنگ جهانی دوم، ملت ها و کشورهای زیر سلطه، به ظاهر آزادی خود را به دست آوردند و حکومت های مستقلی تشکیل دادند، ولی در واقع چنین نبود؛ زیرا شکل وابستگی دگرگون شده بود. این بار وابستگی های غیر مستقیم سیاسی، نظامی، اقتصادی، علمی و حتی فرهنگی، سبب تداوم سلطه و تجاوز اروپاییان به شرق شده بود.

نظریه برخورد تمدن ها

نظریه برخورد تمدن ها

از سال ۱۹۱۷ م. که نظام کمونیستی بر روسیه حاکم شد، به ظاهر جهان از نظرگاه بینشی، اقتصادی و اجتماعی به دو قطب تقسیم شد. تقسیم جهان به دو قطب شرق و غرب، تا اندازه ای بر رویارویی آسیا و اروپا تأثیر گذارد، ولی این به معنای پایان یافتن درگیری آسیا و اروپا نیست. رویارویی بلوک شرق و غرب به رویارویی آسیا و اروپا یا کشورهای اسلامی با کشورهای غربی مربوط نمی شود. شوروی و دیگر کشورهای اروپایی سوسیالیست مانند همان کشورهای غربی بودند که در پی استثمار ملت های ضعیف آسیا و آفریقا و امریکای لاتین گام بر می داشتند. فروپاشی کمونیسم در کشورهای بلوک شرق سبب شد برخی گمان کنند که دیگر جنگی در جهان روی نخواهد داد و جهان روز به روز در جهت وحدت حرکت خواهد

کرد؛ یگانگی که می بایستی به رنگ و بوی غربی منتهی گردد. در واقع، به معنای پیروزی غرب و شکست کامل شرق؛ یعنی استحاله شرق و غربی شدن آن بود.

مهم ترین نظریه پرداز در این زمینه فرانسیس فوکویاما است که نظریه پایان تاریخ و واپسین انسان را ارایه کرد.(۱) چکیده نظریه او این است که لیبرال دموکراسی، شکل نهایی حکومت در جوامع بشری است. او می گوید پایان تاریخ زمانی است که انسان در آن عمیق ترین و اساسی ترین نیازهای خود را برآورده کند. به نظر فوکویاما، با گذشت زمان و با پیروزی لیبرال دموکراسی بر رقیبان ایدئولوژیکش هم چون سلطنت موروثی، فاشیسم و جدیدتر از همه کمونیسم در جهان، در سراسر جهان درباره مشروعیت لیبرال دموکراسی به عنوان تنها نظام حکومتی موفق، اتفاق نظر مهمی به وجود آمده است. از این رو، ممکن است لیبرال دموکراسی «نقطه پایان تکامل ایدئولوژیک بشریت» و «آخرین شکل حکومت بشری» باشد و در این مقام، «پایان تاریخ» را تشکیل دهد. شکست کمونیسم، دلیل پیروزی ارزش های لیبرال غربی و پایان درگیری های ایدئولوژیکی است.

این نظریه اکنون بسیاری از هوادارانش را از دست داده است. درگیری های شدید منطقه ای، پیدایش بحران در تمدن و هویت غربی و هم چنین پیدایش اتحادیه های منطقه ای و محلی، این نظریه را ناکارآمد

۱- در این زمینه نک: «مقاله فوکویاما و دموکراسی لیبرال، پایان تاریخ»، برگردان: پرویز صداقت، اطلاعات سیاسی ــ اقتصادی، ش ۷۹ ــ ۸۰؛ و «پایان تاریخ و آخرین انسان»، اطلاعات سیاسی ــ اقتصادی، ش ۶۳ ــ ۶۴؛ «فرجام تاریخ و آخرین انسان»، فوکویاما، برگردان: علی رضا طیب، مجله سیاست خارجی، ش ۲ و ۳؛ «بازگشت تاریخ»، موسی غنی نژاد، اطلاعات سیاسی ــ اقتصادی، ش ۴۹ ــ ۵۰.

ساخته است. هیچ کدام از قدرت های سیاسی، نظامی و فرهنگی نمی خواهند در برابر نظام سیاسی، نظامی و فرهنگی غرب تسلیم شوند. از این رو، خوش بینی های غرب در برتر نشان دادن نظام خود به دیگران پایان گرفت و در نتیجه، نظریه جنگ تمدن ها قوت گرفت.

ساموئل هانتینگتون، دانشمند امریکایی بر این باور است که پس از پایان عصر جنگ سرد میان قطب کمونیسم و قطب سرمایه داری، دوران برخورد تمدن ها آغاز می شود. وی تمدن های زنده جهان را به هفت یا هشت تمدن بزرگ تقسیم می کند: تمدن های غربی، کنفوسیوسی، ژاپنی، اسلامی، هندو، اسلاو، ارتدوکسی، امریکای لاتین و تمدن حاشیه ای آفریقایی. او خطوط گسل میان تمدن ها را منشأ درگیری های آینده و جای گزین واحد قدیمی دولت ــ ملت می داند. به اعتقاد وی، رویارویی تمدن ها، سیاست غالب جهانی و آخرین مرحله تکامل درگیری های عصر نو را شکل می دهد.(۱)

به اعتقاد وی، نقطه اصلی برخورد در این جهان نو، ایدئولوژی یا اقتصاد نیست، بلکه برخوردها ماهیتی فرهنگی خواهند داشت و بس. دولت ــ ملت ها بازیگران اصلی در عرصه جهان خواهند بود و درگیری های اصلی در صحنه سیاست جهانی، میان ملت ها و گروه های تمدن های گوناگون روی خواهد داد.(۲)

هانتینگتون بر آن باور است که وجود اختلاف لزوما به معنی درگیری نیست و درگیری نیز ضرورتا همان خشونت نیست. با وجود این، در طول

۱- نظریه برخورد تمدن ها، هانتینگتون و منتقدانش، برگردان و ویراسته: مجتبی امیری، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه، تهران، ۱۳۷۵، ص ۴۹.

۲- نظریه برخورد تمدن ها، هانتینگتون و منتقدانش، برگردان و ویراسته: مجتبی امیری، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه، تهران، ۱۳۷۵، صص ۴۵ ــ ۴۶.

قرن ها اختلاف های موجود میان تمدن ها به ایجاد طولانی ترین و خشن ترین درگیری ها انجامیده است. وی معتقد است:

۱ _ اختلاف دیدگاه ها در تمدن های مختلف نسبت به روابط میان خدا و انسان، فرد و گروه، شهروند و دولت، پدر و مادر و فرزندان و زن و شوهر و... به آسانی از میان نخواهد رفت.

۲ _ جهان در حال کوچک تر شدن است و کنش و واکنش میان ملت های وابسته به تمدن های مختلف در حال افزایش است. این کنش و واکنش ها، هوشیاری و آگاهی تمدن ها را نسبت به وجوه اختلاف میان تمدن ها افزایش می دهد. برای نمونه، وقتی امریکایی ها، سرمایه گذاری کانادایی ها و اروپاییان را در کشورشان راحت تر از سرمایه گذاری ژاپنی ها می پذیرند، این به اختلاف بیش تر میان امریکایی ها و ژاپنی ها می انجامد.

۳ _ کشورهای ضعیف تر به دلیل نوسازی اقتصادی و دگرگونی اجتماعی، انسان ها را از هویت دیرینه و بومی شان جدا می سازد. با سست شدن دولت _ ملت، به عنوان منشأ هویت، مذهب جای آن را می گیرد. این جابه جایی در منشأ هویت، سبب می شود که مرزهای ملی درهم شکسته شده و تمدن های همسان به هم بپیوندند.

۴ _ خود غرب موجب خودآگاهی تمدنی غیر غربی ها می شود. از این رو، قرار گرفتن غرب در اوج قدرت سبب می شود که پدیده بازگشت به اصل خویش در میان افراد تمدن های دیگر بروز کند. برای مثال، ژاپن بیش از پیش در جهت آسیایی شدن خواهد کوشید و روس ها می کوشند غربی باشند تا روسی. در چنین حالتی برخلاف گذشته، نخبگان در جوامع غیرغربی دیگر برای جذب رفتارها و ارزش های غربی نمی کوشند، بلکه به عامه مردم و فرهنگ بومی و سنتی آنان نزدیک تر می شوند.

۵ _ با مطرح شـدن اختلاف های مـذهبی در میان تمدن ها، آن ها برای درگیری های آینده آماده تر می شوند. وقتی موضع و خاستگاه هر فرد مشخص باشد، او نمی تواند همانند اختلاف بر سر مسایل اقتصادی و سیاسی مصالحه کند.

۶ _ منطقه گرایی در حـال گسترش است. این منطقه گرایی معمولاً ـ در میـان کشورهـایی که فرهنگ همسان دارنـد، بروز می کنـد. برای مثال، اکو در میان کشورهای مسـلمان غیرعرب به وجود می آیـد؛ زیرا آن ها می بیننـد که هیـچ گاه نمی توانند به جامعه اروپا راه یابند.(۱)

به نظر هـانتینگتون، تقابـل نظـامی غرب و کشورهـای اسـلامی در حال نیروگرفتن است و این تقابل می توانـد بسـیار تلـخ تر از گذشته باشد.(۲) هانتینگتون از این که این اختلاف های تمـدنی به جنگ خانمان برانـدازی در جهان بینجامـد، به ظاهر نگران است. از این رو، به دولت مردان غربی، به ویژه امریکایی ها هشدارهایی می دهد تا با به کارگیری سیاست هایی از بروز چنان رویـدادی جلوگیری کننـد. برای نمـونه، او بـه آمریکـا و کشورهـای اروپـایی پیشـنهاد می کنـد کـه از فعـالیت هـای سیاسـی بنیادگرایان در کشورهای اسـلامی نهراسـند و برای سـرکوبی آن ها اقدامی نکنند. وی بر آن است که اگر بنیادگرایان از مسیر انتخابات به قدرت برسند، نمی توانند چندان برای غرب خطرناک باشند.(۳)

دکتر سیدحسین نصر، فیلسوف و متفکر بزرگ ایرانی می گوید:

۱- نظریه برخورد تمدن ها، صص ۴۹ _ ۵۴.

۲- نظریه برخورد تمدن ها، ص ۵۸.

۳- نظریه برخورد تمدن ها، صص ۱۱۴ _ ۱۱۷.

هانتینگتون چنین انگاشته است که تمدن اسلامی دشمن بی چون و چرای تمدن غرب است و برخورد این دو تمدن اجتناب ناپذیر است. وی به طور تلویحی، تمدن اسلامی را دشمن غرب دانسته است. از نظر هانتینگتون، دو طرز فکر که مدعی ساختن آینده بشر است، به طور کامل رد شده است:

۱ ـ این فکر که جهان هم چون گذشته باقی می ماند و مرزهای ملی، کشورها و ملت ها را از هم جدا خواهد کرد؛

۲ ـ این فکر که جهان در آینده یک تمدن خواهد داشت.(۱)

به نظر دکتر، نصر ادعاهای هانتینگتون از برخی جنبه ها مشکل دارد:

۱ ـ وی تمدن امریکای شمالی را یک تمدن مستقل، ولی نزدیک به تمدن اروپا معرفی می کند، حال آن که امریکای شمالی را افراد، گروه ها و جمعیت هایی از تمام مناطق جهان تشکیل می دهد. پس اگر قرار باشد که تمدن ها علیه یکدیگر به مبارزه برخیزند، نخست این مبارزه در داخل آمریکا به وجود خواهد آمد.(۲)

۲ ـ برخلاف ادعای هانتینگتون، چه ضرورتی دارد که تمدن های موجود همیشه در حال دشمنی با هم باشند؟ اجزای مشترک میان تمدن ها کم نیستند و این اجزای مشترک از برخورد تمدن ها جلوگیری می کنند. اجزای مشترک ادیان بسیار بیش تر از بخش های مورد اختلاف است. بنابراین، لزوم برخورد تمدن ها با یکدیگر حتمی نیست.(۳)

۳ ـ به باور دکتر نصر، اکنون در تمامی جوامع اروپایی و امریکا، روند اختلاف و فاصله میان کسانی که به خدا و دین معتقدند و کسانی که منکر

۱- نظریه برخورد تمدن ها، ۱۳۱.

۲- نظریه برخورد تمدن ها، ص ۱۳۱.

۳- نظریه برخورد تمدن ها، صص ۱۳۷ ـ ۱۴۰.

آن ها هستند، روبه افزایش است و این در حال تبدیل شدن به یک بحران است. به اعتقاد برخی کارشناسان مسایل سیاسی، در آینده عوامل مؤثر در سیاست های جهانی از اختیار دولت ها خارج شده و در دست نهادها و گروه هایی قرار می گیرد که منافع مشترک آن ها لزوما از ملی گرایی ناشی نمی شود؛ یعنی نهادهای اقتصادی کم کم به جای واحد دولت _ ملت به عنوان نیرومندترین عامل در صحنه سیاست جهانی جای گزین می شود.(۱)

به باور بیش تر منتقدان هانتینگتون، این قطعی است که تمدن، جای گزین واحد دولت _ ملت نمی شود و دولت _ ملت هم چنان مهم ترین عامل تأثیرگذار در سیاست جهانی باقی خواهد ماند و این اقتصاد است که اهمیت می یابد، نه تمدن.(۲)

هانتینگتون تعریف علمی و مشخصی از تمدن و فرهنگ ارایه نمی دهد و آن ها را دو مفهوم به هم پیوسته و درهم تصور می کند، حال آن که تفاوت های تأمل برانگیزی در آن ها یافت می شود که هانتینگتون به آن ها توجهی نکرده است.(۳) برای مثال، برژینسکی، فساد درونی نظام غرب را عامل تهدیدکننده قدرت جهانی آمریکا می داند.

هانتینگتون آشتی ناپذیری جهان اسلام و غرب را یک اصل مسلّم در روابط اسلام و غرب فرض کرده و می کوشد تا سیاست های توسعه طلبانه دولت های غربی را از فرهنگ غربی جدا سازد، ولی رفتار کشورهای اسلامی را عین تمدن اسلامی قلمداد کند. وی ضرورت آمادگی غرب را

۱- نظریه برخورد تمدن ها، ص ۳۵.

۲- نظریه برخورد تمدن ها، ص ۳۵.

۳- نظریه برخورد تمدن ها، صص ۳۷ _ ۳۸.

برای رویارویی با آن دسته از کشورها و گروه هایی که در جهت احیای تمدن اسلامی گام برمی دارند، سفارش می کند. او می گوید: «این اختلاف ها[ی کشورهای غربی] از سیاست های دولت ها ناشی می شود، نه از آیین مسیح».

وی به نقل از کتاب پاپ ژان پل دوم می نویسد:

کلیسا برای مسلمانان که خدای حی، قیّوم، رحمان، فعال مایشاء و خالق آسمان و زمین را می پرستند، احترام می گذارد. آن ها به دلیل اعتقاد به یگانگی خداوند به ما نزدیک ترند.(۱)

حکومت آمریکا و نظریه برخورد تمدن ها

حکومت آمریکا و نظریه برخورد تمدن ها

جرج دبلیو بوش، رئیس جمهور امریکاپس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ م در سخنانی از آغاز جنگ صلیبی جدیدی سخن گفت. این سخن گویای باطن نهفته سیاست گذاران آمریکا و حتی اروپا است؛ زیرا این سخن از سوی برلوسکنی، نخست وزیر ایتالیا تأیید شد.

این که رئیس جمهور آمریکا و دیگر اروپاییان خود را ادامه دهندگان راه صلیبی ها معرفی می کنند، تصادفی نیست. ظهور نظریه پردازانی هم چون هانتینگتون، گویای برنامه ریزی های دقیق سردمداران آمریکا و اروپا است. این که آیا هانتینگتون و افرادی مانند او به خواست سردمداران کاخ سفید چنین نظریه هایی را طرح کرده اند یا این که گردانندگان کاخ سفید و اروپا از نظریه های هانتینگتون تأثیر پذیرفته اند، مورد بحث ما نیست. چیزی که باید دانست ارتباط این دو با یکدیگر است. برخی دیدگاه ها در نظریه هانتینگتون

۱- نظریه برخورد تمدن ها، صص ۳۹ و ۴۰.

بررسی شد و روشن گشت که اشکال های فراوانی بر آن وارد است.

بی تردید، برخورد ملت ها و قوم ها و کشورها با یکدیگر هیچ گاه در طول تاریخ مبنای تمدنی و فرهنگی نداشته است. تاریخ تهاجم ها و جنگ های بزرگ جهانی نشان می دهد که عامل فرهنگی یا تمدنی در پیدایش جنگ ها دخالت ندارد، بلکه همیشه این جهان گشایان و زیاده خواهان بوده اند که برای هدف های توسعه طلبانه خود دست به تجاوز و قتل عام و غارت می زدند. هرچند آنان در هر دوره ای، بهانه ای عوام پسند برای توجیه عمل خود می یافتند. برای مثال، در جنگ های صلیبی این عامل مذهب نبود که جنگ های چند صد ساله و خانمان سوز را به راه انداخت، بلکه عوامل دیگری عامل جنگ ها بودند و مذهب تنها بهانه ای برای توجیه عمل صلیبی ها شده بود. بنابراین، اگر هم جنگ دیگری میان کشورهای غربی و اسلامی در بگیرد، علت اصلی جنگ، نظریه هانتینگتون یا علقه های دینی نیست، بلکه علت اصلی همان روحیه توسعه طلبی و زیاده خواهی جهان خواران است.

آنان از نظریه هایی هم چون نظریه هانتینگتون تنها برای خاموش نگه داشتن ملت های خود بهره می گیرند تا آن ها در برابر ترک تازی سیاست مداران خود ایستادگی نکنند. آن چه سبب لشکرکشی آمریکا و کشورهای اروپایی به آسیا و کشورهای اسلامی شده است، در درجه نخست سلطه طلبی و زیاده خواهی آنان در موضوع نفت است؛ چیزی که از زمان کشف آن، حوادث بی شماری را در پی داشته است. کودتای رضاخان و سپس پادشاهی مستبدانه او، کودتای ۲۸ مرداد و جنایت های محمدرضا شاه و سپس جنگ تحمیلی هشت ساله در ایران همه به تحریک و کمک

کشورهـای غربی به ویژه انگلیس و آمریکا به منظور غارت ذخایر نفتی ایران صورت گرفته است. لشکرکشـی آمریکا به خلیج فارس و سپس حمله به عراق نیز در همین راستا بوده است. جنگ خونین چندین ساله میان فلسطینیان مظلوم و صهیونیست های متجـاوز هم چنـان ادامه دارد. کم تر کسـی است که این درگیری و رویـارویی را تنهـا یک درگیری و جنگ منطقه ای بدانـد. پشتیبانی همه جانبه آمریکا و دیگر کشورهای اروپایی از اسـراییل و دادن همه گونه کمک مالی و نظامی و سیاسی به اسراییل، آشکارا گویای تداوم همان سیاست تهاجم و تجاوز غرب علیه امت اسلامی است.

این سیاست تجاوزکارانه به جز فلسطین گاه به گاه در مناطق دیگر جهان هم دیده می شود. بوسنی، سودان، افغانستان، چچن و عراق در شـمار کشورهای مورد هدف این سیاست بوده اند. این تهاجم های گسترده به گونه ای تداعی گر جنگ های صلیبی است. از این رو، اشاره جرج بوش به احیای جنگ های صلیبی چندان هم گزاف نیست.

باید امیدوار بود که نتیجه این تجاوزها نیز مانند نتیجه پایانی جنگ های صلیبی باشد. آن چه موجب لشکرکشی امریکا و دیگر قدرت های غربی به قلمرو مسـلمانان شده، همان روحیه ذاتی سرمایه داران در استثمار ملت های ناتوان و فقیر است. از این رو، مذهب یا تمدن نمی تواند عامل تهاجم و لشکرکشی کشورهای غربی به کشورهای اسلامی قلمداد شود.

حسن ختام

حسن ختام

دیـدیم که جنـگ هـای صـلیبی نزدیک به دو قرن طول کشـید؛ جنگ هایی که از سوی اروپاییان و با انگیزه های گوناگون بر مسلمانان تحمیل شد. در این

جنگ ها شمار زیادی از مسلمانان بدون علت کشته شدند. اروپاییان به ظاهر با انگیزه مذهبی این تجاوزها را صورت دادند، ولی در واقع مذهب عامل اصلی نبود.

اروپاییان در این جنگ ها، دانش ها و مهارت های بسیاری از مسلمانان آموختند. دگرگونی ها و پیشرفت های بعدی غربی ها مدیون این جنگ ها بود. آنان در پی این جنگ ها ثروت های بسیاری را از قلمروهای اسلامی به غارت بردند. اروپاییان پیش از جنگ های صلیبی شناخت هایی غیرواقعی از مسلمانان داشتند، ولی در روند جنگ ها به فرهنگ، هنر و دانش مسلمانان پی بردند و از آن ها بهره گرفتند. هم چنین در عملی کردن سیاست های استعماری خود در کشورهای اسلامی از این شناخت ها بهره ها بردند.

اروپاییان تجاوزگر نتوانستند برای همیشه حضور نظامی خود را در این مناطق حفظ کنند. ترکان مسلمان، یعنی مملوکان و سپس ترکان عثمانی نه تنها فرنگیان را از قلمروهای اسلامی بیرون راندند، بلکه آنان را در خانه هایشان نیز زیر فشار قرار دادند. با این حال، برتری سیاسی و نظامی مسلمانان با گذشت زمان به سستی گرایید و غربی ها که به نظام های سیاسی و اقتصادی قدرتمندی مجهز شده بودند، توانستند در قلمروهای اسلامی نفوذ کنند. اکنون نزدیک به چهار قرن است که جنگ های صلیبی یا به عبارتی جنگ های اروپاییان با مسلمانان، به صورت یک سویه ادامه دارد. این تجاوزها به ویژه از زمانی که جنگ بلوک شرق و بلوک غرب مسیحی پایان یافت، شکل جسورانه ای به خود گرفته است.

در پایان، باید به طور خلاصه گفت که مسلمانان برای رویارویی با این تجاوزها و پیروزی نهایی، جز بالابردن آگاهی و توان همه جانبه خود راه

دیگری پیش رو ندارند.

ص:۱۸۱

بخش پنجم همراه با برنامه سازان

اشاره

بخش پنجم همراه با برنامه سازان

با توجه به این که جنگ های صلیبی یکی از مهم ترین رویدادهای تاریخ اسلام است و هم چنین نظریه برخورد تمدن ها نزد برخی سیاست مداران غربی، یادآور جنگ های صلیبی و آغاز دوباره آن ها است، بر دست اندرکاران رسانه ملی لازم است که برای روشن گری افکار عمومی و به ویژه جوانان بکوشند و برای بالابردن سطح آگاهی آنان، برنامه هایی را تهیه کنند. در این جا راه کارهایی را برای دست اندرکاران رسانه پیشنهاد می کنیم.

پیشنهادهای کلی

پیشنهادهای کلی

۱ ـ در ساخت برنامه های رسانه ای مانند مصاحبه، سمینار علمی، فیلم داستانی، مستند، سینمایی یا سریال از جنگ های صلیبی، باید برنامه ریزان رسانه به گونه ای برخورد نکنند که این گمان را در مردم پدید آورند که مبنای جنگ های صلیبی، رویارویی دو مذهب اسلام و مسیحیت بوده است. باید کوشید مبنای جنگ های صلیبی را نه تضاد دو مذهب، بلکه روحیه زیاده خواهی، سودجویی و توسعه طلبی پادشاهان اروپایی معرفی گردد. در جاهایی نیز که ناچار به نمایش و تبیین برخی انگیزش های مذهبی صلیبی ها هستیم، باید عوامانه بودن آن ها را به بیننده یا شنونده منتقل کنیم تا بدانند که انگیزش های دینی جز عوام فریبی مردمان اروپا و سوء استفاده دولت مردان

و اربابان کلیسای مسیحی از مردم بی سواد و ناآگاه نبوده است.

بایـد کوشـید شـعارها و انگیزه هـای مـذهبی را بهـانه ای معرفی کرد که مردم با تمسّک بـدان ها می توانسـتند افزون بر رهایی موقت از سـتم فئودال هـا و اشـراف خود، از امور مـادی ماننـد: بخشودگی مالیـاتی، تـأمین عـایله از سوی کلیسـا و غنیمت های جنگی نیز بهره مند شوند.

۲ ـ در تهیه برنامه های گوناگون، بایـد بر برخی ویژگی های منفی غربی ها در جنگ های صـلیبی تأکیـد کرد و نشان داد که یک انسان دین دار و مسـیحی واقعی، هیـچ گاه نمی توانـد وحشـیانه و هم چون حیوانات درنـده، اسـیران جنگی را بکشد و از گوشت آنـان برای خود غـذا تهیه کنـد. یـک مسیحی واقعی نمی توانـد کودکـان نوزاد و حتی جنین ها را در رحم مادرانشان نـابود کنـد. انجیل مقـدس همواره پیروان خود را به مهربانی و رحمت فرا می خوانـد و این با عملکردهای صـلیبی ها در جنگ های دوره ای نمی خواند.

در کنار این ها باید رأفت و گذشت مسـلمانان نسـبت به مسیحیان نشان داده شود. برای نمونه، نورالدین زنگی یا صلاح الدین ایوبی در اوج جنگ وقتی می شنوند که پادشاه یا فرمانده صلیبی بیمار شده است، برای آن ها پزشک حاذق و گیاهان دارویی می فرسـتند. یا وقتی پادشاه صـلیبی اورشلیم اسیر می شود، چگونه با او رفتاری انسانی دارند و حتی او را آزاد می کنند. صحنه هایی از گذشت و رأفت مسـلمانان نسـبت به صلیبی های خون ریز و جنایت کار در این مجموعه آورده شده است. با کنار هم قرار دادن ایـن دو گـونه رفتـار می تـوان بزرگ منشـی و روحیـه انسـان دوسـتی مسـلمانان را که ناشـی از دین اسـلام است، به مخاطب نشان داد و در او روحیه اعتماد به نفس را تقویت کرد.

۳ _ اگر مخاطبان برنامه اروپاییان هستند، باید کوشید با نمایش دادن ارزش های والای انسانی مسلمانان در جنگ های صلیبی، مسیحیان را هرچه بیش تر با دین و فرهنگ والای اسلام آشنا ساخت. باید کوشیده شود تا این احساس در او ایجاد نشود که مردمان اروپای آن روز، به طور کامل با مسلمانان غرب آسیا در تضاد و درگیری بوده اند، بلکه ساده لوحی و اشتباه های رجال اروپایی در جنگ های صلیبی را باید نشان داد و بر آن تأکید کرد.

۴ _ با توجه به این که امروزه آزادی فلسطین (با مرکزیت بیت المقدس) خواسته و آرزوی تمام مسلمانان جهان است، در ساختن برنامه ها به ویژه، برنامه های برون مرزی باید مسلمانان را به زیرکی و اتحاد فرا خواند تا با استفاده از فرصت هایی مانند اختلاف های داخلی دولت های غربی، دادن کمک های مالی و معنوی به مسلمانان خط مقدم جنگ با صهیونیست ها، هرچه زودتر قلب جهان اسلام را از یوغ صهیونیسم و غرب رها ساخت.

۵ _ توجه به آن چه صلیبی ها در جنگ های صلیبی از مسلمانان آموختند به ویژه دانش ها و فنونی که آنان از مسلمانان فرا گرفتند، باید مورد توجه قرار گیرد. تبیین دقیق این بخش، سبب می شود که مخاطبان مسلمان، پیشرفت های علمی و فنی امروزین غرب را مدیون علوم و فنون مسلمانان بدانند و حسّ خود کم بینی را از خود دور کنند.

۶ _ ساختن فیلم هایی در قالب های گوناگون در زمینه جنگ های صلیبی سفارش می شود؛ زیرا چنان چه ساخت فیلم ها با دقت و کاردانی صورت گیرد، می تواند روحیه پایداری و شجاعت را نزد مسلمانان در برابر تهاجم های دشمنان تقویت کند. مخاطب پس از دیدن یک فیلم خوب در

این زمینه، می تواند به این حس اعتماد به نفس برسد که اگر مسلمانان در گذشته توانستند با اتحاد در برابر ده ها هزار نظامی صلیبی که از تمام کشورهای اروپا بودند، مقاومت کرده و سرانجام پیروز شدند، امروز نیز می توانند در برابر دشمنان اروپایی خود قرار بگیرند. به شرط آن که باور قلبی به مقاومت داشته باشند و با دیگر مسلمانان یکپارچه شوند.

۷ _ در ساختن برنامه های رسانه، باید فرصت طلبی پاپ ها و صداقت نداشتن آن ها در جنگ های صلیبی را نشان داد تا مخاطب متوجه شود که اگر مردم اروپا در دوره رنسانس از دین بریدند، به خاطر خود دین نبود، بلکه به خاطر سودجویی، فرصت طلبی و عوام فریبی ارباب کلیسا بود. در این راستا به ویژه باید بر واقعیت های تاریخی مانند قتل عام وحشیانه مسیحیان قسطنطنیه به دست سپاهیان صلیبی و چشم پوشی پاپ نسبت به آن جنایت ها، انگشت گذاشت.

پیشنهادهای برنامه ای

پیشنهادهای برنامه ای

۱ _ مناسب است سریالی با موضوع جنگ های صلیبی شامل تمام هشت مرحله جنگ های صلیبی ساخته شود. بهتر است چنین برنامه ارزش مند و پرهزینه ای با کمک و مشارکت تلویزیون های دیگر کشورهای اسلامی به ویژه مصر و سوریه ساخته شود. چنان چه این مهم ممکن و عملی نبود، بخش ها یا موضوع هایی از جنگ های صلیبی انتخاب شود که هم گیرا و هم آموزنده باشند.

برای مثال، اشغال بیت المقدس به دست صلیبی ها و جنایت های آنان در فتح آن جا و سپس بازپس گیری این شهر از سوی صلاح الدین ایوبی

می توانـد فیلمی گیرا و آموزنـده برای مخاطبان مسـلمان باشد. مقایسه عملکرد فاتحان صـلیبی و مسـلمان پس از دست یابی به شهر بیت المقدس بسیار آموزنده است.

۲ ـ ساخت برنامه هایی درباره شخصـیت قهرمانان مسلمان در جنگ های صلیبی سفارش می گردد؛ قهرمانانی چون نورالدین زنگی، صلاح الدین ایوبی و بیبرس که پیروزی های بزرگی برای جهان اسلام به ارمغان آوردند.

حمله صـلیبی هـا به مصـر و شـکست سـهمگین آنـان در دو مرحله که در یـک مورد حـتی لویی، پادشـاه فرانسه نیز به اسـارت مسلمانان درآمد، شایسته توجه برنامه سازان است.

نبرد طبریر یکی دیگر از موضوع های گیرا در ساختن برنامه است. نبرد بزرگی که با رهبری صلاح الدین انجام شد و زمینه ای برای فتح بیت المقدس گردید. در آن جنگ، تمامی سپاهیان صلیبی تسلیم شدند. این پیروزی تا آن زمان بزرگ ترین قدرت نمایی مسلمانان بود.

هم چنین به تصویر کشیدن مـاجرای جنـگ مرحله چهارم صـلیبی بسـیار ارزشـمند است. در این مرحله، صـلیبی ها بسـیاری از مسـیحیان شـهرهای اروپـایی مثـل قسـطنطنیه را کشـتند و جنایت های بسـیاری انجام دادنـد. هزاران مسـیحی شامل پیر، جوان و کودک و زن و... قتـل عـام شـده یـا به عنوان برده فروخته شدنـد. اموال کلیساهـا به غارت صـلیبی ها رفت. کشـیشان زیادی از مـذهب ارتدکس کشـته شدند. نمایش و تبیین این مرحله از جنگ های صـلیبی مخاطب را از ماهیت جنگ های صـلیبی آگاه می کند.

بهتر است به این داستان هم توجه شود: عالمی مسلمان به نام قاضی کمال الدین شهرزوری از سوی عمادالدین زنگی مأموریت یافت تا سلطان

مسعود سلجوقی را برای کمک به عمادالدین در برابر صلیبی ها که به تازگی حمله جدیدی را انجام داده بودند، بشوراند، ولی سلطان مسعود نپذیرفت. از این رو، وی تدبیر زیرکانه ای را اندیشید. وی با تدبیری، شهر را آشفته ساخت و بدین ترتیب، هراس ناشی از آن، سلطان را به پشتیبانی از زنگی ها برانگیخت. محاصره اسکندریه به دست صلیبی ها نیز از دستاوردهای درخور توجه برنامه سازان است که در روشن گری مردم بسیار تأثیرگذار است.

پرسش های مردمی

پرسش های مردمی

۱ _ آیا در حمله آمریکا به کشورهای اسلامی و حمله اروپاییان صلیبی به سوریه و فلسطین و مصر و لبنان و آسیای صغیر و تونس همسانی وجود دارد؟ بلی! این همسانی در گفتار بوش آشکارا بیان شد. در هر دو مورد به قلمرو اسلامی تجاوز شده است.

۲ _ آیا یورش صلیبی ها به قلمروهای اسلامی و قتل و غارت و تجاوز و وحشی گری آن ها را می توان ناشی از آموزه های حضرت مسیح علیه السلام دانست؟ خیر! زیرا هیچ آیین الهی درباره قتل عام بی گناهان و وحشی گری به پیروان خود دستوری نداده است.

۳ _ آیا می توانید چند تن از قهرمانان مسلمان در جنگ های صلیبی را نام ببرید؟ عمادالدین زنگی، صلاح الدین ایوبی و بیبرس

۴ _ آیا در طول جنگ های صلیبی، بیت المقدس به اشغال مسیحیان درآمد؟ بلی! بیت المقدس تا زمان فتح آن به دست صلاح الدین ایوبی در دست مسیحیان بود.

۵ _ آیا در اشغال بیت المقدس به دست صلیبی ها و اشغال آن به دست

اسراییلی ها همسانی دیده می شود؟ بلی! در هر دو مورد، هدف های مادی، سیاسی و توسعه طلبانه بود که سبب اشغال آن به دست صلیبی ها و اسراییلی ها شد.

۶ _ به نظر شما آیا از سوی مسلمانان ظلمی بر مسیحیان بیت المقدس وارد می شد که دلیل تجاوز صلیبی ها به قلمرو مسلمانان باشد؟ خیر! زیرا اسلام پیروان ادیان الهی را به پذیرش اسلام مجبور نمی کند. اسلام به آنان آزادی کافی داده است تا اعمال دینی و غیردینی خود را انجام دهند.

۷ _ آیا اگر مسلمانان با یکدیگر اختلاف و دشمنی شدید داشتند، می توانستند بر صلیبی ها پیروز شوند؟ خیر! تنها یکپارچگی مسلمانان عامل پیروزی آنان بر صلیبی ها شد.

۸ _ آیا فکر می کنید دانش و مهارت هایی که اروپاییان از مسلمانان آموختند، در پیشرفت های بعدی آنان چه نقشی داشت؟ آن ها در زمینه های پزشکی، داروسازی، دریانوردی، تجارت، حساب و هندسه، نجوم و حتی فلسفه و اخلاق، دانش های بسیار ارزش مندی از مسلمانان آموختند و آن ها را پایه پیشرفت های بعدی خود قرار دادند.

۹ _ آیا تجربه جنگ های صلیبی اکنون نیز می تواند برای مسلمانان مفید واقع شود؟ بلی! در آن زمان تمام اروپا به بخشی از قلمرو اسلامی تجاوز کرد و اکنون نیز کشورهای اروپایی به اشکال دیگری به قلمرو اسلامی تجاوز می کنند. پس دانستنی زمینه های پیروزی مسلمانان در آن عصر، می تواند برای آنان در حال حاضر کارساز باشد.

۱۰ _ آیا ساختن فیلم هایی از جنگ های صلیبی و به نمایش درآوردن آن ها

می تواند برای مردم مفید و گیرا باشد؟ بلی! این گونه فیلم ها مؤثر است، اگر در ساخت همه جوانب فیلم دقت کافی شود.

۱۱ ــ به نظر شما آیا می توان جنگ های صلیبی را جنگ اعراب و غرب دانست؟ خیر! جنگ های صلیبی میان مسلمانان با غربی ها بود.

۱۲ ــ جنگ های صلیبی چند سال به طول انجامید؟ نزدیک به دویست سال.

۱۳ ــ به نظر شما اوضاع و شرایط سیاسی و اعتقادی اروپای آن روز، با شرایط امروز غرب تفاوت زیادی دارد؟ بلی! در آن روزگار پاپ محور ساختار دینی آن عصر بود و بر پادشاهان و حاکمان و امپراتوران اروپا نفوذ زیادی داشت.

۱۴ ــ آیا کلیسا از مردم اروپا در برپایی جنگ های صلیبی سوء استفاده نکرده است؟ همین گونه است. پاپ ها از ساده لوحی مردمان عادی و زیاده خواهی سران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اروپا بسیار سوء استفاده کردند.

۱۵ ــ فکر می کنید چند درصد از مردم از تاریخ جنگ های صلیبی آگاه باشند؟ بیش تر مردم از تاریخ جنگ های صلیبی آگاهی ندارند.

پرسش های مسابقه ای

پرسش های مسابقه ای

۱ ــ نخستین شهر مهم مسلمانان که به تصرف صلیبی ها درآمد، چه نام داشت؟ نیقیه، پایتخت سلجوقیان آسیای صغیر.

۲ ــ سقوط بیت المقدس و اشغال آن به دست صلیبی ها در چه سالی روی داد؟ در سال ۴۹۲ ه . ق (۱۰۹۹ م)

۳ ــ نخستین حاکم صلیبی بیت المقدس چه نام داشت؟ گود فروآ

۴ ــ خاندان حاکم بر مصر که نخستین رویارویی با صلیبی ها را تجربه کرد، چه نام داشت؟ فاطمیان

۵ ــ نخستین قهرمان خاندان زنگی در مبارزه با صلیبی ها چه نام داشت؟ عمادالدین زنگی

۶ ــ فاتح مسلمان بیت المقدس و بازپس گیرنده آن از دست صلیبی ها چه کسی بود؟ صلاح الدین ایوبی

۷ ــ فردریک بارباروسا، امپراتور آلمان که برای بازپس گیری بیت المقدس با سپاهیان انبوهی از صلیبی ها رهسپار آسیا شد، چه سرانجامی یافت؟ غرق شد و سپاه او از هم پاشید.

۸ ــ نتیجه مرحله چهارم جنگ های صلیبی چه بود؟ ویرانی قسطنطنیه

۹ ــ چرا صلیبی ها به مصر حمله کردند؟ چون مصر را کلید بیت المقدس می دانستند و قصد داشتند مناطق اشغالی مصر را با بیت المقدس معاوضه کنند.

۱۰ ــ نخستین شهر بزرگ مصر که به تصرف صلیبی ها در آمد، چه نام داشت؟ دمیاط

۱۱ ــ پادشاه فرانسه که در جریان جنگ های صلیبی به اسارت مسلمانان در آمد، چه نام داشت؟ لویی نهم

۱۲ ــ آخرین حمله بزرگ صلیبیان به کجا بود؟ به تونس

۱۳ ــ عامل اصلی مرحله پنجم جنگ های صلیبی کدام پاپ بود؟ پاپ اونوریوس سوم

۱۴ ــ نبرد بزرگ منصوره در کدام مرحله از جنگ های صلیبی روی داد؟ مرحله هفتم

پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱ ـ آیا جنگ های صلیبی در پیدایش نظریه جنگ تمدن ها مؤثر بوده است؟

۲ ـ آیا جنگ های صلیبی را می توان زمینه ساز رنسانس در اروپا دانست؟

۳ ـ گرایش های مذهبی تا چه اندازه در به وجود آمدن جنگ های صلیبی مؤثر بود؟

۴ ـ اگر بیت المقدس عامل مهمی در جنگ های صلیبی بوده است، چرا پیش از آغاز جنگ های صلیبی، جنگی میان مسلمانان و مسیحیان به بهانه بیت المقدس به وجود نیامد؟

۵ ـ نقش عالمان اسلام در ترغیب مسلمانان به جهاد علیه صلیبی ها چه اندازه بود؟

۶ ـ با وجود این که مراحل گوناگون جنگ های صلیبی برای اروپاییان بی نتیجه بود، چرا آن ها برای آغاز جنگ های صلیبی دیگری زمینه چینی می کردند؟

۷ ـ به نظر شما جنگ های صلیبی برای مسلمانان بیش تر نتیجه مثبت به همراه داشت یا نتیجه منفی؟

۸ ـ قتل عام ساکنان قسطنطنیه به دست صلیبی ها چگونه قابل توجیه است؟

۹ ـ تفاوت های موجود در چگونگی برخورد زنگی ها، ایوبیان و مملوکان با صلیبی ها چه بود و علت این تفاوت ها در چیست؟

۱۰ ـ منظور جرج بوش از زنده کردن جنگ های صلیبی چیست؟

۱۱ ـ آیا می توان جنگ های صلیبی را جنگ مسیحیان با مسلمانان دانست؟

۱۲ _ ارتباط دستگاه خلافت عباسی با زنگی ها، ایوبیان و مملوکان چگونه بود؟

۱۳ _ آیا صلیبی ها در حمله مغول ها به قلمرو اسلامی مؤثر بودند؟ آیا آنان به هدف خود رسیدند؟

۱۴ _ دیدگاه نویسندگان غربی در زمینه جنگ های صلیبی چگونه است؟

۱۵ _ آیا می توان از تجربه جنگ های صلیبی برای رویارویی با تهاجم های گوناگون غرب به قلمرو اسلامی بهره گرفت؟ چگونه؟

کتاب نامه

کتاب نامه

۱ ـ آلبر ماله. تاریخ قرون وسطا، ترجمه: عبدالحسین هژیر، کتابخانه ابن سینا، تهران ـ ۱۳۴۵.

۲ ـ ابن اثیر. الکامل فی التاریخ، ج ۹، دارالکتاب العربی، بیروت ـ ۱۹۹۸ م.

۳ ـ ابن اثیر. الکامل فی التاریخ، ج ۱۰ و ۱۱، دار صادر للطباعه و النشر، بیروت ـ ۱۹۶۶ م.

۴ ـ ابن العیری. تاریخ مختصر الدول، بیروت، ۱۹۵۸ م.

۵ ـ ابن قلانسی. ذیل تاریخ دمشق، تحقیق سهیل زکّار، دار حسّان، دمشق ـ ۱۹۸۳ م.

۶ ـ ابوالعباس احمد بن علی بن عبدالقادر العبیدی. السلوک لمعرفه دول الملوک، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، ج ۱، دارالکتب العلمیه، بیروت ـ ۱۹۹۷ م.

۷ ـ استیون، رانسیمان. جنگ های صلیبی، ترجمه: منوچهر کاشف، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ـ ۲۵۳۶.

۸ ـ اکبر شاندرو. صلاح الدین ایوبی، ترجمه: محمد قاضی، انتشارات زرین، تهران ـ ۱۳۷۵.

۹ ـ الحافظ شمس الدین ابی عبدالله الذهبی. دول الاسلام، موسسه الاعلمی

للمطبوعات، بیروت ۱۴۰۵ ه .ق _ ۱۹۸۵ م.

۱۰ _ العرب و الروم و اللاتین فی الحروب الصلیبیه الاولی، دار النهضه العربیه، بیروت _ ۱۹۸۱ م.

۱۱ _ العلاقات السیاسیه بین الامپراتور الرمانیه المقدسه و الشرق الاسلامی، مکتبه مدبوگی، قاهره _ ۱۴۰۹ ه . ق.

۱۲ _ امیر ناصرالدین حسین بن محمد مشهور به ابن بی بی. اخبار سلاجقه روم، به اهتمام دکتر محمدجواد مشکور، کتاب فروشی تهران، تهران، ۱۳۵۰.

۱۳ _ بدرالدین محمود العینی. عقد الجمان فی اهل الزمان، تحقیق محمدامین، الهیئه المصریه العامه الکتاب، القاهره _ ۱۹۸۵ م.

۱۴ _ برتراند راسل. تاریخ فلسفه غرب. ترجمه: نجف دریابندری، انتشارات حبیبی، تهران _ ۱۳۵۱.

۱۵ _ برتولد اشپولر. تاریخ مغول در ایران، ترجمه: محمود میرآفتاب، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران _ ۱۳۶۵.

۱۶ _ بهاءالدین بن شداد. النوادر السلطانیه و المحاسن الیوسفیه، تحقیق: جمال الدین الشیال، مکتبه الخانجی، القاهره _ ۱۹۹۴ م.

۱۷ _ فوکویاما، پایان تاریخ و دمکراسی لیبرال، ترجمه: پرویز صداقت، اطلاعات سیاسی _ اقتصادی، ش ۷۹ _ ۸۰.

۱۸ _ پایان تاریخ و آخرین انسان، اطلاعات سیاسی _ اقتصادی، ش ۶۳ _ ۶۴.

۱۹ _ تحقیق عبدالقادر طلیمات. التاریخ الباهر فی الدوله الاتابکیه فی الموصل، القاهره _ ۱۹۶۳. م.

۲۰ _ تحقیق محمد حلمی، محمد احمد. التعاظ الحنفا باخبار الائمه الفاطمیین

الخلفاء، ج ۳، المجلس الاعلی للشؤن الاسلامیه قاهره _ ۱۳۹۳ _ ۱۳۸۷ ه . ق.

۲۱ _ جمال الدین ابوالمحاسن یوسف بن تعزی بردی الاتابکی. النجوم الزاهره فی ملوک مصر و قاهره، ج ۵، وزاره الثقافه و الارشاد القومی، القاهره.

۲۲ _ جمال الدین ابوعبدالله محمد بن سلیم الشافعی ابن واصل. مفرج الکروب فی اخبار بنی ایوب، تحقیق جمال الدین الشیال، ج ۵، القاهره _ ۱۹۵۷ _ ۱۹۵۱ م.

۲۳ _ جمال الدین محمد (ابن واصل). مفرج الکروب فی اخبار بنی ایوب، تحقیق: جمال الدین الشیال، ج ۱، مطبوعات اداره احیاء التراث القدیم، قاهره _ ۱۹۵۷ م.

۲۴ _ حریری، احمد بن علی. تاریخ جنگ های صلیبی، ترجمه: عبدالله طاهری، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۹.

۲۵ _ حنا الفاخوری و خلیل البحر. تاریخ فلسفه در جهان اسلام، ترجمه: عبدالحمید آیتی، انتشارات زمان، ۱۳۵۵.

۲۶ _ احمد شلبی. موسوعه التاریخ الاسلامی و الحضاره الاسلامیه، ج ۵، مکتبه المصریه، ۱۹۷۵ م.

۲۷ _ جوزف نسیم یوسف. مکتبه الحروب الصلیبیه، ج ۳، دارالنهضه العربیه، بیروت _ ۱۹۸۱ م.

۲۸ _ عبدالفتاح عاشور، سعید. الحرکه الصلیبیه، ج ۱، مکتبه الانجلو العصریه، القاهره.

۲۹ _ فايد حماد محمد عاشور. جهاد مسلمانان در جنگ های صلیبی، ترجمه: عباس عرب، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران _ ۱۳۷۳.

۳۰ _ محمد سهیل طقّوش. تاریخ الممالیک فی مصر و بلاد الشام، دارالنفائس، بیروت _ ۱۹۹۷. م.

۳۱ _ دولاندلن، ش. تاریخ جهانی، ترجمه: احمد بهمنش، ج ۱، انتشارات دانشگاه تهران.

۳۲ _ زیتون عادل. العلاقات الاقتصادیه بین الشرق و الغرب فی العصور الوسطی، دار دمشق، دمشق _ ۱۴۰۰ ه . ق.

۳۳ _ سالم محمد الحمیده. الحروب الصلیبیه، ج ۴، طباعه و نشر، عراق _ ۱۹۹۴ م.

۳۴ _ سبط بن الجوزی. مرآ. الزمان، چاپ هند، ۱۳۵۱ ه . ق.

۳۵ _ سعید عبدالفتاح عاشور. مصر و الشام فی عصر الایوبین و الممالک، دارالنهضه العربیه، بیروت _ ۱۹۷۲ م.

۳۶ _ سیریل الگود. تاریخ پزشکی ایران، ترجمه: دکتر باهر فرقانی، امیرکبیر، تهران _ ۱۳۷۱.

۳۷ _ شاکر احمد، ابو بدر. الحروب الصلیبه الصلیبیه و الاسره الزنکیه، ج ۱۱، الجامعه اللبنانیه، ۱۹۷۲ م.

۳۸ _ شهاب الدین ابن محمد (ابوشامه). الروضتین فی اخبار الدولتین، ج ۱، نشر و تحقیق محمد حلمی محمد احمد، کمیته تألیف و ترجمه و نشر، قاهره.

۳۹ _ عارف العارف. المفصل فی تاریخ القدس، بیت المقدس، دارالاندلس،

ص:۱۹۷

۱۳۰۸ ه .ق.

۴۰ _ عبدالله ناصری طاهری. علل و آثار جنگ های صلیبی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۴۱ _ عصام محمد شبارو. السلاطین فی المشرق العربی، دارالنهضه العربیه، بیروت _ ۱۹۹۴ م.

۴۲ _ عمادالدین ابوالفداء. المختصر فی اخبار البشر، ج ۲، دارالکتب العلمیه، بیروت _ ۱۹۹۷.

۴۳ _ غنی نژاد، موسی. بازگشت تاریخ، اطلاعات سیاسی _ اقتصادی، ش ۴۹ _ ۵۰.

۴۴ _ فوکویاما. فرجام تاریخ و آخرین انسان، ترجمه: علیرضا طیب، مجله سیاست خارجی، ۲ و ۳.

۴۵ _ قوام الدین الفتح بن علی البنداری. سناالبرق الشامی، تحقیق رمضان ششن. دارالکتاب الجدید، بیروت _ ۱۹۷۱ م.

۴۶ _ کاسمینسکی. تاریخ قرون وسطا، ترجمه: انصاری و محمدباقر مؤمنی، نشر اندیشه، تهران ۱۳۵۳.

۴۷ _ گروسه، رنه. تاریخ جنگ های صلیبی، برگردان: دکتر ولی الله شادان، نشر و پژوهش فروزان، تهران، ۱۳۷۷.

۴۸ _ گوستاولوون. حضاره العرب، ترجمه: به عربی عادل زعیر، دار احیاء الکتب العربیه، قاهره _ ۱۹۴۵ م.

۴۹ _ العروسی المطوی، محمد. الحروب الصلیبه الصلیبیه فی المشرق و المغرب، دارالمغرب، بیروت _ ۱۹۸۲ م.

۵۰ _ رشاد، محمد. جنگ های صلیبی، ج ۱ و ۲، نشر اندیشه، تهران _ ۱۳۷۳.

۵۱ _ محمدعلی فروغی. سیر حکمت در اروپا، انتشارت حبیبی و زوار، تهران.

۵۲ _ محمد کرد علی. خطط الشام، ج ۲، المکتبه النوری، ۱۴۰۳ ه . ق.

۵۳ _ محمد مصطفی زیاده. الدوله الایوبیه، لجنه التألیف و الترجمه و النشر، القاهره _ ۱۹۶۱ م.

۵۴ _ محی الدین ابن عبدالظاهر. الروض الزاهر فی سیره الملک الظاهر، الریاض _ ۱۹۶۱ م.

۵۵ _ ناصرالدین محمد بن عبدالرحیم. تاریخ الدول و الملوک، تحقیق: قسطنطنی زریق، ج ۱، الجامعه الامیرکیه فی بیروت، ۱۹۴۲. م.

۵۶ _ و.و. بارتولد. فرهنگ و تمدن مسلمانان، ترجمه علی اکبر دیانت.

۵۷ _ ویل دورانت. تاریخ تمدن، عصر ایمان، بخش دوم: ترجمه ابوالقاسم طاهری، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

۵۸ _ هانتینگتون و منتقدانش. نظریه برخورد تمدن ها، ترجمه و ویراسته: مجتبی امیری، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه، تهران _ ۱۳۷۵.

۵۹ _ ابرهارد مایر، هانس. جنگ های صلیبی، ترجمه: دکتر عبدالحسین شاهکار، انتشارات دانشگاه شیراز، شیراز _ ۱۳۷۱.

۶۰ _ هنری، لوکاس. تاریخ تمدن از کهن ترین روزگار تا سده ما، ترجمه: عبدالحسین آذرنگ، انتشارات کیهان، تهران _ ۱۳۶۶.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹